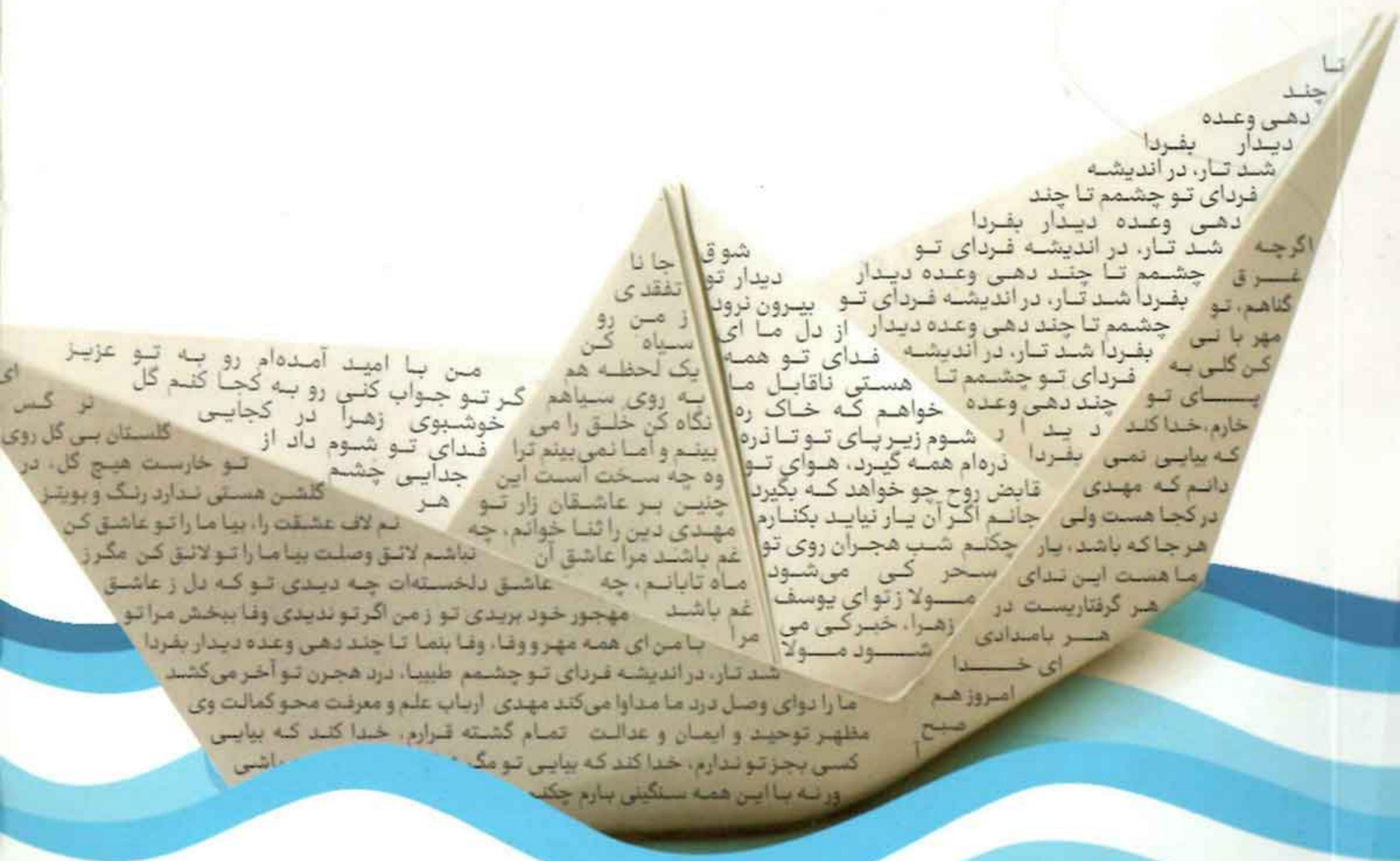


تا بقیه عمرم بهدی و ک



روشے جذاب در آموزش معارف مهدوی

علیرضا افشاری مقدم



تا

چند

دهی وعده

دیدار بفردا

شد تار، در اندیشه

فردای تو چشمم تا چند

دهی وعده دیدار بفردا

اگر چه شد تار، در اندیشه فردای تو

غرق چشمم تا چند دهی وعده دیدار

گناهم، تو بفردا شد تار، در اندیشه فردای تو

مهر با نی چشمم تا چند دهی وعده دیدار از دل ما ای

کن گلی به بفردا شد تار، در اندیشه فدای تو همه

پسای تو فردای تو چشمم تا هستی ناقابل ما

خارم، خدا کند دیدار شوم زیر پای تو تا ذره

که بیایی نمی بفردا ز راه همه گیرد، هوای تو

دانم که مهدی قابض روح جو خواهد که بگیرد

در کجا هست ولی جانم اگر آن یار نیاید بکنارم

هر جا که باشد، یار چکنم شب هجران روی تو

ما هست این ندای سحر کی می شود

هر گرفتاریست در مولا ز تو ای یوسف

هر بامدادی زهرا، خیرگی می

ای خدا شود مولا

امروز هم

صبح

من با امید آمده‌ام رو به تو عزیز
گر تو جواب کنی رو به کجا کنم گل
خوشبوی زهرا در کجایی
فدای تو شوم داد از
جدایی چشم
هر گلشن هستی ندارد رنگ و بویتز
تم لاف عشقت را، بیامارا تو عاشق کن
نباشم لائق وصلت بیامارا تو لائق کن مگرز
عاشق دلخسته‌ات چه دیدی تو که دل ز عاشق
مهجور خود بریدی تو ز من اگر تو ندیدی وفا ببخش مرا تو
با من ای همه مهر و وفا، وفا بنما تا چند دهی وعده دیدار بفردا
شد تار، در اندیشه فردای تو چشمم طیبیا، درد هجرن تو آخر می کشد
ما را دوی وصل درد ما مداوا می کند مهدی ارباب علم و معرفت محو کمالت وی
مظهر توحید و ایمان و عدالت تمام گشته قرارم، خدا کند که بیایی
کسی بجز تو ندارم، خدا کند که بیایی تو مگر
ورنه با این همه سنگینی بارم چکنم

شوق جا نا
دیدار تو
تفقدی
ز من رو
سیاه کن
یک لحظه هم
به روی سیاهم
نگاه کن خلق را می
بینم و امان نمی بینم ترا
وہ چه سخت است این
چنین بر عاشقان زار تو
مهدی دین را ثنا خوانم، چه
غم باشد مرا عاشق آن
ماه تابانم، چه
غم باشد
مرا

بیرون نرو
از دل ما ای
تو همه
هستی ناقابل ما
خواهم که خاک ره
شوم زیر پای تو تا ذره
ز راه همه گیرد، هوای تو
قابض روح جو خواهد که بگیرد
جانم اگر آن یار نیاید بکنارم
چکنم شب هجران روی تو
سحر کی می شود
مولا ز تو ای یوسف
زهرا، خیرگی می
شود مولا

چشمم تا چند
در اندیشه
فردای تو چشمم تا چند
دهی وعده دیدار بفردا
اگر چه شد تار، در اندیشه فردای تو
غرق چشمم تا چند دهی وعده دیدار
گناهم، تو بفردا شد تار، در اندیشه فردای تو
مهر با نی چشمم تا چند دهی وعده دیدار از دل ما ای
کن گلی به بفردا شد تار، در اندیشه فدای تو همه
پسای تو فردای تو چشمم تا هستی ناقابل ما
خارم، خدا کند دیدار شوم زیر پای تو تا ذره
که بیایی نمی بفردا ز راه همه گیرد، هوای تو
دانم که مهدی قابض روح جو خواهد که بگیرد
در کجا هست ولی جانم اگر آن یار نیاید بکنارم
هر جا که باشد، یار چکنم شب هجران روی تو
ما هست این ندای سحر کی می شود
هر گرفتاریست در مولا ز تو ای یوسف
هر بامدادی زهرا، خیرگی می
ای خدا شود مولا
امروز هم
صبح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



سابقہ شعریں

روشنی جذاب در آموزش معارف مہدوی



علیرضا افشاری مقدم

سرشناسه: افشاری مقدم، علیرضا، ۱۳۵۵ -
 عنوان و نام پدیدآور: مسابقه شعر مهدوی: روشی جذاب در آموزش معارف مهدوی / مولف علیرضا
 افشاری مقدم؛ ویراستار احمد مسعودیان.
 مشخصات نشر: قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۰۷-۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 عنوان دیگر: روشی جذاب در آموزش معارف مهدوی.
 موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. - - شعر
 موضوع: Muhammad ibn Hasan, Imam XII -- Poetry
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
 موضوع: Persian poetry -- Collections -- ۲۰th century
 موضوع: شعر مذهبی فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
 موضوع: Religious poetry, Persian -- Collections -- ۲۰th century
 رده بندی کنگره: PIR ۴۱۹۱
 رده بندی دیویی: ۸۱۶/۶۲۰۸۳۵۱
 شماره کتابشناسی ملی: ۶۲۳۷۸۱۴

مسابقه شعر مهدوی

مؤلف: علیرضا افشاری مقدم

ویراستار: احمد مسعودیان

طراح جلد و صفحه‌آرا: مسعود سلیمانی

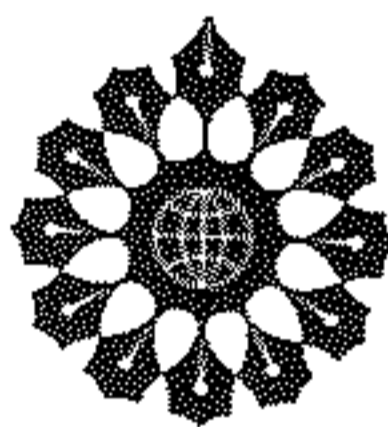
ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ: اول / پاییز ۱۳۹۹

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۶۱۳۰-۷-۸

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۵۰,۰۰۰ تومان



بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود
انتشارات

تمامی حقوق © محفوظ است.

قم: خیابان شهدا / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / پ: ۲۶ /

تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۱۱۳۰-۱ / نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۴۲۷۳-۰۲۵

تهران: خیابان انقلاب / خیابان قدس / خیابان ایتالیا / پ: ۹۸ /

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۹۸۶۰۰ / نمابر: ۰۲۱-۸۹۷۷۴۳۸۱-۰۲۱

www.mahdaviat.ir

info@mahdaviat.ir

Entesharatbonyad@chmail.ir

دفاتر بنیاد حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در استان‌ها پاسخگوی درخواست‌های متقاضیان کتاب و محصولات فرهنگی بنیاد و مرکز تخصصی مهدویت می‌باشد.

فهرست مطالب

۷	بخش اول: مسابقه مشاعره اشعار مهدوی
۴۷	بخش دوم: مسابقه سریع خوانی اشعار مهدوی
۹۷	بخش سوم: مسابقه حفظ اشعار مهدوی
۱۰۷	بخش چهارم: مسابقه کلمه‌یابی اشعار مهدوی
۱۲۲	بخش پنجم: مسابقه تشخیص کلمه محذوف
۱۵۱	بخش ششم: مسابقه توضیح اشعار مهدوی
۱۶۷	بخش هفتم: مسابقه رابطه احادیث مهدوی با اشعار مهدوی
۱۹۹	بخش هشتم: مسابقه تشخیص کلمه اشتباه
۲۱۱	بخش نهم: مسابقه تشخیص مصراع مناسب
۲۲۹	بخش دهم: مسابقه تشخیص مصراع اول در بین سه مصراع

مقدمه

هنر شعر یکی از روش‌های بسیار مؤثر در آموزش مفاهیم مختلف، مخصوصاً مفاهیم دینی می‌باشد که به صورت غیرمستقیم تأثیر خود را بر مخاطب می‌گذارد.

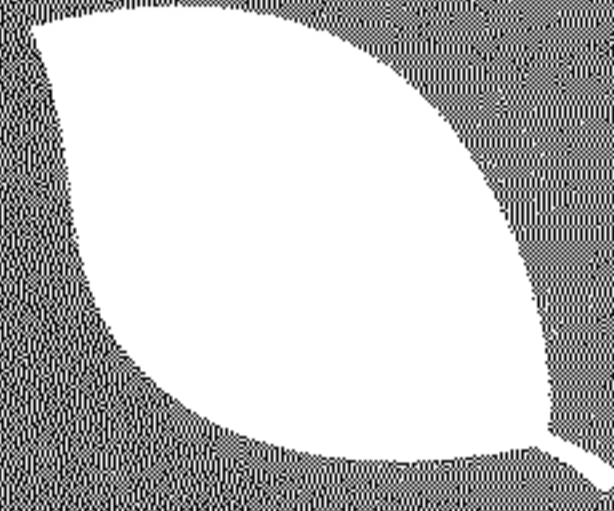
حال ما بر آن شدیم که این قالب هنری را با قالب مسابقه‌ای تلفیق نموده و معارف مهدوی را به مخاطبان عرضه نمائیم. گفتنی است هیچ‌کدام از اشعار این مجموعه از مؤلف نمی‌باشد؛ بلکه از منابع مختلف مذکور در پایان کتاب جمع‌آوری شده است. می‌توان از مسابقات این کتاب در مدارس و مساجد و حتی جمع‌های خانوادگی استفاده نمود.

برای دسترسی به شیوه عملی اجرای مسابقه، می‌توانید از طریق «کیو آر کد» پشت جلد، فیلم آن را در سایت آپارات مشاهده فرمایید. امید است این اثر مورد رضایت خداوند و ولی غائبش (مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه) قرار گیرد.

والسلام

علیرضا افشاری مقدم

قم - پاییز ۱۳۹۹



بخش اول

مسابقه مشاعره اشعار مهدوی



یکی از روش‌های جذاب مسابقه شعر مهدوی «مسابقه مشاعره اشعار مهدوی» است. در این روش هر شرکت‌کننده‌ای باید با آخرین حرف از بیتی که شرکت‌کننده قبلی خوانده، یک بیت دیگر بخواند. مثلاً شرکت‌کننده اولی، بیت زیر را خوانده:

گرچه نهانی ز چشم، دل نبُود نا امید

می‌رسد آخر به هم، چشم من و پای تو

چنانچه مشاهده می‌شود آخرین حرف این بیت، (واو) است که شرکت‌کننده بعدی باید بیتی را بخواند که با حرف (واو) شروع شود، مانند بیت زیر:

وعده دادند که فریاد رسی می‌آید

در پس این شب تاریک کسی می‌آید

و مجدداً شرکت‌کننده بعدی با آخرین حرف همین بیت که حرف (دال) است بیت دیگری را می‌خواند و همین‌طور این روش شعرخوانی تا پایان زمان مسابقه ادامه پیدا می‌کند و هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند سریع و بدون مکث (نهایتاً پنج ثانیه) بیت مربوط به خود را بخواند، برنده این قسمت از مسابقه خواهد بود.



روش اجرای مسابقه

این روش از مسابقه (مشاعره اشعار مهدوی) را می‌توان هم به صورت حفظی و هم از روی متن کتاب اجرا نمود.

در روش حفظی شرکت‌کنندگان می‌توانند با حفظ اشعار ذکر شده در این کتاب (که برای هر کدام از حروف مختلف الفبا، ابیاتی ذکر شده است) وارد مسابقه شوند و هر شرکت‌کننده‌ای از حفظ، بیت مورد نظر خود را بگوید.

لذا می‌توان مدتی (مثلاً یک تا دو ماه) قبل از شروع مسابقه متن اشعار را در اختیار شرکت‌کنندگان گذاشت تا اشعار را حفظ کنند و در زمان شروع مسابقه، هر شرکت‌کننده‌ای اشعار را به صورت حفظی بخواند.

و اما می‌توان از روش دیگر نیز - که آسان‌تر است - استفاده نمود؛ یعنی در اختیار هر شرکت‌کننده‌ای ابیاتی مختلف مهدوی را که با حروف مختلف الفبا شروع شده است به صورت مکتوب قرار داده و به آنها بگوییم هر وقت نوبتش شد، بیت مورد نظر خود را از روی اشعاری که به صورت مکتوب در اختیارش گذاشته شده، سریع پیدا کرده و بخواند.

ممکن است این روش به ظاهر آسان باشد، ولی از آنجاکه هر شرکت‌کننده‌ای باید بسیار سریع بیت مربوط به خود را پیدا کرده، و از طرفی بیت تکراری هم نخواند، لذا مسابقه مشکل خواهد شد.

گفتنی است هدف ما آنست بیشتر شرکت‌کنندگان با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در قالب شعرخوانی است؛ نه صرفاً حفظ شعر و مسابقه مشاعره، لذا شرکت‌کنندگان می‌توانند اشعار خود را از روی کتاب هم بخوانند.



الف

۱. ای امام عاشقان مهدی بیا

حضرت صاحب‌زمان، مهدی بیا

فرامرزیحان صفت

۲. ای مهدی هادی بیا، ای پیک آزادی بیا

ای شاهد شادی بیا، کز غیر تو بیگانه‌ام

سعید شمس

۳. ای کاش برگردی که بعد از این همه دوری

یک‌باره حس بودنت زیباست، می‌دانم

سپیده شمس

۴. او که آمد، زندگی رنگی گرفت

شاخه‌های خشک دین، برگی گرفت

سارا نظری

۵. ای مظهر لطف حق، ای فخر بنی‌آدم

دور از تو جهان امروز، در وحشت و در ماتم

احمد شریعتی بیدار

۶. ای منتظران، گنج نهان می‌آید

آرامش جانِ عاشقان می‌آید

میرهاشم میری



۷. اینجا همه پیوسته تو را می خوانند

لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند

سید حسن حسینی

۸. امید شیعه چرا از سفر نمی آیی؟

که زخم کهنه ما را، به جز دوی تو نیست

پروانه نجاتی

۹. آن را که به کوی تو اقبال و درنگی نیست

بالا تر از این زشتی در جامعه ننگی نیست

احمد شریعتی بیدار

۱۰. ای غایب از نظر که نظرهاست سوی تو

دل سوی توست، گرچه ندیدیم روی تو

سید کریم امیری

۱۱. آخر به سوی دشت، نگاهی بیفکنید

شاید ز رخس اوست، غباری که می رسد

مهدی ایزدپناه

۱۲. ای خدایی که به یعقوب رساندی یوسف

این زمان یوسف من نیز به من باز رسان

شهریار تبریزی

۱۳. ای دیده ها به راهت، ای قائم هدایت

تا کی کنم حکایت، شرح غم جدایی

اسماعیل نیک سرشت



۱۴. از عطر حضور تو، شده یاس معطر

بالطف قدم‌های تو، هستی همه سرسبز

فاطمه میرنجفی

۱۵. ای مهر تو آئینم، جز با تو نمی‌بینم

بر خاطر مسکینم، پایان پریشانی

غلامرضا محمدی

۱۶. این دیده نیست قابل دیدار روی تو

چشمی دگر بده که تماشا کنم تو را

سیدرضا مؤید

۱۷. از پس پرده برون آ، تو ای شیر خدا

عصر ما چشم بر آن حضرت حیدر دارد

احمدرضا کیماسی

۱۸. ای راهیان! اگر از دیار ما عبور می‌کنید

پرسش کنید از او که ای بهار؟ کی ظهور می‌کنی؟

محمد رضا ترکی

ب

۱. با آن که روی ماه تو از دیده شد نهان

عشاق را همیشه بود، دیده سوی تو

حسین شاهد

۲. به جاده‌های کسالت، به جاده‌های تهی

خبر دهید که آن تک‌سوار در راه است

محمود سنجری

۳. به یاد لاله روی تو، اشک گرم می‌بارم

کشم از سینه، از هجر تو آه سرد، مهدی جان

سید محمد خسرو نژاد

۴. با آمدنت قرار می‌آید باز

سرسبزی این دیار می‌آید باز

میرهاشم میری

۵. بر مردم محروم و ستم‌دیده و رنجور

ای آن که تویی مونس و غم‌خوار کجایی؟

محسن حافظی

۶. به کسی جمال خود را ننموده‌ای و بینم

همه جا به هر زبانی بود از تو گفت و گویی

رضوانی شیرازی



پ

۱. پادشاهى كز ظهورش، دو گيتى را تمام
پرز عدل و داد و احسان مى كند، خواهد رسيد

غلامحسين مداح

۲. پير شد در انتظار تو دلم، چرا نيامدى
غم، چوكوه، قد كشيده در مقابلم نيامدى

سيمين دخت وحيدي

۳. پس كى طلوع مى كنى، آغاز ناتمام
كى، از كدام دشت، كدام آسمان، كدام؟

مهدى فرجى

۴. پنجره بى قرار تو، كوچه در انتظار تو
تا كه كند نثار تو، لاله دسته دسته را

سيد حسن محمود

۵. پادشاه، دادخواها، دين پناها، العجل
تا بدارى جان مؤمن شاد، مشرك را اليم

ملاعباس شوشترى

ت

۱. تا کی به تمنای وصال تو یگانه
اشکم شود از هر مژه چون سیل روانه

شیخ بهایی

۲. تو را ای منجی دل‌های عالم
تمام کهکشانشان‌ها می‌شناسند

عبدالرحیم سعیدی

۳. تو باز می‌گردی، اگر امروز نه، فردا
از آتشی که در دلم برپاست می‌دانم

سپیده شمس

۴. تو زیباترین‌های احساس را می‌شناسی
تو این باغ را باغبانی، تو را دوست دارم

سیمین دخت وحیدی

۵. تقدیم می‌کنم سرو جان را ز فرط شوق
گر بشنوم صدای تو، یا صاحب‌الزمان

علی اصغر یونسیان

۶. تا کی غروب جمعه ببینم که مادرم
یک گوشه بغض کرده، که این جمعه هم گذشت

ابراهیم سنایی

۷. تو می‌آیی و عالم، سبز سبز سبز می‌گردد
شکوفای می‌نمایی مکتب سبز رهایی را

سید رضا محمدی



۸. تو را پرندہ و باران، ہمیشہ چشم بہ راہند

بگو بہ ما، تو کجایی خدا کند کہ بیایی

ہمایون علی دوستی

۹. تا تویی غایب از انظار، ز چشم و دل زار

اشک پی در پی و ہم آہ دمادم داریم

بہمن صالحی

۱۰. تمام طول ہفتہ را، در انتظار جمعہام

فقط حضور سبزاو، ہمیشہ جمعہ ہا کم است

بہزاد پودات

۱۱. تو خواهی آمد آخر، ظہریک آدینہ، می دانم

و از باران اشکم می شود سطح خیابان تر

محسن وطنی

۱۲. تمام طول ہفتہ را، در انتظار جمعہام

دوبارہ، صبح، ظہر، نہ غروب شد و نیامدی

مہدی جہاندار

۱۳. تویی بہانہ آن ابرہا کہ می گیرند

بیا کہ صاف شود این ہوای بارانی

قیصر امین پور

۱۴. تا بیایی منم ای دوست تو را چشم بہ راہ

بہ امید گل رویت ہمہ جا، چشم بہ راہ

جواد جہان آرای



ج

۱. جمعه‌هایی تو، همه ساکت و مبهم طی شد

روزهایم همه ماتم زده، با غم طی شد

مهد فرجی

۲. جهان شد تیره، چون شب‌های تاریک

خدایا در رسان خورشید تابان

حاج میرزا محمد ارباب

۳. جام صبرم شده لبریز دگر، مهدی جان

همه شب ناله کنم تا به سحر مهدی جان

محمد شایق قمی

۴. جان‌ها به لب آمد ز فراق رخ ماهت

هستیم همه طالب دیدار کجایی؟

محسن حافظی

۵. جهان در تارنگِ شوم شب، گردیده آویزان

بیا از پرده غیبت برون، ای ماه شعبانی

ناصر عارفی

چ

۱. چہرہ بگشای زرخسار کہ دیدن دارد

سخن از لعل تو ای دوست شنیدن دارد

غلامرضا قدسی

۲. چون تویی در همه جا حامی ما، یاور ما

در پناه تو بود ملت ما، کشور ما

غلامرضا قدسی

۳. چشم در راه تو ای مونس جان

خیل دل خسته دنیا است بیا

زہرہ نازنجی

۴. چقدر مانده بگو تا ظہور لبخندت

بہ التماس نگاهم، بہ عشق زہرایسی

ہدایتا... برزویی

۵. چراغ ہدایت، فروغ ولایت

ز رہ مہدی منتظر خواهد آمد

عباس کی منش



ح

۱. حسرتم گشت که روی تو ببینم، هیهات!

چشم آلوده کجا، آن گل رخسار کجاست؟

محمد رضا یاسری

۲. حاجت به توست ما را ای حجت الهی

آری به سوی سلطان، حاجت بود گدا را

فتح الله قدسی

۳. حسن عسکری دارد، پسری چون مهدی

که دهد سامان این گیتی بی سامان را

علی اکبر پیروی

۴. حسرت نصیب مانده دلم بی قرار تو

کی می شود قرار بگیرم کنار تو

محمود شریفی

۵. حق به دست توست، عاشق تو نیستیم

حق به دست توست، لایق تو نیستیم

طاهره رستمی



خ

۱. خوب من، بیا و با حضور خود

شهر را دوباره غرق نور کن

عبدالرحیم سعیدی راد

۲. خطی بزن به دفتر شب‌های انتظار

ای آخرین ستاره روشن، ظهور کن

مجتبی تونه‌ای

۳. خوش است گرمسافری، رسد سلامت از سفر

چه شد که قصد بازگشت از این سفر نمی‌کنی؟

حبیب چایچیان

۴. خورشید چهره‌ات چون نهان شد ز چشم خلق

شد روزشان سیاه از این غم چو موی تو

حسین شاهد

۵. خرم آن روز که در سایه عدل تو شود

پرچم صلح، برافراشته در هر اقلیم

قاسم رسا

۳. خانه دل بود از هجر تو ویران تا چند

در پس پرده غیبت شده پنهان تا چند

غلامرضا قدسی



د

۱. دیگر سر گرسنه نخواهد یکی یتیم
بعد از گذشت آن همه شب‌های انتظار

سعید شمس

۲. داور و دادگر و دادرس، امروز تویی
مصلح کل تویی و بر همه پیروز تویی

سیمین حصارگر

۳. دوستان را به جزا، آن‌که دهد عزت کو؟
دشمنان را به سزا، آن‌که کند خوار کجاست؟

محمد رضا یاسری

۴. دوباره جمعه شد ای آرمان هستی بخش
و بیت آخر شعرم تو را بهانه گرفت

زهرا یعقوبی

۵. دامن، پراز ستاره کنم شب ز اشک چشم
چون بنگرم به ماه و کنم یاد روی تو

حسین شاهد

۶. دل پر درد را درمان تو سازی
شفای جان بیمارم تو باشی

عراقی همدانی



۷. دیدہ ما بہ جمالِ ولیات روشن کن

آرزوی گلِ نرگس، بہ دل ما مگذار

علی اکبر پیروی

۸. دیگر ای مصلح کل، منجی غمخوار بشر

وقت آن است کہ از داد، جہان زندہ کنی

محمد حسین بہجتی

۹. در راہ تو، ای فروغ امید

دنیاست در انتظار، برگرد

عباس براتی پور

۱۰. در گلیستان چشم، زچہ رو ہمیشہ باز است؟

بہ امید آن کہ شاید، تو بہ چشم من در آیی

محمد علی صفری

۱۱. دستِ دعا و اشک و نیاز و ظہور تو

کی مستجاب می شود این انتظار من؟

فخرالدین عراقی

۱۲. دوری رویت بسی بر شیعیان گردید سخت

فیض دیدار تو را ہستیم از حق خواستار

مجتبی تونہ ای



ذ

۱. ذرہای شک ندارم ای مولا
کہ می آیی بہ دادخواہی ما

جواد طلوعی

۲. ذوالفقار علی ست بر کفِ او
وقتی از راه می رسد مہدی

فردوس رفیعی

۳. ذات پاک کبریائی را، ولئی
گوهر بحرِ نبوت را، وصی

محمد شایق قمی

۴. ذرہای نیست در دلم تردید، آیی ای تک سوار عشق و امید
جمعی سبزی رسی از راه، تا شکوفا کنی گلِ توحید

زہرا صفری



۱. روی تو را ندیده، خریدار بوده‌اند
تا آن زمان که پرده برافتد، چه‌ها کنند

محمدعلی مجاهدی

۲. روز و شب، نام تو برب دارم و عشقت به سر
تا شود روشن به رخسار تو چشمانم، بیا

سید مصطفی ارشادنیا

۳. روزی که می‌رسد کسی از جنس نور سبز
دنیا بهار می‌شود از این حضور سبز

لیلا ابراهیمی

۴. روی بنما که خورشید جهان آرا هست
بهر دیدار تو ای مَه، به خدا چشم به راه

جواد جهان آرابی

۵. روز ما تیره‌تر از شب بُود از دوری تو
زده آتش به دل ما غم مستوری تو

غلامرضا قدسی

۶. روی زیبای تو ای دوست ندیدم آخر
گلی از گلشن وصل تو نچیدم آخر

غلامرضا قدسی



۷. رخت برمی بندد از این آینه، تاریکی‌ها

روشنی می‌شود آغاز، اگر برگردی

مرتضی کردی

۸. روز آدینه از آن، یافته‌ای حرمت و قدر

که مه مگه در آن، پرده گشاید به حرم

ملاعلی طادی

۹. روزگار زمان آن حضرت

بهترین روزگار می‌بینم

میرزا جواد اصفهانی

ز

۱. زان هفته‌ای که داشت دلم انتظار تو

ای ماه من می‌پرس که سالی به من گذشت

هادی رنجی

۲. زَمَن هر دم برآید ناله و آه

چو یاد آید زُخْت هر دم، کجایی؟

عراقی همدانی

۴. ز عدل و داد پرکند، تمام صفحه زمین

برافکند ز تیغ خود، بُن تمام خاها

سید محمد حسین صادقی

۵. زادیم با ولای تو، مردیم با غمت

میراث آرزو به جوانان گذاشتیم

حمید سبزواری

س

۱. سوی ما کن نظری از پی دلداری ما

نکند غیر تو از مهر و وفا یاری ما

سیمین حصارگر

۲. سوگند، دوباره باز می آیی

از یک سفر دراز می آیی

مرتضی حمیدی

۳. سر می نهم به پای تو، یا صاحب الزمان

جان می گنم فدای تو یا صاحب الزمان

علی اصغر یونسیان

۴. سروری، شاهی، امیری، حجتی، جان جهانی

پای بوسم، بنده ام، خدمت گزارم، خاکسارم

علی اصغر یونسیان

۵. سفیر کوچه موعود، انتظارم گشت

بیا که روز فراق تو چون شب است، بیا

غلامرضا شکوهی

ش

۱. شاید همین امروز و فردا، زودتر شاید

من مطمئن هستم که او یک روز می آید

زهرا سادات آقامیری

۲. شکر خدا که با همه بی لیاقتی

دل های ماست جای تو، یا صاحب الزمان

علی اصغر یونسیان

۳. شنیده ام که قرار است جمعه برگردی

کدام جمعه، نمی شد اشاره می کردی

معصومه قلی پور

۴. شها، تا چهره ننمایی، جهان خرم نمی گردد

اساس فتنه و غوغا، کم از عالم نمی گردد

مرتضی موحدی

۵. شکیبایی برایم آرزو کن، ای همه خوبی

که بی تابانه می گیریم، ظهور دل نشینت را

زهرا محدثی



ص

۱. صد مرحبا بر آن که گرفته است توشه‌ای

از روی دلربای تو یا صاحب‌الزمان

علی اصغر یونسیان

۲. صبا به کوی حبیبم اگر گذر کردی

بگو مریض غمت را بیا و درمان کن

علی اصغر یونسیان

۳. صاحب‌الامری و منجی بشر، مصلح کل

چهره‌بگشای که اوضاع جهان گشت وخیم

قاسم رسا

۴. صدای بال ملائک، ز دور می‌آید

مسافری مگر از شهر دور می‌آید

ناصر فیض

ط

۱. طلب نما، ز خالق جهان ظهور خویش را
به سررسان به شیعیان، زمان انتظارها

سید محمدحسین صادقی

۲. طلوع عصر طلایی، مسافر تو کجایی؟
زمان آن نرسیده، کدام جمعه می‌آیی؟

عباس محمدی

۳. طلوع کن که ز چشمت، گل ستاره بچینم
تو ای پگاه رهایی، خدا کند که بیایی

همایون علیدوستی

۵. طاووس اهل جنت، مهدی ست، جان فدایش
چونان مَهی ست رخشان، رخسارِ دلربایش

محمدشایق قمی



ظ

۱. ظهورت می‌کند زیبا، زمین و آسمان‌ها را

بیا از پرده غیبت برون، ای ماه خوش سیما

فضل الله خلیلیان

۲. ظلمت گرفته عالم، یأس است و نامرادی

کو پیک صبح امید، کی سرزند سپیده

مهدی ابتهاج

۳. ظلم و جور دشمنان دین، ز حد بگذشته اما

ظلم‌ها را تا کند با عدل جبران، خواهد آمد

قاسم سرویها

۴. ظلمات است دلم، بی توبه تنگ آمده‌ام

به ظهورت دل غم‌دیده من، روشن کن

رضارازی

۵. ظهور حضرتش، مجموعه لطف است و احسان است

که مظلومین و مطرودین، سری گیرند و سامانی

مسعود میرزا خراسانی



ع

۱. عاقبت، مہدی زمام این جهان در دست گیرد

تاج و تختِ قدرت از شاہنشاہان پست گیرد

محمدشایق قمی

۲. عمرم تمام گشت زہجران روی تو

ترسم شہابہ خاک برم آرزوی تو

حسینی شاہد

۳. عاقبت او ظہور خواہد کرد

خاک را غرق نور خواہد کرد

فاطمہ سالاروند

۴. عمری بہ آرزوی تو آخر شد و ہنوز

در آرزوی روی تو ہستم، نیامدی

سید محمد خسرونزاد



غ

۱. غایبی از نظر و در دلِ من جا داری

در دلم جای گرفتی و تماشا داری

محمدعلی صفری

۲. غم فراق و دوریات، گرفته سینه مرا

اگر کہ عقدہ دلم تو واکنی، چه می شود؟

علی قاضی زاهدی

۳. غایتِ چشمِ انتظاری‌ها، تویی

لحظه تحویل سالِ ما، تویی

حمید یارمحمدی

۴. غم مخور، فصلِ خزان طی می شود آخر به دوان

عطر نرگس، مزده سبز بهاران خواهد آمد

رنجبر گل محمدی

۵. غیبت از او نبود، غیبت ما هست از او

او نه مستور بود، دیده ما بی نور است

محمدجواد خراسانی



ف

۱. فانوس نگاهم را آویخته‌ام بر در

من منتظرم؛ زیرا، گفتند تو می‌آیی

هادی میرزائزاد

۲. فخر بر دنیا و عقبی، افتخاری کاذب است

من به مه‌ت، فخر در دنیا و عقبی می‌کنم

علی اصغر یونسیان

۳. فریاد و آه و ناله، کجایی طیب عشق

بهر شفای اهل زمین، اهتمام کن

حمید یارمحمدی

۴. فخر جهان، امام زمان، هادی بشر

فرقان حق، ولی خدا، کعبه امان

عبدالرحیم نبهی

ق

۱. قلب عشاق رهاند همه از رنج فراق

مهدی مه رخ والا گهر، ان شاءالله

محمدشایق قمی

۲. قائم آل محمد، گل گلزار رسول

حجت بن الحسن، آن مظهر ایمان آمد

احمد قاضی زاهدی

۳. قسط بنیاد گن و ریشه طغیان برگن

عدل پیش آرو بر افکن ز جهان، رسم ستم

ملاعلی طاری

۴. قَسَم به عشق که مُلک وجود مردانی

امیدشان همه بر عدل منتظر، بسته است

محمدعلی مردانی

ک

۱. کی باز می‌گردی، برایم بودن با تو

زیباترین آرامش دنیاست می‌دانم

سپیده شمس

۲. کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

فروغی بسطامی

۳. کوته شود دگر همه دستان ظالمان

با دست عدل پرور آقای انتظار

سعید شمس

۴. کی می‌شود به دیده ما جلوه‌گر شود

رخسار حق‌نمای تو، یا صاحب‌الزمان

علی اصغر یونسیان

۵. کجایی ای ستونِ آسمان‌ها، تکیه‌گاه تو

زمین و عرش و فرش و کهکشان‌ها خاک راه تو

یدالله گودرزی

گ

۱. گل می‌کند هر شاخه دل با حضورت

دل‌ها به عشقت جمله سرشارند، برگرد

عباس رسولی

۲. گره خورده‌ست با جانم، سکوت تلخ تنهایی

کجایی ای بهار آئین که از دل عقده بگشایی؟

ناصر رحمانی

۳. گلشن شود از مقدم تو صحنه گیتی

ای گلشن دین را گل بی خار کجایی؟

محسن حافظی

۴. گردد ز مقدم تو جهان پر ز عدل و داد

ای خاتم امامت و معنای انتظار

سعید شمس

۵. گرچه نهانی ز چشم، دل نبود نا امید

می‌رسد آخربه هم، چشم من و پای تو

احمد ناظرزاده

ل

۱. لاله شده غرق تب انتظار
تاتوگشایی در باغ بهار
۲. لحظه به لحظه می شمارم روزهایم را
یک هفته دیگر می رسی یا دیر خواهی کرد؟
۳. لحظاتی که دل از یاد تو غافل بوده
رفته این عمرگران مایه هدر، یا مهدی

م

۱. می شود پنجره‌ها باز، اگر برگردی

و زمین غرقه آواز؛ اگر برگردی

مرتضی کردی

۲. مهدی آمد تا جهان روشن کند

پایه‌های ظلم و کین درهم کند

سارا نظری

۳. مهدی آمد نوگل باغ رسول

مهدی آمد، میوه باغ بتول

سارا نظری

۴. مرد کم نیست، ولی شیعه مولایی کم

زن بسی هست، ولی شیعه زهرایی کم

خلیل همدانی

۵. ما همه منتظر مقدم فرخنده تو

تا ببینیم مگر چهره فروزنده تو

سیمین حصارگر

۶. ماندم در انتظارت، ای کوکب هدایت

بنما جمال خود را، ای آیت خدایی

اسماعیل نیک سرشت



۷. مشکلی نیست محبان تو را جز غم تو

عمر بگذشت و نشد حل به جهان مشکل ما

محمد رضا حکیمی

۸. مهدی است آن که نهضت قرآن به پاکند

مهدی است آن که نیک و بد از هم جدا کند

حبیب چایچیان

۹. مهدی است که پرچم اسلام راستین

بر قلعه‌های محکم دشمن به پاکند

حبیب چایچیان

۱۰. ما خانه دل، جای تمنای تو کردیم

ای دوست بیبا، خانه مہیای تو کردیم

سعید بهیارنیا

۱۱. ما را عنان صبر، ز کف برگرفته شد

الغوث، یابن العسکری، ای حجت خدا

سید حسین نوری زاده

۱۲. منتظران را به لب آمد نفس

ای ز تو فریاد، به فریاد رس

حکیم نظامی گنجه‌ای

۱۳. منتظر باش و ظهورش ز خداوند بخواه

کاید آن راهبر منتظر، ان شاء الله

محمد علی صفری



۱۴. من خواب دیدم سبزپوشی از حریم نور

بایک سبد گل های سرخ و تازہ می آید

منیڑہ درتومیان

۱۵. مولا شمار دردِ دلم بی نہایت است

تعداد دردِ من بہ خدا از رقم گذشت

سید حمیدرضا برقی

۱۶. مہدیا از پُردہ غیبت درآ

تا سر آید انتظار غنچہ ہا

مجتبیٰ رئیسی

۱۷. مہدی آخر زمان، آید بہ دوران، غم مخور

کلبہ احزان شود روزی گلستان، غم مخور

سید محسن فیض کاشانی

۱۸. مہدی است آن کہ دولتِ عدلِ جہانی اش

حق عظیمِ عترت و قرآن ادا کند

حبیب چایچیان

۱۹. می بینمش در ہالہای از نور می آید

می آید، آری؛ چشم شیطان کور، می آید

مسلم محبی

۲۰. می نشینم، بادلِ خود می شمارم جمعہ ہا را

جمعہ ہا را نہ، تمام روزہا را تا بیایی

مریم جان محمدی



ن

۱. نغمہ روح فزایت نشنیدم آخر

چون ہلال از غمت ای ماہ خمیدم آخر

غلامرضا قدسی

۲. نام تو دواى درد یاران باشد

تسکین قلوب بی قراران باشد

عبدالرحیم رحمانیان

۳. نیّم بی تو دمی بی غم کجایی؟

ندارم بی تو دل خرم کجایی؟

عراقی ہمدانی

۴. نمی دهم به دو عالم دل خرابه خویش

کہ گنج مهر تو دارم در این خراب آباد

پرویز عباسی

۵. نیایی نزد این رنجور یک دم

نپرسی حال این دَرم، کجایی؟

عراقی ہمدانی

۶. نہ، این بہار نیست وقتی تو نیستی

این برگ و بار نیست، وقتی تو نیستی

حمیدرضا شکارسری

۷. نبودی، مثل مردابی درونِ خویش پوسیدم

ولی وقتی بیایی، با تو دریا می شوم، دریا

رضا جعفری



9

۱. وقتی بیایی ذره‌ای دلوپسی نیست

ناجی تویی این‌کار، کار هرکسی نیست

محمدعلی جوشانی

۲. وعده دادند که فریادرسی می‌آید

در پس این شب تاریک کسی می‌آید

اسماعیل اسفندیاری

۳. ورد لب خود ساختم نام تو را

چشمم کشد انتظار یک گام تو را

علی خالقی

۴. وقتی بسان خورشید از گوشه‌ای برآیی

روشن شود جهانی، وقتی که تو بیایی

اسماعیل نیک سرشت

۵. و در سپیده یک جمعه سراسر شوق

به اذن حضرت پروردگار می‌آیی

سید محمدبابا میری

۶. وقت است که بر یاران، رخسار عیان داری

کز دیدن روی تو در دل فرح انگیزم

علی قاضی زاهدی





۱. همه هست آرزویم که ببینم از تو رویی

چه زیان تو را که من هم، برسم به آرزویی

رضوانی شیرازی

۲. همیشه این دل تنها، هوای روی تو دارد

بس است فصل جدایی، خدا کند که بیایی

همایون علی دوستی

۳. همدمی نیست در این دهر غریب

یاد تو و همدم دل هاست، بیا

زهره نارنجی

۴. همه دلشادگان دره تو منتظرند

به گلستان جهان ای گل بی خار بیا

صبا فیروزکوهی

۵. همه شب چشم به راهم که زره بازایی

تا بگویم سخن عشق تو بسیار، بیا

صبا فیروزکوهی



ی

۱. یک شب منور می شود از نام مهدی خانه ام

پر می شود از عطر او، سرتاسر کاشانه ام

سعید شمس

۲. یارب آن مونس جان، محرم اسرار کجاست؟

و آن طبیب دل بی طاقت بیمار کجاست؟

محمد رضا یاسری

۳. یک جهانند گرفتار فراقش یا رب

آن رهاننده این جمع گرفتار کجاست؟

محمد رضا یاسری

۴. یک غزل بس نیست هجران تو را

کاش صدها شعر و دیوان داشتم

سلمان هراتی

۵. یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

حافظ

۶. یا ابن الحسن چو می گذرد عمر باشتاب

زان رو بود به راه وصال شتاب من

سید رضا موید

۷. یک روز سرد جمعه دیگر، بدون تو

ای کاش، این دقایق بی تو بایستد

مریم سقلاطونی

۸. یوسف آل محمد، زسفر بازبیا

تا کند شیعه تو، جان به رخت قربانی

غلام شیردل

۹. یا رب نصیب دیده ما کن جمالِ او

عمری که بی زُخْش گذرد، نیست در شمار

نصرت گروسیان

۱۰. یا رب سببی ساز که آن ختم امامت

باز آید و برهاندم از غم به سلامت

ملاحسن فیض کاشانی

۱۱. یابیا، یا چهره ات را ده نشان

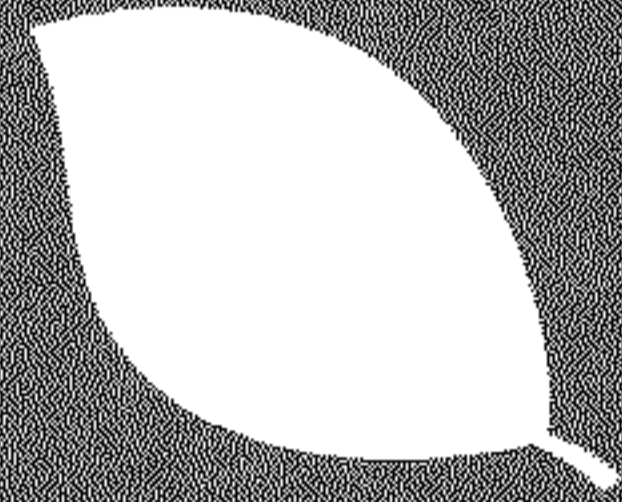
تا به وجد آید هزاران کهکشانی

سید احمد زرهانی

۱۲. یا الهی، مہدی ام از غیبت آر

تا جهان عدل گردد آشکار

عطار نیشابوری



بخش دوم

مسابقه سریع خوانی اشعار

مهدوی



در این مسابقه، مربی برگه اشعار مربوط به این بخش را در اختیار هر کدام از شرکت‌کنندگان قرار می‌دهد (با تهیه کتاب برای هر شرکت‌کننده و یا کپی از اشعار این بخش) و از آنان می‌خواهد که به ترتیب هر کدام از آنان یک بیت شعر را سریع و بدون اشتباه بخوانند. در پایان هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند این کار (شعر خوانی سریع و بدون اشتباه) را به درستی انجام دهد، برنده مسابقه خواهد بود.

مثلاً اگر تعداد شرکت‌کنندگان ۵ نفر باشد؛ مربی با کپی از اشعار مربوط به این بخش (و یا تهیه ۵ نمونه از همین کتاب) از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که هر شرکت‌کننده‌ای به نوبت و سریع شروع به خواندن بیت مربوط به خود نماید. مثلاً نفر اول سریع بیت اول را می‌خواند که:

بر مشامم می‌رسد هر لحظه بوی انتظار

بر دلم ترسم بماند آرزوی وصل یار

و سپس نفر دوم بیت بعدی را سریع می‌خواند که:

تا ظهورت چقدر فاصله داریم آقا

آه، از جمعه بی تو گله داریم آقا

و بعد نفر سوم بیت بعدی را سریع می‌خواند و به همین ترتیب

نفرات بعدی...

نکته: این مسابقه در دو بخش تنظیم گردیده است:

۱. مسابقه سریع خوانی تک‌بیتی‌های مهدوی (که هر بیت مستقل از

بیت بعدی است).

۲. مسابقه سریع خوانی اشعار بلند مهدوی (که در این قسمت ابیات

به همدیگر مرتبط می باشند).

۱. مسابقه سرع خوانی تک بیت‌های مهدوی

۱. بر مشامم می‌رسد، هر لحظه بوی انتظار

بر دلم ترسم بماند آرزوی وصل یار^۱

۲. تا ظهورت چقدر فاصله داریم آقا

آه از جمعه بی تو گله داریم آقا^۲

۳. ای که با یک نظری صد گره بگشایی

گره‌ای سخت فتاده است به‌کارم چه‌کنم؟

۵. چون به بیداری نبودم لایق دیدار تو

کاش می‌دیدم به خوابی، آن‌مه رخسار تو

۶. در فراق او اگر روزم بسانِ شب بُود

خوش‌دل از این داغ هجرانم، چه غم باشد مرا

۷. مگیر خرده اگر منتسب شدیم به تو

چراکه دور و بر گل همیشه خار پر است^۳

.....
۱. مجید قاسمی.

۲. صابر خراسانی.

۳. محمد بیابانی.



۸. نظری جانب ما بهر خدا مهدی جان
ز ره لطف و عنایت بنما مهدی جان

۹. بیا که وصل تو، درمان دردهای من است
خوشم که صاحب این اعتبار گردیدم

۱۰. ما همه عبد اسیریم و تو مولای همه
کیست غیر از تو در این معرکه آقای همه

۱۱. ای ولی نعمت من، دست به دامن توأم
چون تو را صاحب این عصر و زمان می بینم

۱۲. هر چه گشتم، بهتر از تو دلبری پیدا نشد
دلربایی، سروری، تاج سری پیدا نشد

۱۳. سعیم این است، قدم در ره تو بگذارم
گر بود سعی من دل شده باطل، چه کنم؟

۱۴. شوق دیدار تو بیرون نرود از دل ما
ای فدای تو همه هستی ناقابل ما

۱۵. خواهم که خاک ره شوم زیر پای تو
تا ذره ذره ام همه گیرد، هوای تو



۱۶. قابض روح چو خواهد کہ بگیرد جانم
اگر آن یار نیاید بہ کنارم، چہ کنم؟

۱۷. شب ہجران روی تو سحر کی می شود مولا؟
زتوای یوسف زہرا، خبر کی می شود مولا؟

۱۸. جانا تفقدی ز منِ روسیہ کن
یک لحظہ ہم بہ روی سیاہم نگاہ کن

۱۹. خَلق را می بینم و اما نمی بینم تو را
وہ چہ سخت است این چنین بر عاشقانِ زارتو

۲۰. مہدی دین را ثنا خوانم، چہ غم باشد مرا
عاشقِ آن ماہ تابانم، چہ غم باشد مرا

۲۱. من با امید آمدہام رو بہ تو عزیز
گر تو جواب کنی رو بہ کجا کنم؟

۲۲. گل خوشبوی زہرا در کجایی؟
فدای تو شوم داد از جدایی

۲۳. چشم ہربی سروپا، لایق دیدار تو نیست
دل ہر صد دلہای نیز گرفتار تو نیست

.....
۱. علی اصغر یونسیان.



۲۴. ای گل نرگس، گلستان بی گل روی تو خار است
هیچ گل، در گلشن هستی ندارد رنگ و بویت

۲۵. زخم لاف عشقت را، بیامارا تو عاشق کن
نباشم لایق وصلت بیامارا تو لایق کن

۲۶. مگر ز عاشق دل خسته ات چه دیدی تو
که دل ز عاشق مهجور خود بریدی تو

۲۷. ز من اگر تو ندیدی وفا ببخش مرا
تو با من ای همه مهر و وفا، وفا بنما

۲۸. تا چند دهی وعده دیدار به فردا
شد تار، در اندیشه فردای تو چشمم

۲۹. طبیبها، درد هجران تو آخر می کشد ما را
دوای وصل درد ما مداوا می کند مهدی

۳۰. ارباب علم و معرفت محو کمال
وی مظهر توحید و ایمان و عدالت

۳۱. تمام گشته قرارم، خدا کند که بیایی
کسی به جز تو ندارم، خدا کند که بیایی

۳۲. تو مگر شافع من، روز قیامت باشی

ورنه با این همه سنگینی بارم چه کنم؟

۳۳. عشق تو، عشق تمام انبیاست

مهرتو، مهر تمام اولیاست

۳۴. اگرچه غرق گناهم، تو مهربانی کن

گلی به پای تو خارم، خدا کند که بیایی

۳۵. نمی دانم که مهدی در کجا هست

ولی هر جا که باشد، یار ما هست

۳۶. این ندای هر گرفتاری است در هر بامدادی

ای خدا امروز هم صبح آمد و مولا نیامد

۳۷. جز بذر عشقت، دانه‌ای در دل نکشتم

مهر تو و آل تو می باشد بهشتم

۳۸. حرام باد مرا، بی تو لحظه‌ای شادی

که بی تو، عید برایم کم از مُحَرَّم نیست

۳۹. شب آمد و روز آمد و ما یار ندیدیم

عمری به سر آمد، رخ دلدار ندیدیم



۴۰. به اشک دیده کوثر، بیا ای یوسف زهرا

به دست بسته حیدر، بیا ای یوسف زهرا

۴۱. ای جلوه خدایی، ای یار کبریایی

ای معنی رهایی، ای ماه مصطفایی

۴۲. ای یوسف زهرا، تو عزیز دل مایی

یعقوب صفت، از غم هجر تو خمیدم

۴۳. کاش این عمر شود یک لحظه؛ آن هم بگذرد

گر بخواهد صبر در هجر گل زهرا شود

۴۴. چرا از حال ما دیگر مپرسی

خدا دانند، ز هجرانت غمینم

۴۵. بَرَدَرْت آمدم و بوده‌ام و می‌مانم

من گدای در احسان و تو هستی شاهم

۴۶. من آبرو و عزت خود را ز تو دارم

ترسم که کند نفس گنهکار، فقیرم

۴۷. به جان عمه‌ات زینب به حق مادرت زهرا

فقیر رو سیاهی را مران از درگهت مولا



۴۸. همه عمر ادعا کردم، غلام کوی تو هستم

چه گردد ادعایم را کنی مولا تو امضایی

۴۹. انتظار تو به کشتن دهد آخر ما را

شب سحرگشت، بگو تا چه کنم فردا را؟

۵۰. تو نوازش کنی، آن را که نگاهش نکنند

تو دهی راه، کسی را که پناهش ندهند

۵۱. آخرای دوست نکن ترک مرا

بهر این جرم و خطایم منما طرد مرا

۵۲. هر که کارش به توفتاد، به دنیاش چه کار

این قفس لایق این مرغ گرفتار تو نیست

۵۳. تا که از دیده ما چهره نهان داشته‌ای

روز بی روی تو باشد، شب تار عشاق

۵۴. مرا اندر مناجات سحرگاهی

میان یک قنوت خود دعا کن

۵۵. تا کسی را به سرکوی تو راهش ندهند

گریه و سوز دل و ناله و آهش ندهند



۵۶. کاش یک روز بیایی که مطیعت باشم
ای خوش آن کس که ز امرت شنوایی دارد

۵۷. بنمای جلوه، زانکه جمال تو دیدنی است
با ما سخن بگو که کلامت شنیدنی است

۵۸. قامت رعناي معشوقم قیامت می کند
گر به پا خیزد به پیش چشم اشک آلود من

۵۹. مژده آمدنت، قیمت جان می ارزد
تاری از موی تو آقا به جهان می ارزد

۶۰. وعده وصل تو آنگونه به تأخیر افتاد
ترسم آخر که نهی پا به مزار عشاق

۶۱. تا کی سراغت را ز هر دل داده گیرم
ای دلبر و دلدار پاک و بی نظیرم

۶۲. ای شفا بخش دل افسرده و محزون من
وی به هر دردی تو درمانم؛ نمی آیی چرا؟

۶۳. ای خوش آن روز که اندر عرفاتت بینم
در کنار تو عزیزا به گله بنشینم

۶۴. خدایک دل به ماداده که آن هم هست جای تو



خدا یک دیده داده تا که باشد جای پای تو^۱

۶۵. عمری به انتظار نشستم، نیامدی
دل را به روی غیر تو بستم، نیامدی

۶۶. دل را برای آمدنت مهربان من
روزی هزار بار شکستم نیامدی

۶۷. جمکران! مُردیم از دلواپسی
جمکران بس نیست، رنج بیکسی

۶۸. عمری است، غروب جمعه‌ها مهدی جان
چشمانِ دلم، به یاد تو می‌بارند

۶۹. ای گل زهرا قدم در این دلِ ویرانه زن
یک سری هم بر من درمانده بیگانه زن

۷۰. بیا ردم نکن مهدی، بده راهم تو یک لحظه
تو دانی غیر این خانه ندارم جا و مأوایی

۷۱. قیامت می‌کند بریا، قیام او در این عالم
چوپرده از جمال ماه خود و می‌کند مهدی

.....
۱. علی اصغر یونسیان.

۷۲. با همه بارگناهم، آقا جون دوستت دارم

با همین روی سیاهم، آقا جون دوستت دارم

۷۳. ای مظهر آدینهام، من عاشق دیرینهام

عشقت شفای سینهام، مهدی بیا، مهدی بیا

۷۴. وصفت شنیدن تابه‌کی، هجران کشیدن تابه‌کی

رویت ندیدن تابه‌کی، یابن الحسن یابن الحسن

۷۵. زبسکه جمعه شمردم به انتظار تو ای ماه

برون شده ز شمارم، خدا کند که بیایی

۷۶. فدای اشک چشمانت، فدای سجده‌های تو

بمیرم از برای تو، ز بس آقا تو تنهایی

۷۷. جمکران! تو یار ما را دیده‌ای

گردد راه مرکبش بوسیده‌ای

۷۸. نه تنها یوسف زهرا، جهان باشد خریدارت

من ناقابل از جان هم خریدارتومی باشم

۷۹. تویی یوسف، منم یعقوب راهت

به هر جا می‌رسم گیرم سراغت



۸۰. اگر درمان درد خویش می خواهی، بیا اینجا

دوا اینجا، شفا اینجا، طبیب دردها اینجا

۸۱. مَحْرَمِ سِرِّتِ تو شد آن که فقط دل به تو بست

زانکه هر صد دلهای مَحْرَمِ اسرار تو نیست

۸۲. چو با اذن خدا گیرد نقاب از چهره ماهش

ز ظلم و جور، عالم را مبرا می کند مهدی

۸۳. دل های ما به یاد امام زمان خوش است

در آرزوی دیدن آن مهربان خوش است^۱

۸۴. شدم بیمار عصیان و شدم دور از ره طاعت

نما بردرد بی درمان این بنده مداوایی

۸۵. آمده ام، روی مگردان ز من

چشم من و لطف تو یا ابن الحسن

۸۶. دست من و دامان تو، جان جهان قربان تو

چشم من و احسان تو، مهدی بیا، مهدی بیا

۸۷. بیا یا ابن الحسن دورت بگردم

بیا تا دست خالی بزنم بگردم

.....
۱. علی اصغر یونسیان.

۸۸. دیده‌ها دریا شد و کشتی دل‌ها در تلاطم
غرق گردیدیم و کشتیبان این دریا نیامد

۸۹. من که یک دل داشتم، آن هم به تو تقدیم کردم
تابه وصلت نائل آیم معتکف گشتم به کویت

۹۰. دمی که بی تو برآید، خدا کند که نباشد
الا که هستی مایی، خدا کند که بیایی

۹۱. ای امید بی‌کسان، ای یار مظلومان بیا
ای نجات هستی، ای گم‌گشته انسان بیا

۹۲. همیشه از تو تقاضایم این بود جاننا
که لحظه‌ای نشوم از شما جدا مهدی

۹۳. ز بس که پرده عصیان گرفته چشمم را
تو در کنار منی، من تو را نمی‌بینم

۹۴. الا که راز خدایی، خدا کند که بیایی
تو نور غیب نمایی، خدا کند که بیایی

۹۵. عاشقان گویند با هم، شمع جمع عاشقان کو
دوستان پرسند از هم، مهدی آمد یا نیامد



۹۶. اگر به دیده ظاهر تو را نمی بینم
ولی تو را ز دل و جان جدا نمی بینم

۹۷. ای وجودت برتن بی جان عالم، جان بیا
ای ظہورت دردها را خوش ترین درمان بیا

۹۸. ای توتیای دیده من خاک پای تو
بازاً کہ سر نہم ز ارادت به پای تو^۱

۹۹. دنیا با حضور تو، دنیای دیگری است
روز طلوع سبز تو، فردای دیگری است^۲

۱۰۰. اگر قرار بُود بی حضور یار بمیرم
خدا کند کہ همین دم در این قرار بمیرم^۳

.....
۱. سید علی شجاعی.
۲. سید محمد جواد شرافت.
۳. سید رضا مؤید.

۲. مسابقه سریع خوانی اشعار بلند مهدوی

این مسابقه نیز همچون قسمت قبلی به صورت سریع خوانی هر بیت توسط شرکت‌کنندگان انجام می‌گیرد؛ با این تفاوت که در قسمت قبلی ۱۰۰ تک بیتی آورده شده بود، ولی در این قسمت از اشعار بلند استفاده شده است؛ مثل شعر «مهدی کیست» از آقای حبیب چایچیان که در ۱۷ بیت پشت سر هم و به صورت کامل آمده است و شرکت‌کنندگان باید هر کدام سریع یک بیت آن را بخوانند و هر شرکت‌کننده‌ای که بیت مربوط به خود را سریع و بدون اشتباه بخواند برنده این قسمت از مسابقه خواهد بود و هر شرکت‌کننده‌ای که بیت مربوط به خود را نتواند سریع بخواند و یا حتی با یک اشتباه بخواند، نمره منفی می‌گیرد. البته می‌توان برای سخت‌تر نمودن مسابقه آن را به صورت تندخوانی مصراع‌ی نیز انجام داد؛ یعنی هر شرکت‌کننده، یک مصراع آن را بخواند و سپس نفر بعدی مصراع بعدی را بخواند و همین‌طور تا آخرین روش را ادامه دهند.

«مهدی کیست»

مهدی است آن که نهضت قرآن به پا کند
مهدی است آن که نیک و بد از هم جدا کند
مهدی است آن که با کلمات محمدی
گفتار پوچ ما، همه پر محتوا کند
مهدی است آن که حُسن دل آرای احمدی
از چهره مبارک خود رو نما کند
مهدی است آن که پرچم اسلام راستین
بر قلعه‌های محکم دشمن به پا کند
مهدی است آن که کاخ عظیم ستمگران
با یک نهیب خویش، دچار فنا کند
مهدی است آن که چشمه فیاض علم را
بر تشنگان دانش و عرفان عطا کند
مهدی است آن که مقدم بهجت فزای او
دل را زرنج و محنت و حسرت رها کند
مهدی است آن که کینه و جنگ و جدال را
تبدیل بر محبت و صلح و صفا کند
مهدی است آن که از نظری بر جمال او
هر دردمند غمزده کسب شفا کند
مهدی است آن که مژده فجر طلوع خویش
از پایگاه کعبه به گوش، آشنا کند

مہدی است آن کہ نخبہ اصحاب خویش را
یک یک برای نہضت قرآن ندا کند
مہدی است آن کہ دولت عدل جہانیش
حق عظیم عترت و قرآن ادا کند
مہدی است آن کہ وقت نماز جماعتش
عیسی بہ صد نیاز بہ او اقتدا کند
مہدی است آن کہ تابش خورشید طلعتش
قبر نہان فاطمہ را برملا کند
مہدی است آن کہ تازہ کند داغ عاشقان
ز آن گریہ ہا کہ بر حسن مجتبیٰ کند
مہدی است آن کہ از حرم پاک فاطمہ
قصد زیارت نجف و کربلا کند
مہدی است آن کہ از غم جانسوز کربلا
فریاد یا حسین، بہ رسم عزا کند
(حسان)

«طالع مسعود»

از آنجایی که این شعر به صورت جملات کوتاه - کوتاه می باشد، لذا می توان در هنگام اجرای مسابقه، هر جمله ای را یکی از شرکت کنندگان به سرعت بخواند و نفر بعدی، جمله کوتاه بعدی را بخواند؛ مثلاً در این شعر آمده است:

ای جمال کبریایی

تا به کی گویم کجایی

الامان از این جدایی

کی شود جانا بیایی

که در این مسابقه نفر اول می گوید: ای جمال کبریایی

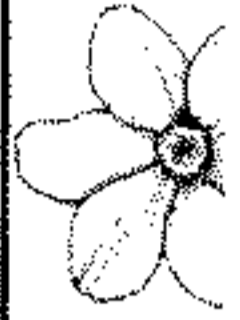
نفر دوم می گوید: تا به کی گویم کجایی

نفر سوم می گوید: الامان از این جدایی

و همین طور تا پایان شعر، به صورت چرخشی در بین اعضای شرکت کننده این اشعار خوانده می شود و هرکسی که بدون اشتباه و با سرعت بتواند جمله مربوط به خودش را بخواند، برنده مسابقه خواهد بود.

«طالع مسعود»

ای جمال کبریایی
تا به کی گویم کجایی
الامان از این جدایی
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
طلعت ایزد نمایی
یوسف مصر بقایی
فیض بخش ماسوایی
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
روح قرآن مبینی
رحمة للعالمینی
شافع للمذنبینی
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
شمع جمع عاشقانی
نقل بزم عارفانی
نور چشم شیعانی
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
محرم اسرار و رازی
باطن و روح نیازی
قبلہ راز و نیازی



کی شود جانا بیایی۔ عقدہ دل را گشایی

منجی خلق جهانی

مُصلح کون و مکانی

خُصم جانِ دشمنانی

کی شود جانا بیایی۔ عقدہ دل را گشایی

کام دل ها بر نیامد

عهد هجران سر نیامد

پیک وصل از در نیامد

کی شود جانا بیایی۔ عقدہ دل را گشایی

ای گل گلزار سَرمد

مهدی آل محمد

عمر ما آخر سر آمد

کی شود جانا بیایی۔ عقدہ دل را گشایی

زندگی ننگ است بی تو

این جهان تنگ است بی تو

صلح هم جنگ است بی تو

کی شود جانا بیایی۔ عقدہ دل را گشایی

در نقاب غیب تا کی

قلب ها پر ریب تا کی

عیب روی عیب تا کی

کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
طالع مسعود مایی
شاهد و مقصود مایی
مہدی موعود مایی
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
می زخم از دل صدایت
سرنہم بر خاک پایت
ای وجود من فدایت
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
خستہ ای آشفته حالم
فارغم کن از ملالم
آرزومند وصالم
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
گریبایی در کنارم
سربہ پایت می گذارم
جان بہ راہت می سپارم
کی شود جانا بیایی - عقدہ دل را گشایی
در رہت استادہ ام من
سربہ کف، بنہادہ ام من
امر کن آمادہ ام من

کی شود جانا بیایی - عقده دل را گشایی

کرده هجرانت ملولم

گرچه از رویت خجولم

لطف کن بنما قبولم

کی شود جانا بیایی - عقده دل را گشایی

در سرم شور هدایت

در دلم شوق لقایت

خنجرم نای نوایت

کی شود جانا بیایی - عقده دل را گشایی

(علی اصغر یونسیان)

«خدا کند کہ بیایی»

الا کہ نور خدایی، خدا کند کہ بیایی
امام قائم مایی، خدا کند کہ بیایی
ز پشت پردہ غیبت، سفر بہ جانب ماکن
محبّ اہل ولایی، خدا کند کہ بیایی
کلاف عالم و آدم، گرہ گرہ شدہ برہم
تویی کہ عقدہ گشایی، خدا کند کہ بیایی
گل ریاض شریعت، امام حق و حقیقت
نہال آل عبایی، خدا کند کہ بیایی
خطا و شرک، جہان را فراگرفته؛ تو دایم
بری ز شرک و خطایی، خدا کند کہ بیایی
قدم بہ دیدہ ما نہ، بیا کہ در بر یازان
بہ اوج عز و علایی، خدا کند کہ بیایی
بیا و کبر و ربا را ز بین ما سپری کن
کہ ضد کبر و ریایی، خدا کند کہ بیایی
تو گرگ و میش بہ ہم مہربان کنی ولی اکنون
اسیر امر قضایی، خدا کند کہ بیایی
تویی کہ امر خدا ی جل جلالی
امیر بر امرایی، خدا کند کہ بیایی



تو اعلم علمایی، تو افضل فضایی
تو اعقل عقلایی، خداکند که بیایی
همه وفا و امیدی، برای خلق نویدی
پناه شاه و گدایی، خداکند که بیایی
چراغ راه عبوری، صفای ظهر ظهوری
به درد خلق دوایی، خداکند که بیایی
(عباس کاشانی)

«گل شاداب»

ما جمله نیازیم و تو سرچشمه نازی
ای قلب جهان، کنز نهان، معدن رازی
مانند تو کس چهره دلخواه ندارد
زیبایی رخسار تو را ماه ندارد
آنجا که تویی، نکهت گل راه ندارد
ظاهر همه جا، غائب سرداب تویی تو
هر دیده که خواهد نگرد، نور خدا را
پس بنگرد آن آینه غیب نما را
پنهان ز نظر هستی و در دل به وضوحی
در کالبد عالم امکان تو چو روحی
از یمن وجود تو شود، صبح و شب و ظهر
دل ها همه ظلمت کده، مهتاب تویی تو
غائب ز نظر هستی وهم حاضر دائم
در ابر نهان، مهر جهان تاب تویی تو
تو آب بقا هستی و ما ریگ ته جوی
با سرهمگی سوی تو آئیم ز هر سوی
آسایش دل، روح روان، راحت جانی
پنهان و عیان، جان جهان، شاه زمانی
(حسان)

«نوح دریای غم»

ای دلبر یکتا بیا، ای محرم دل‌ها بیا
تنها تویی مشکل‌گشا، ای رهبر والابیا
ای دردمندان را طبیب، ای آیت فتح قریب
دیگر به پایان شد شکیب، ای منجی دنیا بیا
ای یادگار مصطفی، ای مظهر لطف و صفا
ای رحمت حق درخفا، ای همدم دل‌ها بیا
ای بی‌پناهان را پناه، افتادگان را تکیه‌گاه
ای سایه لطفِ اله، ای یار ناپیدا بیا
ای شاهد اعمال ما، ای واقف از احوال ما
ای حاصل آمال ما، ای قبله‌گاه ما بیا
دنیا ز طوفان ستم، پرشد ز امواج الم
دل غرقه در دریای غم، ای نوح این دریا بیا
آیات قرآن را زبان، تنهاترین در این زمان
ای شرع احمد را بیان، ای مظهر طاهایا بیا
ای عدل تو حیدر نما، صبر تو صبر مجتبی
ای دادخواه کربلا، ای زاده زهرا بیا
معشوق هر پیغمبری، برفرق نرگس افسری
یا حجت بن العسکری، ای یار روح افزا بیا
دائم که در تاب و تبی، خود منتظر روز و شبی
گریان به یاد زینبی، ای رمز عاشورا بیا

(حسان)

«عدل منتظر»

یا مهدی ای که لطف خدا، از تو جلوه‌گر
یا مهدی ای به نور و صفا، احمدی دگر
ای آن‌که ذوالفقار علی، دستیار توست
با این چنین مهابت و فر، حیدری مگر
صد آفرین به نسل گهربار فاطمه
کآورد، چون حسین و حسن، باز، یک پسر
آئینه تمام نمای حسن تویی
ای صبر مجتبی، ز وقار تو جلوه‌گر
در این زمان، کلام خدا را، زبان تویی
ای گفته‌های نغز تو، شیرین‌تر از شکر
فرمان تو، چو امر خدایی جهان مطاع
ای خاتم ولایت و ای بهترین بشر
در قبر، نور عشق تو، دمساز عاشقان
در حشر، حُب و بُغض تو میزان خیر و شر
صد مرحبا، به نقش دل آرای حُسن تو
صد آفرین به خالق این بهترین اثر
ای بدر آسمان امامت جمال تو
یک ره عنایتی کن و بر خاکیان گذر
در راه انتظار تو، گریان نشسته‌ایم
تا باز، یابن فاطمه، برگردی از سفر
تا کی به شام تار فراق تو اشک‌بار
تا چند در خیال تو، سوزنده تا سحر

ای آفتاب شادی عالم طلوع کن
تا چند ای امام زمان، غایب از نظر؟
تاکی دعای ندبه بخوانیم جمعه‌ها
تا کی به نوحه اشک برانیم از بصر
تاکی چراغ شادی مستضعفان خموش
تا کی به باغ عشرت مستکبران، ثمر
تا چند، خانه‌های ستمدیدگان خراب
در هر دیار، امت اسلامی در به در
تاکی، در آستانه در، کودک یتیم
با آه و ناله گریه و گوید: پدر، پدر
تا چند حمله‌های شهادت به پا کنیم
تاکی، چراغ سوگ جوانان به هر گذر
ای آن که ذوالفقار یدالله به دست توست
کافر جسور گشته و اسلام در خطر
ای یادگار فاطمه، یابن‌الحسن بیا
سوزد جهان، به آتش بیداد سربه‌سر
دل‌ها ز غصه خون شد و صبر از میان برفت
در انتظار مقدمت، ای عدل منتظر
(حسان)

«ای پیک آزادی بیا»

یک شب منور می شود، از نام مهدی خانه ام
پر می شود از عطر او، سرتاسر کاشانه ام
این صحن گلبازان شود، پر گل همه ایوان شود
وین باغ عطر افشان شود، از نکهت جانانه ام
در پاش سر می افکنم، صد بدره زر می افکنم
دُر و گهر می افکنم، در مقدم دُر دانه ام
گرم سلامش می شوم، محو کلامش می شوم
خرم ز نامش می شوم، با این دل دیوانه ام
او باغ و من چون باغبان، او میهمان من میزبان
او شوق او آتش به جان، او شمع و من پروانه ام
بوسه به راهش می زنم، بر جایگاهش می زنم
بر روی ماهش می زنم، گل هایی از گلخانه ام
کوتاه شود دست خسان، حق می رسد بر بی کسان
ای باد! پیغامم رسان، بر رهبر فرزانه ام
از بعدِ عمری انتظار، گردد جهان پرافتخار
کان پیشوای اقتدار، دستی زند بر شانه ام
کام همه شیرین شود، غم خانه نور آگین شود
هر کوچه ای آذین شود، در مقدم جانانه ام
دنیا چو رضوان می شود، این شام تابان می شود
دشمن پریشان می شود، از همت مردانه ام

دیگر فیکلن صف به صف، من در کلبش جان به کف

در راه آن رنگین هدف، سرمست و مشتاقانه ام

ای مهدی هادی بیا، ای پیک آزادی بیا

ای شاهد شادی بیا، کز غیر تو بیگانه ام

دستم بگیر ای دستگیر، ای در شبم مهر منیر

جرم من عاصی پذیر، ای شافع شاهانه ام

در انتظارت سوختم، تا عاشقی آموختم

مانند گل افروختم و اکنون گل گلخانه ام

من با امیدت زنده ام، از نور تو تابنده ام

بر آستانت بنده ام، ای رونق کاشانه ام

سالم سراسر عید شد، جانم همه امید شد

پراختر و ناهید شد، یلدا شب غم خانه ام

جانم ز غم آزاد شد، صحن دلم آباد شد

از ذکر نامت شاد شد، تسبیح یک صد دانه ام

(سعید شمس انصاری)

«عجل علی ظہور»

عجل علی ظہور، یا صاحب الزمان
 الغوث الامان، یا صاحب الزمان
 ناید مرا بہ جز، نام تو بر زبان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 از درد ہجر تو، دل آمدہ بہ جان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 ہستی تو تا بہ کی، از چشم ما نہان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 در انتظار تو، بر سر برد جهان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 ای تکیہ گاہ ما، و ای قبلہ گاہ ما
 پشت و پناہ ما، ما را بہ دل توان
 تا تیر امتحان، نگذشتہ از کمان
 از ما تو دست گیر، ما را بده امان
 ہست آخر الزمان و از فتنہ پُر جهان
 پانہ تو در میان، یا صاحب الزمان
 بگرفتہ موج غم، سرتاسر جهان
 بنشانند شیر را، در گوشہ رو بہان
 از قافلہ عقب، افتادہ ہمرہان
 بر داد ما برس، ای میر کاروان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

بهر فرج تو نیز، او را صدا بزن
گو از صمیم جان، یا صاحب الزمان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
بر شیعیانِ تو، گردیده عرصه تنگ
نبود روا شَها، زین بیشتر درنگ
گردیده جابجا مفهوم نام و ننگ
باطل لباس حق، پوشیده رنگ رنگ
در راه دین شده، پای گمیث لنگ
باشد به جای شهید، در کام جان شرتنگ
زین بیشتر شها، ناید به شیشه سنگ
پانه تو در میان، یا صاحب الزمان
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
ما را تو ای پدر، از یاد خود مَبَر
چشم همه بود، هر روز و شب به در
ایام هجر تو، کی می رسد به سر
شب های هجر را، نبود مگر سحر
بس دیر شد پدر، پایان این سفر
کی می شود ز لطف، یک روز بی خبر
آیی ز در پدر، آیی ز در پدر
دست نوازشت، ما را کشی به سر
ما را کنی رها، از طعن این و آن
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

پیچیدہ پرچمت، آور بہ اهتراز
 یا فارس الحجاز، یا فارس الحجاز
 تا چند سوز و ساز، تا چند رمز و راز
 ای مَلَجًا و مَلَاذ، ای قبلہ نیاز
 با تیغ جان گداز، گامی بنہ فرار
 بر دشمنان بتاز، کار عدو بساز
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 کَهْفِ حَصِينِ تویی، دَيَّانِ دین تویی
 آیات را تویی، تالی و ترجمان
 حَبْلُ الْمُتَمِينِ تویی، عین الیقین تویی
 یار و معین تویی، بہر ستم کشان
 در بزم شاہدان، بالا نشین تویی
 یکجا بود ترا، جاہ و جلال و شان
 با جوڑ پیشگان دائم بہ کین تویی
 ہستی تو یاورِ بی یار و یاوران
 تا کی سراغ تو، جویند اہل دل
 گاہی ز سامرہ، گاہی ز جمکران
 گاہی ز کوفہ گہ، از مگہ و منا
 ہر روز و شب تورا، جویند و ہر زمان
 دل بر تو دادگان، یا صاحب الزمان
 یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
 تا چند پرچمِ خونِ رنگ کربلا



باشد در اهتزاز، بر بام عرش دل
تا کی ز شمس ز زین پرچمش
ایام عمر خود، با چله و چهل
در انتظار تو، بگذشت عمر ما
شد سست استخوان، شد رأس مشتعل
هیئات اگر شود، روح از بدن جدا
از شهد وصل تو، امید منفصل
شاهها به حق حق، پرده زخ فکن
تا منکران شوند، از کرده مُنْفَعِل
تا کی شها تو را، چشم انتظارها
با چشمهای تر، خوانند متصل
گویند مهدیا، بهر خدا بیا
زین بیشترنمان، از چشم مانهان
یا صاحب الزمان یا صاحب الزمان
تا چند در غمِ مظلومی علی
از دیده‌ها شود، اشک عزا روان
تا کی شفق بود، در ماتم حسین
هرشام و هر سحر، از دیده خون فشان
تا کی بگرید ابر، در سوگ فاطمه
و از بار غم شود، قد فلک کمان
از چشم چشمه‌ها، دائم زلال اشک
بر حال عمّات، تا کی شود روان

تاکی کند خضاب، چهره به خون دل
در ساحت چمن، گل های ارغوان
تا همره می کند، با عترت رسول
بی روی تو بود، هر نفع ما ضرر
بی لطف تو بود، هر سود ما زیان
نبود تو را زیان، ای شاه انس و جان
بر ما ز راه لطف، گریخ دهی نشان
کام دل همه، دیدار روی توست
چون می شود کنی، ما را تو کامران؟
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان

ای تو قرار دل
دل بی قرار تو
باز آکه نقد جان
سازم نثار تو
پاشم گلاب اشک
در رهگذار تو
هستی همه بود
در اختیار تو
یا صاحب الزمان، یا صاحب الزمان
پُر، بزم این جهان
از گفت و گوی توست
چشم امید ما
دائم به سوی توست
باغ و بهشت ما
دیدار روی توست
رشته حیات ما
بسته به سوی توست
هشیار آن که او
مست از سبوی توست
گر آب زندگی است
آبی ز جوی توست

اين رنگ و بوى گل
از رنگ و بوى توسست
يا صاحب الزمان يا صاحب الزمان
سوز فراق تو
زد سوزها به جان
از بار هجر تو
شد تيره ها کمان
از طول غيبتت
اي شاه انس و جان
شد چشمها سفيد
شد سست استخوان
يا صاحب الزمان يا صاحب الزمان
يا صاحب الزمان يا صاحب الزمان

سيد مصطفى آرنگ

«مهدی صاحب زمان»

هر شب به درگاه خدا
گویم عزیز فاطمه
امشب بیاد جمع ما
برگو کجا یابم تو را
ای مهدی صاحب زمان
ای عشق یاران علی علیه السلام
موی سیاهم شد سفید
لطفی نما ای نازنین
دگری چنین اندر زبان
آقا امان از بی کسی
رحمی کنی بر حال ما
تا قرب تو حاصل شود
کسی روضه خواهیم و جنان
ای مهدی صاحب زمان
ای کعبه آمال ما
نائل شود این آرزو
تا زنده هستیم در جهان
ای مهدی صاحب زمان

سید محمد رضا محرمی

«گل نرگس»

سلام ای شعر پر شور محبت	سلام ای مصدر نور محبت
بتابان بر دلم نور محبت	سلام ای مطلع الانوار هستی
که می باشی تو منظور محبت	سلام ای نکته پیوند هر عشق
که هستی سر مستور محبت	سلام ای اسم اعظم، رمز اکبر
به دل های تو مشهور محبت	سلام ای دلربای دلربایان
بیایبن الحسن جانم فدایت	سلام ای بحر موج عنایت

سلام ای زینت و پیرایه عشق	سلام ای سوره دین آیه عشق
دلم را کرده ای همسایه عشق	سلام ای آن که از قبل تولد
که افکندی به دل ها سایه عشق	نگردد از سر ما سایه ات کم
بیایبن الحسن جانم فدایت	همه عشاق محتاج دعایت

صفا و مژوه و زمزم تویی تو	حریم دوست را محرم تویی تو
به قانون شفا مرهم تویی تو	به قلب خستگان مانده در راه
تسلی دل پر غم تویی تو	تو بر هر درد بی درمان دوایی
بیایبن الحسن جانم فدایت	تویی نور مصابیح هدایت

تو دل را آشنای یار کردی	تو راه بندگی هموار کردی
ولی پنهان چرا خسار کردی	به قلب ما فکندی مهر خود را
مرا هم نائل دیدار کردی	چه می گردد شبی بینم نگارم

نگاهی هم تو بر این خار کردی
بیا یابن الحسن جانم فدایت

هزاران شکوه از نامرد داریم
ز هجران تو روی زرد داریم
دلی سرگشته و شب گرد داریم
دلی غم پرور و پردرد داریم
ز طعن مردم نامرد داریم
بیا یابن الحسن جانم فدایت

نگو این شور ما معنا ندارد
که بی مهدی ولا معنا ندارد
ولای بی ولا مولا ندارد

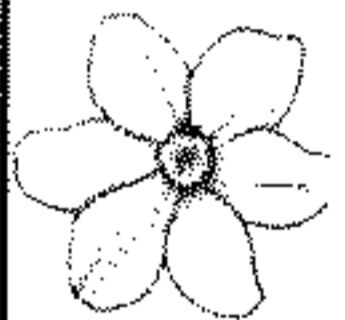
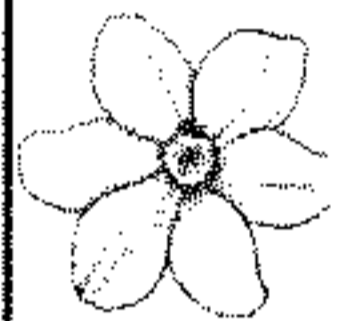
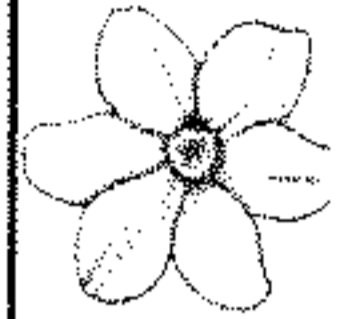
گل زیبای نرگس کی ببینم
گل نرگس کنم هر دم صدایت

گل نرگس هزاران درد داریم
گل نرگس به آن خال سیاهت
گل نرگس ببین در جست و جویت
گل نرگس پرو بالی شکسته
گل نرگس برایت شکوه‌هایی
منم بیمار غربت کو دوایت

نگو این ناله‌ها معنا ندارد
علی با عترتش حبل المتین است
ولای مهدی اندر غربت ماست

«مهدی زهرا»

حبّ تو شد سودای من
 ای سرور و آقای من
 نادیده‌ام روی تو را
 ای مأمّن و مأوای من
 آقای من آقای من
 ای مهدی زهرای من
 صبح است و می‌گویم به خود
 امروز میاد آقای من
 شب‌گشت و من درانتظار
 هی بگذرد شبهای من
 آقای من آقای من
 ای مهدی زهرای من
 شب‌ها که بیداری کشم
 ای یوسف زیبای من
 با فکر دیدارت به خواب
 ذکر تو است لالای من
 آقای من آقای من
 ای مهدی زهرای من
 هر ذره از خاک رخت
 آقا بود دنیای من
 بنما قدمگاهت به من
 ای نازنین مولای من



آقای من آقای من
ای مهدی زهرای من
گر، مَن شوم آگه از آن
باشد اگر رؤیای من
صد بوسه یکجا میزند
بر خاک تو لبهای من
آقای من آقای من
ای مهدی زهرای من
ای نور چشم فاطمه
ای گوهر والای من
بشنو صدای یا حسین
هر دم بود آوای من
آقای من آقای من
ای مهدی زهرای من
ای جانشین مرتضی
بشکسته است پرهای من
پرواز نتوانم دگر
تا کوی تو عنقای من
آقای من آقای من
ای مهدی زهرای من
گشته «سما» حیران تو
ای سرو، ای رعنا، ای من

من خشک رود مردهام
اما تویی دریای من
آقای من آقای من
ای مهدی زہرای من
در راه عشقت تشنہام
ای عشق ناپیدای من
عطشان و بی جانم کنون
آیا شوی سقای من؟
آقای من آقای من
ای مهدی زہرای من

سید محمد رضا محرمی



«روح انتظار»

بی تو به سر نمی شود
بی تو به سر نمی شود
از تو خیر نمی شود
صبر دگر نمی شود
مهدی مه لقای من
سرور و دلربای من
حجّت کبریای من
سید و مقتدای من
شمس جمال انور تو جلوه گر نمی شود
مگه و هم منای من
زمزم و هم صفای من
درد تو شد دوی من
رنج تو شد شفای من
چرا به دردمندیم از تو نظر نمی شود
تو آفتاب غیبتی
تو آن بزرگ آیتی
قمر ز تو حکایتی
به ما عنایتی
شام فراغ هجر تو چرا سحر نمی شود
رضای تو رضای من
مهر تو شد ولای من

نور رخت ضیای من
 یاد تو شد صفای من
 طول کشیده غیبتت از تو خبر نمی‌شود
 شام سیاه ما نگر
 حال تباه ما نگر
 به سوز و آه ما نگر
 به اشک چشم ما نگر
 دعای ما به حضرت تو ذی اثر نمی‌شود
 به انتظار امارت تو
 دل همه کباب شد
 دل از فراق تو طپید
 ز دوری تو آب شد
 ز حد گذشت صبر ما وقت ظفر نمی‌شود
 سوخته از غم تو جان
 ز طول مدت زمان
 شمس رخت شده نهان
 به ابر اگر شود عیان
 دامن منتظر، ز اشک دیده تر نمی‌شود
 ندبسه کنم برای تو
 خانه دل سـرای تو
 جان و تنم فدای تو
 سوخته در هوای تو

سوخته جانم از غمت سوخته تر نمی شود
مانده در انتظار تو
دیده اش کبار من
بیات و خاتمه شده
دگر به انتظار من
که روح انتظار من ضعیف تر نمی شود
مدال انتظار تو
کمال افتخار من
رسوده طول غیبتت
ز جان و دل قرار من
دل گرفته از غمت، خمیده تر نمی شود
تو آن ولی اعظمی
تو قائم معظمی
ظاهر اگر مؤخری
تو بر همه مقدمی

مرحوم سید اسماعیل شرفی

«مایه ایمان»

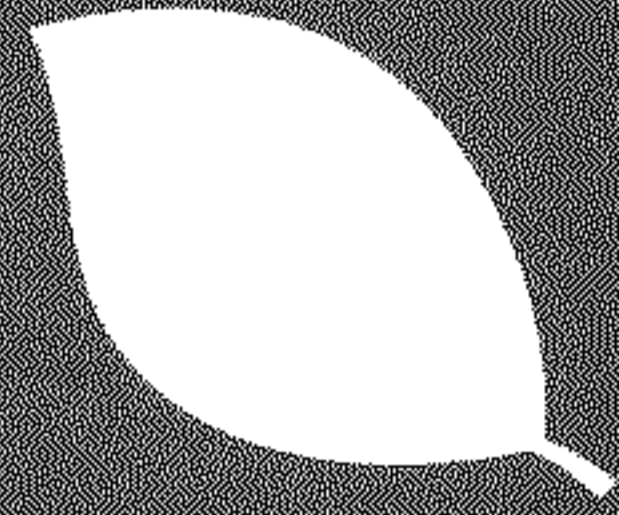
ای روح من ریحان من
ای جان من جانان من
ای مایه ایمان من
ای معنی قرآن من
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا مهدی بیبا
ای بلبل گلزار من
ای دلربا، دلدار من
ای مطلع انوار من
ای هادی افکار من
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا
من از همه بیگانه‌ام
در کوی تو پروانه‌ام
و از عشق تو دیوانه‌ام
لبریز شد پیمان‌ام
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا
ای ساقی صهبای من
شمع شب یلداي من
یغماگردل‌های ما
ای مهدی زیبای ما
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا

ای اشرف غایات ما
ای اعظم آیات ما
ای ناشر رایات ما
ای قبله حاجات ما
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا
ای رهبر عقل بشر
مفتاح ابواب ظفر
روشنگر شمس و قمر
وز هر چه گویم خوبتر
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا
ای پیشوای بی نظیر
ای بر همه عالم امیر
ای شوکت و شانت خطیر
یادت همیشه در ضمیر
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا
مرز حقیقت کوی تو
روح شریعت، خوی تو
نور طریقت، روی تو
رمز فضیلت بوی تو
ای منجی گیتی بیبا
مهدی بیبا، مهدی بیبا

حاج شیخ عباس شیخ رئیس

«صاحب لوای کربلا»

بارالها رهبر عالم کجاست؟
هیچ دل، آسوده و بی غصه نیست
یار هم‌رازی برای ما نماند
قلب انسان از گناهان تیره شد
می‌کند گردن کشی قوم مسیح
بس تجاوز می‌کند قوم یهود
گشت اسلام از جدایی‌ها ضعیف
آن ز پا افتادگان را دستگیر
آن که می‌کوبد بنای ظلم را
اشک خون می‌ریزد از چشم بشر
یار مظلومان، پناه بی‌کسان
عالمی می‌سوزد از داغ حسین
پور نرگس، حجت بن العسکری
مصلح کل، قائد اعظم کجاست؟
آن که از دل می‌زداید غم کجاست؟
آن که با دل‌ها بُود همدم، کجاست؟
روشنی بخش بنی آدم، کجاست؟
مقتدای عیسی مریم، کجاست؟
آن که کوبد حضشان درهم، کجاست؟
آن که دل‌ها را کند با هم، کجاست؟
باغریبن مؤنس و همدم کجاست؟
از عدالت پر کند عالم، کجاست؟
نور چشم حضرت خاتم کجاست؟
بر جراحات بشر مرهم کجاست؟
صاحب این جاودان ماتم کجاست؟
عاشقان را یار خوش مقدم کجاست؟
(حسان)



بخش سوم

مسابقه حفظ اشعار مهدوی



در این قسمت از مسابقه که با نام (حفظ اشعار مهدوی) است، مربی به شرکت‌کنندگان می‌گوید: ابتدا یک مصراع از شعری را سه بار می‌خوانم؛ پس از آن باید همان مصراع را بدون کوچک‌ترین اشتباهی (کم و زیادی) تکرار کنید، هر کس که حتی یک کلمه از شعر را اشتباه بگوید از دور مسابقه خارج می‌گردد (البته مربی می‌تواند تا یک بار اشتباه را به عنوان ارفاق در مسابقه در نظر بگیرد) و شرکت‌کننده‌ای که بتواند به طور صحیح مصراع اول را بخواند وارد مرحله دوم می‌شود که در این مرحله مربی مصراع دوم را سه بار تکرار می‌کند و شرکت‌کنندگان باید پس از گوش دادن و به حافظه سپردن مصراع دوم، آن مصراع را به همراه مصراع اولی بیان کنند. در این مرحله نیز شرکت‌کننده‌ای که بتواند هر دو مصراع را به درستی بیان نماید، وارد مرحله سوم می‌شود که در این قسمت مربی مصراع سوم را سه بار تکرار می‌کند و شرکت‌کنندگان باید هر سه مصراع را با همدیگر بگویند و در صورت درست گفتن وارد مرحله آخر می‌شوند که مربی مصراع چهارم و آخر را سه بار تکرار می‌کند و شرکت‌کنندگان باید هر ۴ مصراع را با همدیگر بیان نمایند. هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند تمام مصراع‌ها را با کم‌ترین اشتباه بخواند بیشترین امتیاز را در این بخش از مسابقه به دست می‌آورد. مثلاً کسی که بدون اشتباه بخواند ۱۰ امتیاز و کسی که با یک اشتباه بخواند ۹ امتیاز و کسی که با دو اشتباه بخواند ۸ امتیاز و کسی که با سه اشتباه بخواند ۷ امتیاز و همین‌طور با هر اشتباه یک امتیاز از دست خواهد داد؛ مثلاً مربی این دو بیت را جهت مسابقه انتخاب می‌کند:



اینجا همه پیوسته تو را می خوانند
لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند
ای ابر بهار، بر سر باغ بیار
گل های زبان بسته تو را می خوانند
که مربی در مرحله اول به شرکت کنندگان می گوید من مصراع اول را
سه بار به آهستگی تکرار می کنم و شما باید خوب به آن گوش دهید
و حفظ کنید و پس از آن تک تک شما باید آن مصراع را تکرار کنید و
سپس مربی سه بار مصراع زیر را تکرار می کند:

این جا همه پیوسته تو را می خوانند
این جا همه پیوسته تو را می خوانند
این جا همه پیوسته تو را می خوانند

بعد نوبت شرکت کنندگان است که تک به تک این مصراع را تکرار کنند.
پس از تکرار مصراع اول توسط شرکت کنندگان مربی سه بار مصراع
دوم را تکرار می کند:

لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند
لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند
لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند

که شرکت کنندگان تک به تک باید هر دو مصراع را به شکل زیر تکرار کنند:

این جا همه پیوسته تو را می خوانند
لب تشنه و دل خسته تو را می خوانند

سپس مربی به همین ترتیب در مرحله سوم نیز سه بار مصراع سوم

و در مرحله چهارم نیز سه بار مصراع چهارم را تکرار می‌نماید و در پایان کسی که بتواند تمام ۴ مصراع را با هم به درستی بیان کند برنده مسابقه خواهد بود.

حال در این قسمت ۳۰ نمونه از ابیات مختلف ذکر می‌گردد که مربی می‌تواند هر کدام از این دو بیتی‌ها را جهت اجرای در مسابقه استفاده نماید.

«شماره ۱»

با آمدنت قرار می‌آید باز	سرسبزی این دیار می‌آید باز
می‌آیی و با طنین سبز قدمت	گلپوش‌ترین بهار می‌آید باز

(میرهاشم میری همدانی)

«شماره ۲»

خوش باش دلا که مهربان می‌آید	در باغ نظر گل نهان می‌آید
فریاد رس مسافران این فجر	آن مهدی صاحب‌الزمان می‌آید

(مرتضی نوربخش)

«شماره ۳»

ای حُسن تو مجموعه هر زیبایی	وز هر دو جهان ز عشق تو شیدایی
نگذاشته داغ تو دلی را بسی درد	سودای تو کرده عالمی سودایی

(فیض کاشانی)



«شماره ۴»

این جاهمه پیوسته تورامی خوانند لب تشنه و دل خسته تورامی خوانند
ای ابر بهار، بر سر باغ بیار گل های زبان بسته تورامی خوانند
(سید حسن حسینی)

«شماره ۵»

نام تو دوی درد یاران باشد تسکین قلوب بیقراران باشد
در وصف تو گر آب مرکب گردد محصول قلم یک از هزاران باشد
(عبدالمجید رحمانیان)

«شماره ۶»

شادم که غمت همره جان خواهد بود عشقت بادل، در آن جهان خواهد بود
هجران تو با کالبدم خواهد ماند وصل تو حیات جاودان خواهد بود
(فیض کاشانی)

«شماره ۷»

تورا امواج دریا می شناسند تورا شنهای صحرا می شناسند
تورا ای منجی دل های عالم تمام کهکشانشانها می شناسند
(عبدالرحیم سعیدی راد)

«شماره ۸»

ما از گُنه به کار ظهورش گره زدیم با آن که او گشوده گره ها ز کار ما
گاهی اگر دعای فرج کار گرفتاد شد مانع فرج، گُنه بی شمار ما
(سید رضا موید)



«شماره ۹»

ما مدعیان دل خزانسی داریم با حضرت دجال، تبانی داریم
مالاف زن ندبہ و اشک و آہیم این جمعہ نیا، جام جهانی داریم

«شماره ۱۰»

در شادی و غم بہ یادتان می مانیم ہر عید بہ یادتان دعا می خوانیم
آقای دلم، سید من، مہدی جان ما «احسن حال» را شما می دانیم

«شماره ۱۱»

امان از آن زمانی کہ بیفتد بہ روی نامہام چشمان مہدی
دلش می گیرد و با چشم گریان بگوید این ہم از یاران مہدی

«شماره ۱۲»

سوگند بہ ہر چہارہ آہ نور سوگند بہ زخم های سرشار غرور
آخر، شب سرد ما سحر می گردد مہدی بہ میان شیعہ برمی گردد

«شماره ۱۳»

تو کہ درد آشنای اہل دردی تو کہ دست کسی را رد نکردی
بگو حالاکہ دل ہامان شکستہ است دلست می آید آیا برنگردی

«شماره ۱۴»

خواہد آمد ای دل دیوانہ ام او کہ نامش با لبانم آشناست
من گل نرگس برایش چیدہ ام باورم کن، خواہد آمد، با وفاست
(مژدہ پاک سرشت)

«شماره ۱۵»

به لب دارم همیشه گفت و گویت به هر جا می نمایم جستجویت
به دل عمری مرا این آرزو هست که بینم سیر، رخسار نکویت

«شماره ۱۶»

تو بین منتظران هم عزیز من چه غریبی عجیب تر که چه آسان نبودنت شده علت
چه بیخیال نشستیم، نه کوششی نه وفایی فقط نشسته و گفتیم، خدا کند که بیلی
(یونسیان)

«شماره ۱۷»

بیا چشمم به راهت مانده مولا به امید نگاهت مانده مولا
بیاتاکی بینم ابر غیبت بر آن رخسار ماهت مانده مولا
(محمد تقی سراج)

«شماره ۱۸»

بود یاد تو ما را قوت دل منور شد زیادت ساحت دل
به هر اندازه دل مهر تو دارد همان اندازه باشد قیمت دل
(یونسیان)

«شماره ۱۹»

شب جمعه دوباره مرغ دلم را به سوی کربلا کردم روانه
که از شش گوشه ای در قلب عالم بگیرد یک خبری یا یک نشانه



«شماره ۲۰»

ای کاش کسی برای آقا تب داشت
یادی ز امام منتظر بر لب داشت
قربان غریببات شوم مهدی جان
ای کاش که صاحب الزمان زینب داشت

«شماره ۲۱»

گفتم شبی به مهدی، اذن نگاه خواهم
گفتا که من هم از تو، ترک گناه خواهم
گفتم که ای امامم، از ما چرا نهانی
گفتا به چشم محرم، همواره آشکارم

«شماره ۲۲»

ویرانه، نه آن است که جمشید بنا کرد
ویرانه نه آن است که فرهاد فرو ریخت
ویرانه دل ماست که هر جمعه به یادت
صد بار بنا گشت و دگر بار فرو ریخت

«شماره ۲۳»

تا کی غروب جمعه ببینم که مادرم
یک گوشه بغض کرده که این جمعه هم گذشت
مولا شمار درد دلم بی نهایت است
تعداد درد من به خدا از رقم گذشت

«شماره ۲۴»

سالی که بی ظهور تو تحویل می شود
خود جشن ماتم است که تعجیل می شود
امسال هم به سفره خود کم گذاشتیم
سینی که با سلام تو تحویل می شود

«شماره ۲۵»

همه گویند که در حسرت دیدار منند
لیک درگفته این طایفه کرداری نیست
ای که دائم به دعایی که ببینی رخ من
تا که خالص نشوی، با تو مرا کاری نیست

«شماره ۲۶»

انگار ما بدون حضور تو راحتیم
وقتی کسی برای ظهورت دعا نکرد
وقتی که دامن تو رها شد ز دست ما
دست گناه، دامن ما را رها نکرد

«شماره ۲۷»

روزی هزار بار دلت را شکسته‌ام
بیخود به انتظار وصال نشسته‌ام
هر جمعه قول می‌دهم که آدم شوم ولی
هم عهد خویش، هم دلتان را شکسته‌ام



«شماره ۲۸»

کار عشاق گره خورد، خدایا مددی
آن که باید بگشاید گره کار، کجاست؟
داغ وصلش به دل منتظران، ماند که ماند
آن طبیب دل زار و تن بیمار، کجاست؟
(کیان)

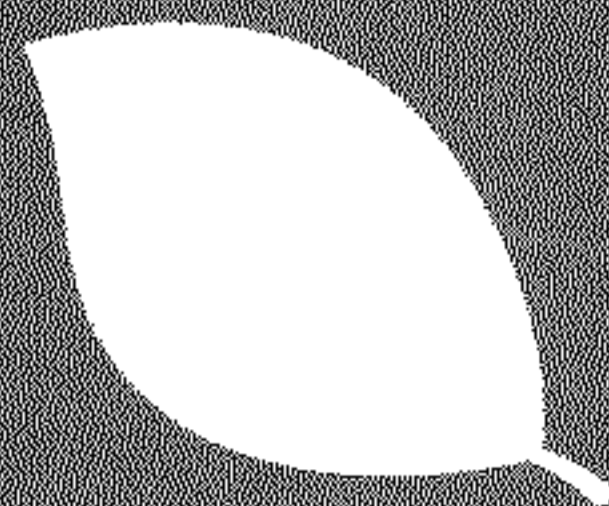
«شماره ۲۹»

قطعه گمشده‌ای از پر پرواز کم است
یازده بار شمردیم و یکی باز کم است
این همه آب که جاری است، نه اقیانوس است
عرق شرم زمین است که سرباز کم است

«شماره ۳۰»

جمعه‌ها با ساعت بیگانه‌ام
با غریبی شما هم‌خانم
جمعه‌ها، ثانیه‌ها دق می‌کنند
شکوه‌ها از صبح صادق می‌کنند^۱

.....
۱. زهرا فراهانی.



بخش چهارم

مسابقه کلمه یابی اشعار مهدوی



یکی دیگر از روش‌های مسابقه شعر مهدوی، مسابقه کلمه‌یابی می‌باشد که در این روش مربی در اختیار هر کدام از شرکت‌کنندگان (فردی یا گروهی) اشعار مهدوی مربوط به این بخش از مسابقه را قرار می‌دهد تا با خواندن و توجه به آن اشعار، جواب سؤالات مربی را بدهند.^۱

در هر بیت این مسابقه ۱۲۰ بیتی، یک کلمه به صورت بزرگ‌تر از بقیه کلمات نوشته شده است، لذا در ۱۲۰ بیت، ۱۲۰ کلمه ویژه داریم که به راحتی قابل تشخیص در هر بیت نیز می‌باشد؛ مانند این بیت:

تقدیم می‌کنم سرو و جان را ز فرط شوق

گر بشنوم **صدای تو** یا صاحب‌الزمان

و مربی در هنگام اجرای مسابقه، یکی از این کلمات را از روی جدولی که در صفحه بعدی است انتخاب می‌کند و از شرکت‌کنندگان می‌خواهد که هر شخص یا گروهی که بتواند سریع‌تر، این کلمه را در میان ابیات نوشته شده پیدا نماید، امتیاز آن بخش را می‌گیرد و در پایان مسابقه، هر شرکت‌کننده‌ای که امتیاز بیشتری داشته باشد، برنده مسابقه خواهد بود.

.....
 ۱. جهت تهیه اشعار این بخش از مسابقه می‌توان از خود کتاب استفاده نمود و یک جلد از کتاب را در اختیار هر کدام از شرکت‌کنندگان قرار داد تا با توجه به اشعار بخش مسابقه کلمه‌یابی، جواب سؤالات مسابقه را بدهند و یا اینکه مربی فقط از اشعار همین بخش از کتاب (بخش مسابقه کلمه‌یابی) کپی گرفته و در اختیار هر کدام از شرکت‌کنندگان قرار دهد تا با توجه به همان جزوه اشعار مهدوی، به سؤالات مسابقه جواب دهند.

نکتہ: ممکن است شرکت کنندگان بگویند پیدا کردن یک کلمه در میان این همه بیت کار بسیار مشکلی است؛ در اینجا باید آن‌ها را راهنمایی نمود که نیازی نیست شما تمام ابیات نوشته شده را بخوانید، بلکه می‌توانید خیلی سریع فقط با نگاه کردن به کلماتی که در هر بیت به صورت بزرگ نوشته شده، کلمه بیان شده توسط مربی را پیدا نمایید.

مثلاً مربی می‌گوید کلمه «تو بیایی» را پیدا نمایید که شرکت کنندگان با نگاه سریع به کلماتی که به صورت بزرگ نوشته شده است می‌توانند این کلمه را پیدا نمایند؛ چنانکه با یک نگاه سریع می‌توان این کلمه را در بیت سوم اشعار زیر پیدا نمود.

بیت ۱. تقدیم می‌کنم سروجان را ز فرط شوق

گر بشنوم **صدای تو** یا صاحب الزمان
بیت ۲. عمری است انتظار تو ای **ماه** می‌کشم

در انتظار **مهر رخت آه** می‌کشم
بیت ۳. وقتی **بسان خورشید** از گوشه‌ای برآیی

روشن شود جهانی وقتی که **تو بیایی**
بیت ۴. مگر ای **اشک تو** پاکیزه کنی دامن چشم

ورنه این **غرق گنه** را ره دیدار کجاست؟
بیت ۵. پرده **بگشای** که مردم نگرانند هنوز

چشم در راه تو صاحب نظرانند هنوز

جدول کلمات

در این جدول کلماتی نوشته شده است که مربی می تواند هر کدام از آن ها را انتخاب و برای شرکت کنندگان بیان نماید تا آنان سریع آن کلمه را در میان ۱۰۰ بیت شعر پیدا نمایند و آن بیت را بخوانند.

پریشانم	خم ابروی	مظهر رهایی	معجزه الهی	کاش که
شکر خدا	انتظار	آیت خدایی	یوسف زهرا	چشم به راهم
جنت	بهار	غیبت طولانی	غم هجر	یوسف کنعانی
عزت	باز آ	هدایت	تحمل	طیب دل
بیت خدا	چشم در راه	قامت سبز	غم جدایی	آرزویم
بی تو بمانم	خورشید	جمعه	فریاد شوق	صلح و صفا
خانه دل ها	دل سوخته ایم	خوشا چشمی	غم هجر	پرچم اسلام
چشم آلوده	تو می آیی	سحر	شکوه	نهضت قرآن
غرق گنه	طالب حضور	غمخوار	صاحب الزمان	گوهر دین
باغبان	دعای تو	انتظار تو	فدای قدمت	گلشن
آفتاب هستی	یوسف	بهار	آشنا	غوغا
تقدیم تو	مسیحا	ای کاش	راه تو	نشاط و شور
سوگند	عصر آدینه	ظهور	مظهر عدلی	گل عسکری
فریادرس	بینایی	آرزوی دل	خوشا دردی	سرسبز
خوشا آن دل	جویم تو را	بی قرار	کجایی	رهاننده
گل روی تو	محبان	نثار	پرده غیبت	شهیدان
مهر تو	گل رویش	شیعه	تو بیایی	افتخار من
صدای تو	رخ زیبا	مسیحا	بشارت	تمنا کنم
گره گشا	فریاد شوق	فراقت	وصال تو	درمان
صبح جمعه	نقش دل	همتای تو	نیامدی	میهمانی

۱. سرمی نهم به پای تو، یا صاحب الزمان

جان می کنم فدای تو، یا صاحب الزمان

(علی اصغر یونسیان)

۲. تو از تبار بهاری چگونه بی تو بمانم

شمیم عاطفه داری، چگونه بی تو بمانم

(حمید هنرجو)

۳. شکر خدا که با همه بی لیاقتی

دل های ماست جای تو یا صاحب الزمان

(علی اصغر یونسیان)

۴. یارب آن مونس جان محرم اسرار کجاست؟

و آن طبیب دل بی طاقت بیمار کجاست؟

(محمد رضا یاسری)

۵. دوباره جمعه شد ای آرمان هستی بخش

و بیت آخر شعرم تو را بهانه گرفت

(زهرا یعقوبی)

۶. بیا که باز دلم در غم تو زار گریست

و چشم طاقتم از درد انتظار گریست

(محمد رضا یاسری)

۷. ماکه عمریست جگر سوخته و دل سوخته ایم

تا در آیی تو ز در دیده به در دوخته ایم

(احمد نیک طلب)

۸. تقدیم می کنم سرو جان را ز فرط شوق

گر بشنوم صدای تو، یا صاحب الزمان

(علی اصغر یونسیان)



۹. بیا به **خانه دل‌ها** که در فراق تو دل را

نمانده است قراری، چگونه بی تو بمانم

(حمید هنرجو)

۱۰. حسرت‌م کشت که روی تو ببینم هیهات

چشم آلوده کجا، آن گل رخسار کجاست؟

(محمد رضا یاسری)

۱۱. **باز آ** که ملک جان ز فروغ تو خرم است

ای ماه من که روی تو خورشید عالم است

(محمود شاهرخی)

۱۲. پرده بگشای که مردم نگرانند هنوز

چشم در راه تو صاحب نظرانند هنوز

(مشفق کاشانی)

۱۳. از فراسوی شب تیره چو **خورشید** برای

که به سودای تو شوریده سرانند هنوز

(مشفق کاشانی)

۱۴. ای منتظر غمگین مشو، قدری **تحمّل** بیشتر

گردی بپاشد بر افق، گویی سواری می‌رسد

(مفتون امینی)

۱۵. یک جهانند گرفتار فراقش یا رب

آن **رهاننده** این جمع گرفتار کجاست؟

(محمد رضا یاسری)

۱۶. مشمول لطف حق نشود، آن کسی که نیست

مشمول او **دعای تو**، یا صاحب‌الزمان

(علی اصغر یونسیان)



۱۷. مگر ای اشک، تو پاکیزه کنی دامن چشم

ورنه این غرق گنه را ره دیدار کجاست؟

(محمدرضا یاسری)

۱۸. فانوس نگاهم را، آویخته‌ام بر در

من منتظرم؛ زیرا، گفتند تو می‌آیی

۱۹. ای آفتاب هستی، هستی ما فدایت

در سایه سار عشقت دل گشته مبتلایت

(محسن حافظی)

۲۰. ای دیده‌ها به راهت، ای قائم هدایت

تا کی کنم حکایت شرح غم جدایی؟

(اسماعیل نیک سرشت)

۲۱. وقتی بسان خورشید از گوشه‌ای برآیی

روشن شود جهانی وقتی که تو بیایی

(اسماعیل نیک سرشت)

۲۲. گر من تو را نبینم، رویدنم نباشد

بنما جمال خود را ای مظهر رهایی

(اسماعیل نیک سرشت)

۲۳. ماندم در انتظارت ای کوکب هدایت

بنما جمال خود را ای آیت خدایی

(اسماعیل نیک سرشت)

۲۴. در آتش دیدارت، می‌سوزم و می‌سازم

دل‌ها همه از کف شد، زین غیبت طولانی

(صبا فیروزکوهی)

۲۵. یک لحظه اگر بینم آن قامت سبز تو

دیگر نکنم شکوه، از بی سر و سامانی

۲۶. کی از کنار بیت خدا می شود بلند

آن صوت جانفزای تو، یا صاحب الزمان

(علی اصغر یونسیان)

۲۷. دوستان را به جزا، آن که دهد عزت؛ کو؟

دشمنان را به سزا، آن که کند خوار؛ کجاست؟

(محمد رضا یاسری)

۲۸. من بی تو پریشانم، سرگشته و حیرانم

در کوچه یاد تو، ای نرگس بستانی

(صبا فیروزکوهی)

۲۹. ای دل بشارت می دهم خوش روزگاری می رسد

یا درد و غم طی می شود یا شهریاری می رسد

(مفتون امینی)

۳۰. اندیشه از سر ما مکن، سرمی شود دوران دی

شب را سحر باشد ز طی، آخر بهاری می رسد

(مفتون امینی)

۳۱. از عطر حضور تو شده یاس معطر

با لطف قدمهای تو هستی همه سوسبز

(فاطمه میرنجفی زاده)

۳۲. در اوج بلا و ستم و فتنه این دهر

ذکر لب ما یوسف زهراست، کجایی؟

(سید جواد میری)



۳۳. زیبایی این ملک فنا، جمله سراب است

تنها **خم ابروی** تو زیباست، کجایی؟

(سید جواد میری)

۳۴. ای آفتاب هستی، ای شور و عشق و مستی

بازاً بخوان کلامی زان **مُعجز الہی**

(اسماعیل نیک سرشت)

۳۵. ای دیدہ‌ها بہ راہت، ای قائم ہدایت

تا کی کنم حکایت شرح **غم جدایی**

(اسماعیل نیک سرشت)

۳۸. یک لحظہ اگر بینم آن قامت سبزتو

دیگر نکنم **شکوه**، از بی سرو سامانی

(صبا فیروزکوهی)

۳۹. سرو جانم بہ **فدای قدمت** مہدی جان

نظری کن بہ من دلشدہ ای یار بیا

(صبا فیروزکوهی)

۴۰. مشکلی نیست **محبان** تو را جز غم ہجر

عمر بگذشت و نشد حل بہ جہان مشکل ما

(محمد رضا حکیمی)

۴۱. ز **غم ہجر** تو افتادہ بہ جانم شری

نظری کن بہ من خستہ و بیمار بیا

(صبا فیروزکوهی)

۴۲. ہمہ شب **چشم بہ راہم** کہ زہہ بازایی

تا بگویم سخن عشق تو بسیار بیا

(صبا فیروزکوهی)



۴۳. ز فراق رخت ای یوسف کنعانی من

همچو یعقوب شدم طالب دیدار بیا
(صبا فیروزکوهی)

۴۴. چشم‌ها خسته مانده‌اند، خسته از انتظار تو

چشمه‌ها خشک و تشنه‌اند، تشنه چشمه سارتو
(سید حبیب حبیب پورا)

۴۵. یک بار اگر نگاه محبت به من کنی

فریاد شوق از دل، صد بار می‌کشم
(حبیب چایچیان)

۴۶. مهدی است آن که کینه و بغض و نفاق را

تبدیل بر محبت و **صلح و صفا** کند
(حبیب چایچیان)

۴۷. مهدی است آن که **پرچم اسلام** راستین

بر قلعه‌های محکم دشمن به پا کند
(حبیب چایچیان)

۴۸. مهدی است آن که **نهضت قرآن** به پا کند

مهدی است آن که نیک و بد از هم جدا کند
(حبیب چایچیان)

۴۹. بر مردم محروم و ستم‌دیده و رنجور

ای آن که تویی مونس و **غم‌خوار** کجایی؟
(محسن حافظی)

۵۰. **گلشن** شود از مقدم تو صحنه گیتی

ای گلشن دین را گل بی‌خار، کجایی؟
(محسن حافظی)

۵۱. ای منتقم خون شهیدان رہ حق

بنیان کن بنیاد ستمکار کجایی؟

(محسن حافظی)

۵۲. ای خدایی کہ بہ یعقوب رساندی یوسف

این زمان یوسف من نیز بہ من بازسان

(شہریار تبریزی)

۵۳. نہ! این بہار نیست، وقتی تو نیستی

این برگ و بار نیست، وقتی تو نیستی

(حمیدرضا شکارسری)

۵۴. بی تو جان آشنا ندارد هیچ

در دہامان دوا ندارد هیچ

(عباس نادری)

۵۵. بی تو ہر لحظہ ہر روز، دعایم این است

کاش، ای کاش شود جادہ چراغانی تو

(علی اصغر سیدآبادی)

۵۶. شعرہایم کہ نخواندم، ہمہ تقدیم تو باد

حرفہایم کہ نگفتم ہمہ ارزانی تو

(علی اصغر سیدآبادی)

۵۷. این باغہا در انتظار باغبان است

گلہا ہمہ محتاج تیمارند، برگرد

(عباس رسولی)

۵۸. ہمہ هست آرزویم کہ بینم از تو رویی

چہ زیان تو را کہ من ہم، برسہم بہ آرزویی

(رضوان شیرازی)



۵۹. ز دستهای تو گویی **بهار** می‌روید
گل و شکوفه هزاران هزار می‌روید
(زهرا رضوی)

۶۰. منتظر به **راه تو**، هفته ماه می‌شود
وعده می‌دهم به دل، رو به راه می‌شود
(سهیلا زرنندی)

۶۱. خوب من بیا و با حضور خود
شهر را پر از **نشاط و شور کن**
(عبدالرحیم سعیدی راد)

۶۲. عاقبت او **ظهـور** خواهد کرد
خاک را غرق نور خواهد کرد
(فاطمه سالاروند)

۶۳. آه، **سوگندی** می‌خورم ای دل
عاقبت او **ظهـور** خواهد کرد
(فاطمه سالاروند)

۶۴. بی تو دل درگرو ماتم بود
عصر آدینه سراسر غم بود
(محمد اسماعیل توسل)

۶۵. بیا باغ گل را، تجسم کنیم
گل عسکری را تجسم کنیم
(رضا اسماعیلی)

۶۶. امروز امیر الامراء، جز تو کسی نیست
بر ناله دل غیر تو **فریاد رسی** نیست
(انصاری قمی)

۶۷. تا بیایی منم ای دوست تو را **چشم به راه**
به امید گل رویت همه جا چشم به راه
(جواد جهان آرابی)

۶۸. بیا کہ بی تو دلم راحتی نمی یابد

بیا کہ بی تو ندارد دو دیدہ بینایی

(عراقی ہمدانی)

۶۹. آرزوی دل بیمار منی

صحتی، عافیتی، درمانی

(فخرالدین عراقی)

۷۰. خوشا دردی کہ درمانش تو باشی

خوشا راهی کہ پایانش تو باشی

(عراقی ہمدانی)

۷۱. خوشا چشمی کہ رخسار تو بیند

خوشا ملکی کہ سلطانش تو باشی

(عراقی ہمدانی)

۷۲. خوشا آن دل کہ دلدارش تو گردی

خوشا جانی کہ جانانش تو باشی

(عراقی ہمدانی)

۷۳. همی پویم بہ سویت گرد عالم

همی جویم تو را ہرجا، کجایی؟

(عراقی ہمدانی)

۷۴. ز عشقت عالمی پر شور و غوغاست

چہ دانم تا درین غوغا کجایی؟

(عراقی ہمدانی)

۷۵. شدم از عشق تو شیدا، کجایی؟

بہ جان می جویمت جانا، کجایی؟

(عراقی ہمدانی)

۷۶. شدم ز ہجر رخت بی قرار، مہدی جان

گُشد مرا غم این انتظار، مہدی جان

(ماشائے عابدی)

۷۷. بهار بی گل روی تویی صفاست یقین

چرا که بی تو نباشد بهار، مهدی جان

(ماشالله عابدی)

۷۸. تویی که مظهر عدلی و داد و صلح و صفا

بقی و حجت پروردگار، مهدی جان

(ماشالله عابدی)

۷۹. بر آستانه چشمم بیا قدم بگذار

که جان به راه تو سازم نثار، مهدی جان

(ماشالله عابدی)

۸۰. بیا ز پرده غیبت برون که دشمن دین

کند ز صولت تیغت فرار، مهدی جان

(ماشالله عابدی)

۸۱. بیا که خصم زهرسون نموده حمله به دین

بیا که شیعه ندارد قرار، مهدی جان

(ماشالله عابدی)

۸۲. کاش که از وی خبری داشتم

بر سر کویش گذری داشتم

(ابوالفضل خلخالی)

۸۳. بی گل رویش همه روزم شب است

کاش که من هم سحری داشتم

(ابوالفضل خلخالی)

۸۴. تا به کی ای گوهر دین از صدف بیرون نیایی

ناخدا شو، کشتی دین خدا را رهبری کن

(محمدعلی مجاهدی)

۸۵. هر صبح جمعه ندبه کنان در دعای صبح

از کردگار خویش تمنا کنم تو را

(سید رضا موید)



۸۶. مهر تو را به هستی عالم نمی‌دهم

این **افتخار من** بود و انتخاب من

(سید رضا موید)

۸۷. نوش دارویی که درد ما کند **درمان** کجاست؟

بی سرو سامانی این قوم را سامان کجاست؟

(حسین کلاهی)

۸۸. یک شب اگر از غیب **نمایی رخ زیبا**

در پای تو ریزم به شادی سرو جان را

(محمد حسین کسرائی)

۸۹. بیا بیا که حضور تو مرده زنده کند

ز آسمان به زمین آورد **مسیحا** را

(فیض کاشانی)

۹۰. کی رفته‌ای ز دل که **تمنا کنم** تو را

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را

(فروغی بسطامی)

۹۱. غیبت نکرده‌ای که شوم **طالب حضور**

پنهان نگشته‌ای که هویدا کنم تو را

(فروغی بسطامی)

۹۲. یک عمر میزبان غمت بوده‌ام، تو هم

یک شب به **میهمانی** چشم ترم بیا

(محمد جواد غفورزاده)

۹۳. عمر عالم خواهد آمد بر سر، اما تا به حشر

مادر گیتی نخواهد زاد **همتای تو** را

(محمد علی فتی)

۹۴. بیا که دیده به راه تو شد سپید مرا

بیا که جان ز **فراقت** به لب رسید مرا

(علی مرادی)



۹۵. عمری به آرزوی **وصالِ تو** سوختیم

با یاد آفتاب جمال تو سوختیم

(عباس خوش عمل)

۹۶. به خدا از دل من **مهر تو** بیرون نرود

تا به گیتی اثر از نام و نشان است مرا

(سید محمد خسرو نژاد)

۹۷. آرزوی سرکوی تو به **جنت** ندهم

که سرکوی تو بهتر از جنان است مرا

(سید محمد خسرو نژاد)

۹۸. **نقش دل** گشته چنان نام تو کز اول عمر

تا دم دادن جان ورد زبان است مرا

(سید محمد خسرو نژاد)

۹۹. در این دیار غم فرا که جان به لب رسیده است

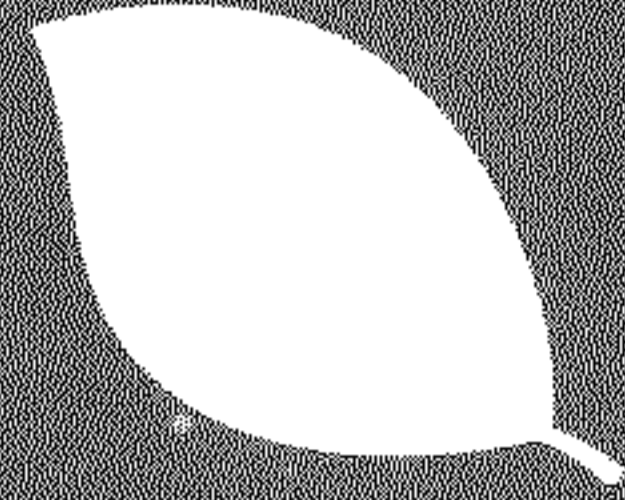
تو ای **گره گشا** بیا گره گشا ز کار من

(اکبر حمیدی)

۱۰۰. عمری به انتظار نشستیم، **نیامدی**

چشم از همه به غیر تو بستیم نیامدی

(سید محمد خسرو نژاد)



بخش پنجم

مسابقه تشخیص کلمه محذوف



در این مسابقه که در سه مرحله (تشخیص کلمه محذوف در ۳، ۴ و ۵ بیت) تهیه گردیده است، ابتدا مربی ابیاتی را می‌خواند که در هر بیت یک کلمه حذف گردیده و در پایین صفحه کلماتی نوشته شده که شرکت‌کنندگان باید با مطالعه دقیق ابیات، کلمه مناسب را از میان کلمات نوشته شده در پایین صفحه پیدا نمایند و در جای خالی مناسب هر بیت بگذارند؛ هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند سریع‌تر، کلمه مناسب را تشخیص دهد، امتیاز آن بخش از مسابقه را دریافت می‌نماید.

نکته ۱: از آنجایی که این مسابقه در سه قسمت (تشخیص کلمه محذوف ۳، ۴ و ۵ بیتی) طراحی شده است، لذا مربی می‌تواند متناسب با زمان موجود، چند بیت از قسمت ۳ بیتی و چند بیت از قسمت ۴ بیتی و چند بیت از قسمت ۵ بیتی را انتخاب نماید و اگر زمان محدود باشد می‌تواند از هر قسمت، فقط یک بیت جهت اجرای مسابقه انتخاب نماید.

نکته ۲: بهتر است جهت آشنایی بیشتر شرکت‌کنندگان با روش مسابقه و راحت‌تر بودن انجام مسابقه، ابتدا از اشعار ۳ بیتی - که کمتر هستند - استفاده نمود و بعد ۴ بیتی و سپس ۵ بیتی. مثلاً اگر مربی می‌خواهد ۵ سوال از این قسمت مسابقه طراحی نماید، می‌تواند دو سوال از اشعار ۳ بیتی و دو سوال از اشعار ۴ بیتی و یک سوال از اشعار ۵ بیتی انتخاب نماید.

مسابقه تشخیص کلمه محذوف در ۳ بیت

(شماره ۱۵)

بیت ۱: باز آقرار دل که به دل ها قرار نیست

داغی به سینه سخت تر از نیست

بیت ۲: هر چند در فراق تو یک چند زنده ایم

دوران انتظار به جز نیست

بیت ۳: از بس که بی تو تیره شده روزگار ما

فرقی میان مغرب و نیست

لیل و نهار

انتظار

احتضار

(شماره ۲)

بیت ۱: عمرم با ناله یا ابن الحسن طی شد دریغا
..... ما، صاحب ما، راهنمای ما نیامد
بیت ۲: در آن نفس که بمیرم در..... تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
بیت ۳: از ازل آغشته اند، آب و گلم را با.....
مادرم با مهر تو، در دامن خود داده شیرم

آرزوی

ولایت

منجی

(شماره ۳)

بیت ۱: خطی بزن به دفتر.....
ای آخرین ستاره روشن، ظهور کن^۱
بیت ۲: ظهورت می کند زیبا، زمین و آسمان ها را
بیا از پرده غیبت برون، ای ماه.....
بیت ۳: همیشه این دل تنها، هوای روی تو دارد
بس است..... خدا کند که بیایی^۲

شب های انتظار

فصل جدایی

خوش سیما

.....
۱. مجتبی تونه‌ای.
۲. همایون علی دوستی.

(شماره ۴)

بیت ۱: ممکن امروزو فردا درظہورت، ای کہ می دانی

پناہ ما بہ امروزی، ما بہ فردایی^۱

بیت ۲: ظالم جسورگشته و مظلوم بی پناہ

کی عدل خویش را بہ جہان کنی^۲

بیت ۳: ای جلوہ گاہ قرآن، ای چلچراغ ایمان

حیف از تو، گر برد نام ہر کس ندارد^۳

امید

وضو

پاسبان

(شماره ۵)

بیت ۱: روزها نو نشدہ، کهنہ تراز دیروز است

گر کند یوسف زہرا نظری است

بیت ۲: زیر لوای علی صف کشیدہ ایم

..... مہدی آل محمدیم

بیت ۳: کرم کن مہدیاد در خدمت خود

نصیب و روزی ما کن^۴

کربلا

چشم انتظار

نوروز

۱. حسان.

۲. همو.

۳. همو.

۴. گرد آورندہ: صالح.

(شماره ۶)

بیت ۱: عشق پرسید چرا همه برپا شده است
همه گفتند که است هویدا شده است
بیت ۲: از این تنگ من منی ها
ببر ما را به دشت روشنی ها
بیت ۳: به قرآن، بی تو احساسی غریبیم
در این دنیای آدم

بن بست

مهدی

آهنی ها

(شماره ۷)

بیت ۱: خوب است ما هم مثل باران حس بگیریم
هر شب سراغی از بگیریم
بیت ۲: هر لحظه تو مرا می بینی
آئینه اقبال مرا می بینی
بیت ۳: می میرم و زنده می شوم از

احوال

گل نرگس

خجلت

(شماره ۸)

بیت ۱: مهديا ما بی قرار

تابه کی درانتظار و اضطرار

بیت ۲: مهديا ای واقف اسرار دل

در فراقیت بیقراری

بیت ۳: مهديا عالم شد

شعله عدل و مروت دود شد

کار دل

فساد آلود

شیعیان

(شماره ۹)

بیت ۱: مهديا منتظرانت همه در تاب و تبند

همه جمله گرفتار شبند

بیت ۲: آقا بیا تا با ظهور چشم هایت

این چشم های ما کمی بگیرد

بیت ۳: یک نفر فردا، زمین را نور باران می کند

مهدي ما تا ابد نمی ماند عزیز

پنهان

اهل جهان

تقوا

.....
۱. علی افشاری.

(شماره ۱۰۵)

بیت ۱: هرچه کردم نشوم علت او، باز نشد

بارها من دل زهرایی او را ز گناهم خستم

بیت ۲: ما بی تو تا دنیا است، دنیایی نداریم

چون سنگ و غوغایی نداریم

بیت ۳: شیعه یعنی روزهای انتظار

انتظار آن نگار

روی ماه

خاموشیم

رنجیدن

مسابقه تشخیص کلمه محذوف در ۴ بیت

(شماره ۱۵)

بیت ۱: ای صفا بخش و شفا بخش دل و جان همه

ای طبیب همه ای درمان همه

بیت ۲: چه شود عقده بگشایی ای دوست

از پس پرده غیبت به در آیی ای دوست

بیت ۳: از دشمنت ای دوست شنیدن تاکی

به بدن پیرهن صبر دریدن تاکی

بیت ۴: ما که نادیده تو را طالب شدیم

به کمند سر زلف تو گرفتار شدیم^۱

دیدار

دلها

طعنه

داروی

.....
۱. غلامرضا سازگار.



(شماره ۲۵)

بیت۱: با تو ما را دیدار باد

هرکجا هستی خدایت یار باد

بیت۲: سپری می شود این ظلم، عدو می بازد

می رسد آن که خداوند بر او

بیت۳: خدا کند که مرا با خدا کنی آقا

ز قید و بند جدا کنی آقا

بیت۴: تو که یک گوشه چشمت ببرد

حیف باشد که تو باشی و مرا غم ببرد

خوشترین

می نازد

غم عالم

معاصی



(شماره ۳)

بیت ۱: اگر دلهايمان تاريك و ظلماني نمي گرديد

..... هم عيان مي گشت و پنهان نمي گرديد

بیت ۲: همه گویند این جمعه بیا، اما درنگی کن

از اینکه باز شود تکرار می ترسم

بیت ۳: پیچیده شمیمت همه جای گل نرگس

چون که درش گم شده باشد

بیت ۴: شکسته بال عروجم ز

خدا کند که نیفتم ز دیدگان سیاهت

عاشورا

امامت

شیشه عطری

تیرهای معاصی

(شماره ۴۵)

بیت ۱: چه خوش است شود از رخ تو روشن

چه خوش است گوش ما را بنوازی از بیانت

بیت ۲: علم بی حد نبی، زهد عجیب علوی

خلق نیکوی حسن، زهراداری

بیت ۳: تو که بال رحمت بر سر ما فکنده سایه

ز چه رو نهانی از ما، به کجاست؟

بیت ۴: ماه در پیش رخ ماه تو، می‌گردد زشت

..... سرافکننده ز حسنی که تو زیباداری ۱

عصمت

آشیانت

دیده ما

گل

.....
۱. حسان.



(شماره ۵)

بیت ۱: من آلوده کجا، جلوه دلداری کجا

ای دل بده، خواهش بیجا داری

بیت ۲: حکم تو و فرمان داور است

حاجت نباشد به شهود و محاکمه

بیت ۳: به دست تو شود باز درست

ای که در پنجه مهر تو دلم چون موم است

بیت ۴: ای تیر نگاهت به دل زار کجایی؟

ای روی گلت تار کجایی؟

عدل مطلق

شمع شب

دل بشکسته

انصاف

۱. محمد سهرابی.

(شماره ۶)

بیت ۱: غائب ز نظر هستی و هم

در ابر نهان، مهر جهان تاب تویی تو

بیت ۲: کرده دیوانگی عشق، مرا، شهره شهر

شهریارا، دل ما را نبود

بیت ۳: در جوانی شده ام از غم این دوران

لیکن از عشق تو ای یار نمی گردم سیر^۲

بیت ۴: ای طبیب شفا بخش دلها، بیا

ای تسلی ده

طاقت قهر

بیر

حاضر دائم

قلب زهرا

.....
۱. حسان.

۲. همو.

۳. همو.



(شماره ۷)

بیت ۱: کی مژدہ تو یاران به ہم دهند

کی رو به سوی کوی تو یابن الحسن نهند

بیت ۲: ندارد زندگی بی تو ای کعبه دلها

تو خود بهر فرج بنمادعا ای کعبه دلها

بیت ۳: مہدی بیاکہ بی تو، عالم صفا ندارد

باز آکہ بی تو نور و ضیا ندارد

بیت ۴: صاحب زمان کجایی، پس کی فرج نمایی؟

عجل علی ظہورک ای یار

صفا

خورشید

ظہور

غم کشیدہ

۱. سید محمد تقی مداح.



(شماره ۸)

بیت ۱: چیست دل چسب‌ترین حاجت ما از زهرا

جمعه‌ای با پسرش صحن

بیت ۲: برات نوشتم، همه مونده روی دستم

به کجا برات فرستم، در کجا برات بخونم؟^۱

بیت ۳: او که آمد زندگی رنگی گرفت

شاخه‌های خشک دین، گرفت^۲

بیت ۴: امضاء، دو چشم خیس ودلی در هوایتان

دیوانه‌ای که لک زده برایتان

برگی

قلیش

نامه‌ها

ابا عبدالله

.....
۱. سید محمدرضا محرمی.

۲. سارا نظری.



(شماره ۹)

بیت ۱: ای یوسف عزیز چو صبح و شام

چشمم به کوی توست که پیدا کند تورا

بیت ۲: عالم همه جسم است و تو جانی مهدی

یعنی تو همان مهدی

بیت ۳: خدا کند که بیاید که نیامد

و کوچہ کوچہ بنام به عابری کہ نیامد

بیت ۴: این یک حقیقت است کہ بی تو بہار من

باید زمان را خزان نوشت

جان جهانی

مسافری

چهار فصل

یعقوب

.....
۱. سید جواد طباطبائی.



(شماره ۱۰)

بیت ۱: گرچه با موجب آزار توایم

گل نرگس نظری، ما ہمگی خار توایم

بیت ۲: تقصیر شمانیست کہ تصویر شمانیست

من آینه پر شده از

بیت ۳: بی تو من آخر هفته به خدامی میرم

حال و احوال دلم تماشا دارد

بیت ۴: کوچہ کوچہ نہ، تو را

سالیانی ست جستجو کردیم

گرد و غبارم

جمله

دست و زبان

خانه، خانه

مسابقه تشخیص کلمه محذوف در ۵ بیت

(شماره ۱۵)

بیت ۱: هرآنکس منظرش باشد

ز خوبان جهان کی می برد نام^۱

بیت ۲: بیا تا جوانم بده رخ نشانم

که این زندگانی ندارد

بیت ۳: به دل عمری مرا این هست

که بینم سیر رخسار نکویت^۲

بیت ۴: به قدر بی نهایت دوست دارم

تو را ای ساحل رهایی^۳

بیت ۵: طلب نما ز خالق جهان را

به سررسان به شیعیان، زمان انتظارها^۴

ظهور خویش

روی تو

آرزو

صفایی

سبز

.....
۱. محسن طالعی نیا.

۲. یونسیان.

۳. حسین منزوی.

۴. سید محمد حسین صادقی.



(شماره ۲۵)

بیت ۱: خیالت، میزبان خاطر هست

خودت هم، لحظه‌ای من باش^۱

بیت ۲: تمام دشت یکسر است

گل نرگس تو را چشم انتظاریم^۲

بیت ۳: شود پرسینه هر آدینه از

نشد فارغ دمی این سینه از آه^۳

بیت ۴: به امیدی که دلبر رخ نماید

نگه بر دارم ای دل^۴

بیت ۵: ندارم تاب انتظارش

خدایا انتظارم کی سرآید^۵

آه

لاله زار

حلقه در

مهمان

درد

.....
۱. صراف غفاری.

۲. علیرضا قزوه.

۳. سید حسن ثابت محمودی.

۴. عباس براتی پور.

۵. قربانعلی اجلی.

(شماره ۳)

بیت ۱: تو چون ماهی ولی گاهش نداری

تو خورشیدی ولیکن^۱

بیت ۲: ای معنی، مفہوم حضور

هر جمعہ به جمعہ ما تورا منتظریم^۲

بیت ۳: تو کہ درکشور دل ها^۳

چرا آخر سراغ ما نگیری

بیت ۴: گلی دارم از او جان ها معطر

ولی از دوریش دل ها^۴

بیت ۵: مکن ردم کہ این عبد سیه رو

..... سپاه توست مهدی^۵

سیاهی

بن غروبی

مکنر

امیری

انتظار

.....
۱. قیصر امین پور.

۲. حسین عبدی.

۳. ابیات ۲، ۴ و ۵: سید محمد تقی مداح.

(شماره ۴)

بیت ۱: بر مشامم می رسد هر لحظه بوی انتظار

بر دلم ترسم بماند آرزوی

بیت ۲: دلی که نشد خانه

خراب است و ویران، صفایی ندارد

بیت ۳: هزار فدای یک نگهت

بیا که این دل من را صفا دهد قدمت

بیت ۴: تا یاد تو گرفته فضای دل مرا

کی یاد خلد و نعمت کنم؟

بیت ۵: به جان عمهات زینب به حق مادرت زهرا

فقیر را مران از درگهت مولا

باغ جنان

وصل یار

یوسف مصری

روسیاht

یاس نرگس

.....
۱. بیت ۵: غلامرضا سازگار.



(شماره ۵)

بیت ۱: یاران کنید که دلدار می رسد

خورشید از درون شب تار می رسد

بیت ۲: سخت از کردار ما بود قلب تو خون

سدّ بین ما و تو شد زشتی کردار ما^۱

بیت ۳: انبیاء همه امروز دست توست

دارای فضل و مکرمت اولیاء تویی^۲

بیت ۴: امروز قطب امکان تویی و بس

در ملک دین شهنشہ صاحب لوا تویی^۳

بیت ۵: هر که در مزرع دل بذرو لای تو نکاشت

حاصلش روز جزا شرم و باشد^۴

دعا

زشت

اعجاز

ندامت

عالم

۱. علی اصغر یونسیان.

۲. عباسعلی (موزون) اصفهانی.

۳. همو.

۴. سیدرضا مؤید.

(شماره ۶)

بیت ۱: عمرم به انتظار پیایی گذشت لیک

ترسم که نشنوم سخن تو^۱

بیت ۲: سخت است برای من ای که روز و شب

بینم تمام خلق جهان را سوای تو^۲

بیت ۳: روزی که دست خلق به هر سو، بُود دراز

دست من است و و عطای تو^۳

بیت ۴: بی حبّ تو، جهان همه بُود مرا

پس وای بر کسی که ندارد ولای تو^۴

بیت ۵: گر عمر باشدم از زندگی چه سود

کی می شود که دیده ببیند لقای تو^۵

دامن لطف

دلربای

مه تابان

نوح

دوزخ

.....
۱. سید علی شجاعی.

۲. همو.

۳. همو.

۴. همو.

۵. همو.



(شماره ۷)

بیت ۱: تو روح سبز صفایی، خدا کند که بیایی

شکوه عشق و خدا کند که بیایی^۱

بیت ۲: همیشه این دل تنها، هوای روی تو دارد

بس است خدا کند که بیایی^۲

بیت ۳: تا که در مجمع تو جایی دارم

به یقین پیش خداوند بهایی دارم^۳

بیت ۴: فردای بی تو آینه دار سیاهی است

فردای باتو، به معنای دیگری ست^۴

بیت ۵: با هر غروب جمعه دلم زار می زند

چشم انتظار دیگری ست^۵

عشق

وفایی

طلوع سبز

فصل خدایی

جمعه زیبای

.....
۱. همایون علیدوستی.

۲. همو.

۳. علی اصغر یونسیان.

۴. همو.

۵. همو.

(شماره ۸)

بیت ۱: گفتی کہ پاک کن دلت از هرچه غیر ماست

قلبم به احترام تو شد بیما^۱

بیت ۲: گاهی اگر دعای فرج کارگر فتاد

شد مانع فرج بی شمار ما^۲

بیت ۳: بُود چشم امید من به لطف بی کران او

ولی آیدم ز آلوده دامانی که من دارم^۳

بیت ۴: خوش ترین لحظه عمر من افتاده زپا

آن زمان است که مولا به تو^۴

بیت ۵: تا به داد دل ما، مهدی زهرا نرسد

دردی از جامعه ما به نرسد^۵

می اندیشم

نظیر

شرم

مداوا

گنه

.....
۱. محمد جواد غفورزاده.

۲. سید رضا موید.

۳. محمدرضا براتی.

۴. سیدرضا موید.

۵. ژولیده.

(شمارہ ۹۵)

بیت ۱: ماکہ بردرگہ تو..... به گوشیم چو در

نگشایی به روی ما در احسان تا کی؟^۱

بیت ۲: گرم..... تو آید به دست فرق ندارد

که پایدار بمانم و یا به دار بمیرم^۲

بیت ۳: من غرق در گناهم، کی می کنی.....

بر عکس چشم هایم چشمی صبورداری^۳

بیت ۴: غافل مباش لحظه ای از آن عزیز جان

در لیل و نهار، بخوان^۴

بیت ۵: جمال روشن آن ماه پشت پرده غیبت

کدام جمعه برون از خواهد شد؟^۵

حلقه

رضای

نگاهم

حجاب

دعای فرج

-
۱. موسی پور.
 ۲. سیدرضا موید.
 ۳. سید عباس سجادی.
 ۴. غلامرضا سازگار.
 ۵. محمدجواد غفورزاده.

(شماره ۱۰)

بیت ۱: دیدہ اہل زمین و آسمان درانتظارند

گر.....عالم کون و مکان می شد، چه می شد؟!^۱

بیت ۲: دیگر برای شیعه.....نمانده است

ای داد خواه و منجی اہل ولا بیا^۲

بیت ۳: با تمام هستی خود با تو سودا می کنم

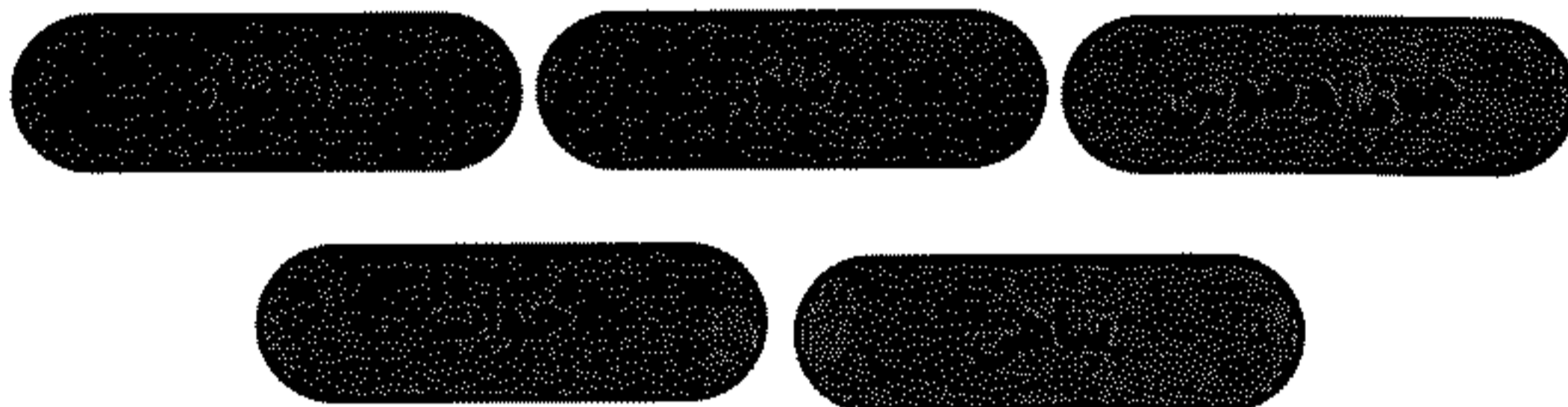
عہد خواہم بست و زیر عہد.....می کنم^۳

بیت ۴: چون ما اسیر..... شدیم

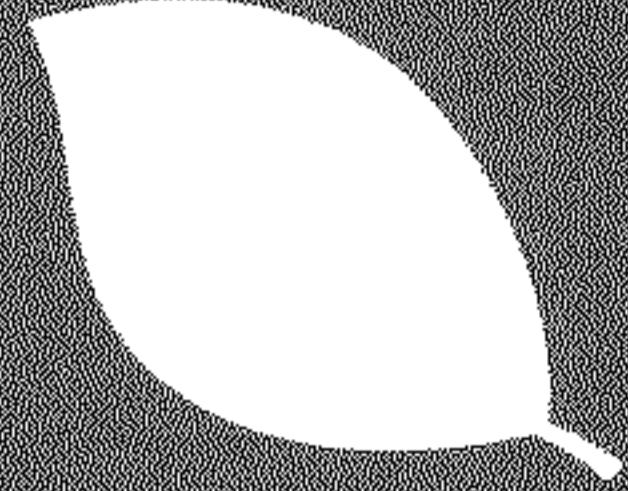
محروم از زیارت آن دادرس شدیم^۴

بیت ۵: گذشت عمر و ندیدم تو را بہ بیداری

کرامتی کن و امشب مرا بہ..... بیا^۵



۱. غلامرضا حقیقی.
۲. محمد آزادگان.
۳. علی اصغر یونسیان.
۴. همو.
۵. غلامرضا سازگار.



بخش ششم

مسابقه توضیح اشعار مهدوی



در این مسابقه از ابیاتی استفاده شده است که تقریباً دارای کلمات مشکل از لحاظ معنایی می‌باشند و به هر کدام از شرکت‌کنندگان یک بیت داده می‌شود تا معنای صحیح آن بیت را بگویند. هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند به درستی معنای کامل آن بیت را بگوید (۱۰) امتیاز و اگر ناقص بگوید (۵) امتیاز می‌گیرد.

نکته ۱: ترجمه بعضی از کلمات مشکل نیز در آخر همین بخش آمده که شرکت‌کنندگان می‌توانند در صورت نیاز به آن مراجعه نمایند.
 نکته ۲: این مسابقه در دو بخش (توضیح اشعار تک بیتی و دو بیتی) تنظیم گردیده که مربی می‌تواند به تناسب وقت مسابقه، ابتدا یک یا چند بیت را از بخش اشعار تک بیتی انتخاب نماید و پس از آن یک یا چند بیت هم از بخش اشعار دو بیتی انتخاب کند.

مسابقه توضیح اشعار در یک بیت

- | | |
|---|---|
| ۱. در غم هجران مهدی ناله‌ها پیوسته دارم | غیر مهراو ز دل مهر دگر بگسسته دارم |
| ۲. بیا که داغ فراق تو نخل جانم را | بسوخت ای پسر بو تراب مهدی جان |
| ۳. بنیان کن کاخ ذلت و استعمار | شایسته تخت شهریاری مهدی است |
| ۴. خون شد ز هجر روی تو قلب فکار من | باری نگر به عشق تو قلب دچار من |
| ۵. ای مظهر لطف و هم عنایت مهدی | روشنگر مصباح هدایت مهدی |
| ۶. بگذار نماند این الم ناگفته | حالم بود از غم تو بس آشفته |
| ۷. هر صبح و مسا، ز دوریت می نالم | چون نیست دگر صبر و قرارم ای دوست |
| ۸. خموش، محفل اهل ولا بود بی تو | به هوش، خصم سراپا جفا بود بی تو ^۱ |
| ۹. حُسن عسکری دارد، پسری چون مهدی | که دهد سامان، این گیتی بی سامان را ^۲ |
| ۱۰. پرچم کفر و ضلالت را نماید سرنگون | هادم بنیاد شرک و فتنه و کین می رسد |
| ۱۱. تو ای مولای عالم، مهدی دین حامی قرآن | نقاب افکن زرخ، زیرا ز هجرت بس نوادارم |
| ۱۲. ای پادشه جن و بشر، خسرو خوبان | وی بر همه کس مهتر و مولا به کجایی؟ |
| ۱۳. العجل ای صاحب دین مبین | العجل ای سبط خیر المرسلین |
| ۱۴. تو غایب نیستی، مهجور مائیم | دریغا علتش تقصیر ما شد |
| ۱۵. هجرت ای شه، آتشی بر جان ما افکنده است | ناجی درماندگان ای شاه خوبان العجل ^۳ |
| ۱۶. حجة بن الحسن یا صاحب الزمان | یا دافع المحن الغوث و الامان ^۴ |

.....
۱. ۱ تا ۸: محمد شائق قمی.

۲. علی اکبر پیروی.

۳. حاج اعظمی.

۴. علی اصغر یونسیان.

از یار بماندیم و به مقصد نرسیدیم^۱
 در راه تو از غیر خیال تو رهیدیم^۲
 پراز «عَجَل» پراز «أَمْنٌ يُجِيبُ» است
 رهبر دادیار می آید^۳
 در عزای سبط پیغمبر، امام غائب است^۴
 و آن عدالت مدار می آید^۵
 که ز ره غم گسار می آید
 میر والا تبار می آید
 سوز دل ما، جز تو خریدار ندارد
 چون من به باغ، واله و شیدانمی شود^۶
 ای گل عذار، بی تو مصفا نمی شود^۷
 بی تو لیل و نهار بی معناست^۸
 حاصلش روز جزا، شرم و ندامت باشد^۹
 بینم تمام خلق جهان را سوای تو^{۱۰}

۱۷. افسوس که عمری پی اغیار دویدیم
 ۱۸. ما چشم به راهیم به هر شام و سحرگاه
 ۱۹. تمام لحظه هایم بی حضورت
 ۲۰. بر سریر مقدس قرآن
 ۲۱. آن که ریزد از رواق دیده، اشک غم مدام
 ۲۲. آن بهین عدل گستر گیتی
 ۲۳. غم مخور، ای اسیر بند مَحَن
 ۲۴. کن چراغان سرای دل که ز راه
 ۲۵. ما سوته دلان، جمله خریدار تو هستیم
 ۲۶. دیوانه ام ز عشق تو آن سان که عندلیب
 ۲۷. در سر، هوای کوی تو دارم که باغ جان
 ۲۸. جلوه کن آفتاب پرده نشین
 ۲۹. هر که در مزرع دل، بذر ولای تو نکاشت
 ۳۰. سخت است بر من ای مه تابان، که روز و شب

۱. میرزای نوغانی خراسانی.

۲. همو.

۳. امین کاظمی.

۴. محمد علی عارفچه اصفهانی.

۵. محسن حافظی.

۶. محمد حسن صفوی پور.

۷. همو.

۸. غلامحسین فحیمی.

۹. سید رضا مؤید.

۱۰. سید علی شجاعی.

محب اهل ولایی، خدا کند که بیایی^۱
 مده به دست کسی دیگری زمامم را^۲
 جمکران یک قطعه از **خلد برینی**^۳
 کی رشته **ولای** تو از دل بریدنی است
 همچنان **خار مغیلانم**، نمی آیی چرا؟
 ز هم دوریت پیوسته مشتاقانه می سوزم
کحل بصر، خاک کف پای توست
 ای صاحب عصر و زمن، مهدی بیا، مهدی بیا
 ای رهبر غمخوار من مهدی بیا، مهدی بیا
 که این **سجیه** به غیر از شما نمی بینم
 با این چنین **مهابت** وفر، حیدری مگر^۴
 تا کی به نوحه اشک برانیم از **بصر**
 چون تو با نام گل زهرا **قرینی**^۵
 در زیر جرمم و هجرت، خمیده ام^۶
 گمان دارند این مردم، به تو ای دوست، منسوبم^۷
 یا مُذِلُّ الْأَشْقِيَا يَا بِنَ الْحَسَنِ

۳۱. زیشت پرده غیبت، سفر به جانب ما کن
 ۳۲. **زمام نفس** مرا تا ابد تو در کف گیر
 ۳۳. جمکران محبوب دل های غمینی
 ۳۴. هرگز بریده **حبل** ولایت ز دل مباد
 ۳۵. بی گل روی تو باشد گلستان زندگی
 ۳۶. چو از قید **هموم** دنیوی گردیده ام آزاد
 ۳۷. در دل بشکسته دلان جای توست
 ۳۸. اندر سر راه تو من، نشسته ام با صد **مخن**
 ۳۹. ای سید و سالار من، ای حجت **دادار** من
 ۴۰. نمی کنی ز مراعات حال ما غفلت
 ۴۱. ای آن که ذوالفقار علی، دستیار توست
 ۴۲. تا کی دعای ندبه بخوانیم جمعه ها
 ۴۳. جمکران عشقت درون سینه دارم
 ۴۴. پشتم دو تا شده است ز سنگینی دوبار
 ۴۵. مرا رسوا مکن، بر خویشان **منسوب** کن، زیرا
 ۴۶. **یا معز الاولیاء یا بن الحسن**

۱. عباس حداد کاشانی.
۲. علی اصغر یونسیان.
۳. حبیب الله ابن احمد.
۴. حسان.
۵. حبیب الله ابن احمد.
۶. علی اصغر یونسیان.
۷. همو.

ما را رها کن زین **فِتْن**، یابن الحسن، یابن الحسن
 تو گر پشت و پناه من نباشی، سخت مغلوبم
 این روسیه را کن **بحل**، یابن الحسن، یابن الحسن
 شوق وصلت را نصیب این دل **مہجور** کن
 بیا و در صف عشاق خویش جایم کن
 سپس آن راز **ماء عذب** عشق خویش **مشحون** کن
 ای مہر تو بہ روز جزا، برگ و بار من
 پس بہ دست خویش آن ویرانہ را **معمور** کن
 آید زمان خاتمہ **اضطرار** من
 مباد **طرفہ العینی** شوم جدا از تو
 ہان مشوراضی، دہد **ہجران** تو آزار من
حایل شدہ بین ما و تو سدّ گناہ
 ز موج ہای فتن، شیعہ را رہایی دہ
 کجا **منفک** شویم از تو، نور چشم ما ہستی
أَيْنَ مُؤَلَّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا؟
أَيْنَ الْمَضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَى؟
أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى؟
 عزیز عَلَیَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَ لِأَثْرَى
أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ؟

۴۷. ای منجی ہر مرد و زن، غرقیم در بحر **محن**
 ۴۸. چو با شیطان و بانفس و ہوا درگیر می گردم
 ۴۹. مہر تو را دارم بہ دل، از تو ولی ہستم **خَجَل**
 ۵۰. **حَبِّ دُنْيَايَ دُنِي** را از دل من دور کن
 ۵۱. مرا اگرچہ نباشد **محلّی از اعراب**
 ۵۲. بیا و ظرف دل را از **ولای** غیر، خالی کن
 ۵۳. بی زاد و توشہ چون سفر آخرت کنم
 ۵۴. زیر و رو کن این دل پابند بر **اغیار** را
 ۵۵. **امن یجیب** خواندم و دارم بسی امید
 ۵۶. **ولای** تو شدہ با جسم و جان من **ممزوج**
 ۵۷. ای **مغیث** شیعیان یا مہدی صاحب زمان
 ۵۸. تو **ماء معین** و ما ہمہ تشنہ **وصل**
 ۵۹. تویی **سفینہ ناجی** و خلق در گرداب
 ۶۰. نگردد نور از چشمان سالم، لحظہ ای **منفک**
 ۶۱. ہر بندہ ای مضطرب، ہر مؤمنی مبتلا
 ۶۲. می گوید و می بارد خون جای اشک از **بصر**
 ۶۳. تا کی بگویم خدا، مہدی زہرا کجاست
 ۶۴. **توتیای** دیدہ ام خاک کف پای تو
 ۶۵. کو منتقم خون مظلومین روزگار

 ۱. آیات ۴۷ تا ۶۵: علی اصغر یونسیان.

نکنم روی التجا به کسی^۱
 دشمنان را به سزا، آن که کند خوار، کجاست؟^۲
 و آن که درهم شکنند، شوکت اشرار کجاست؟^۳
 که تو را جایگه ای سرور **احرار**، کجاست؟
 تحت **لَوای** مهدی آل محمدیم
 مهدی صاحب الزمان آمد، خوش آمد
 حب تو از همه عالم بگند شاد و ترم^۴
 تو خورشیدی ولیکن بی غروبی^۵
 به ناله های سحرگاه **بو تراب** بیا^۶
 به مشرکین فریاد **تُرُلْ مَن تَشَاء** بزن^۷
حُسن حسنین است در آن قامت رخسار^۸
 یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور^۹
 گرابر گناهان رود آن ماه توان یافت^{۱۰}

۶۶. جز تو، ای **ملجاء** زمین و زمان
 ۶۷. دوستان را به جزا، آن که دهد عزت، کو؟
 ۶۸. آن که ویران کند **ابنیه** شرک و نفاق
 ۶۹. کاش دائم من دل سوخته نامه سیاه
 ۷۰. ما را به عالمین، همین افتخار بس
 ۷۱. مهدی موعود، مقصد و مقصود
 ۷۲. در همه عالم اگر دوست نباشد به برم
 ۷۳. تو چون ماهی، ولی کاهش نداری
 ۷۴. به دردهای به حیدر نگفته زهرا **ع**
 ۷۵. به مؤمنین اعلان **تُعِزُّمَن تَشَاء** نما
 ۷۶. احمد رُخ و حیدر صفت و فاطمه رفتار
 ۷۷. دیده روشن می شود از **وصل** جانان غم مخور
 ۷۸. جز پرده **عصیان**، نبود **حایل** دیدار

.....
 ۱. محمد علی صفری.

۲. محمدرضا یاسری.

۳. همو.

۴. هاشمی.

۵. قیصر امین پور.

۶. غلامرضا سازگار.

۷. همو.

۸. حسان.

۹. همو.

۱۰. همو.

اشکم بود از درد فراق **متقاطر**^۱
دیگر از اشک و نی ناله نباشد اثرم^۲
بی تو هر جا نگرم، یکسره باشد **گلخن**^۳
ای **صبانکھتی** از کوی فلانی به من آر
بیا بیا که ز هجرت تمام واله و **مضطر**
گفتا وصال دلبر، **عصیان** نمی پذیرد
به غیر اشک **متاعی** من **منیب** ندارم^۴

۷۹. مادل شده ایم و به ولایت **متظاهر**
۸۰. عاقبت **فعل** بد از چشم تو انداخت مرا
۸۱. دوری روی تو افکنده به دل شور و **مجن**
۸۲. از نهان بودن او نیست به دل صبر و قرار
۸۳. بیا بیا که دل شیعیان زغم شده پر خون
۸۴. گفتم حجاب و سلم، گشته هوای نفسم
۸۵. هزار بار توبه نمودم، هزار بار شکستم

.....
۱. محمد جواد صافی گلپایگانی.

۲. محمد جواد فارسی.

۳. هاشمی نژاد.

۴. ابیات ۸۳ تا ۸۵: همو.

مسابقه توضیح اشعار در دو بیت

شماره ۱:

شمس و قمر از روی تو گردیده منور
برجا، ز وجود تو بود ارض مدور
کن رنجه قدم، چهره نما جلوه‌گری کن
ای مهدی دین، حجت حق، میر مظفر

شماره ۲:

پشتم ز غم هجر تو خم گردیده
بردیده ز خاک قدمت گردیده
گریم همه دم چه بیم از آن که سفید
گردد ز فراق تو مرا گر دیده

شماره ۳:

من مهدویم ز صدق دل می‌گویم
پیوسته ره مقدسش را پویم
تا بلکه جمال دلربایش بینم
سایم به تراب مقدم او رویم

شماره ۴:

ذکر شده صبح و شام، مهدی مهدی
گویم بر خاص و عام مهدی مهدی
پیوسته بود ورد زبان و روحم
بالحم و دم و عظام، مهدی مهدی

شماره ۵:

ترسم در آرزوی تو عمرم به سر رسد
وز مرگ و نیستی ز برایم خبر رسد
در حیرتم چگونه به خاک سیه برم
این نخل حسرتی که بدون ثمر رسد

.....
۱. اشعار ۱ تا ۵: محمد شائق قمی.

شماره ۶:

خون شد دلم ز هجر لقای تو، مہدیا
ای جان عالمی، بہ فدای تو مہدیا
سازم تراب مقدم تو طوطیای چشم
بر دیدہ گر رسد کف پای تو مہدیا

شماره ۷:

مہر تو را نہادہ بہ دل کردگار من
ہر لحظہ وصف روی تو گردیدہ کار من
این عشق جاودان نبود منحصر بہ حال
باشد شہا ز روز ازل یادگار من

شماره ۸:

عشق تو درون سینہ ام جا دارد
مہر تو بہ قلب خستہ ماوا دارد
ہرگز نشود عشق و دگر مہر تو سلب
از قلب کسی کہ چون تو مولا دارد

شماره ۹:

ای حجت حق، مہدی دین ادرکنا
ای مظهر احکام مبین ادرکنا
کن رنجہ قدم بہ داد مظلومان رس
ای ہادم کاخ ظلم و کین ادرکنا

شماره ۱۰:

ای نور دو دیدہ، العجل الساعۃ
ای ماہ ندیدہ، العجل الساعۃ
باری نظری بہ قامت عشاقت
کز غصہ خمیدہ، العجل الساعۃ

شماره ۱۱:

ای مہدی صاحب الزمان ادرکنا
ای حجت حی لامکان ادرکنا
ای روشنی قلوب عشاق ہمہ
وی منبع لطف بی کران ادرکنا

شماره ۱۲:

شمس و قمر از نور جمال تو خجل روشن ز وجود بی مثالیت هر دل
ایمان ز محبت تو دل را حاصل ای هجر تو شیعه را به عالم مشکل

شماره ۱۳:

الا ای والی مُلک ولایت الا ای شمس تابان هدایت
نمی آید چرا سر، دوره هجر مگر این دوره را نبود نهایت؟^۱

شماره ۱۴:

الا ای راه معنی را تو مصباح به هر کار مقفل نیز، مفتاح
بیا ای مصلح گیتی که گردد به دست تو، امور خلق، اصلاح^۲

شماره ۱۵:

کجایی ای گل گلزار سرمد که از هجران تو جان بر لب آمد
تمام اصفیا در انتظارند بیا ای وارث آل محمد^۳

شماره ۱۶:

نه هر رهرو رسد آخر به مقصد نه هر سنگی شود روزی زبرجد^۴
در این دنیا هر آن کس با تو باشد بود در روضه رضوان مخلد

.....
۱. علی اصغر یونسیان.

۲. همو.

۳. همو.

۴. همو.

شماره ۱۷:

الا ای رابط مخلوق و معبود کہ نبود غیر مہرت **حبیل** ممدود^۱
تویی آن چشمہ فیاض سرمد کہ سوی توست، دست ہرچہ موجود

شماره ۱۸:

ہمہ گویند، خود را یک دلہ کن دلت را از ہمہ غم ہا یلہ کن^۲
تو ہم گر مایلی آسودہ گردم وصالت را بہ این مسکین، صلہ کن

شماره ۱۹:

تو کہ تنہا معز الاولیایی منڈل دشمنان کبریایی^۳
برای قلع و قمع کفر و الحاد چرا امروز و فردا می نمایی^۴

.....
۱. ہمو.

۲. ہمو.

۳. ہمو.

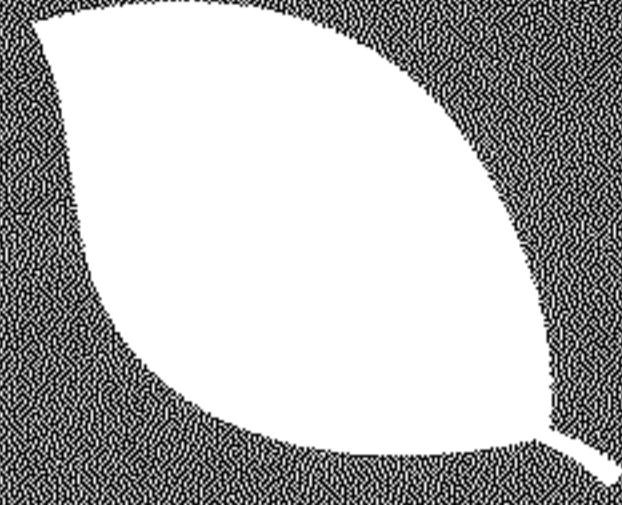
۴. آیات ۱۸-۲۴ یوسفیان.

ترجمه کلمات مشکل

احرار = آزادگان	ابنیه = خانه ها
اغیار = بیگانگان	اضطرار = درماندگی
الامان = امان خواستن	افضل اعمال = بهترین کارها
أین المضر الذی یجاب اذا دعی = کجاست آن مضطری که هرگاه دعا کند، دعایش مستجاب گردد؟	امن یجیب = خواندن آیه امن یجیب
أین مُعزّ الاولیاء و مدل الاعداء = کجاست عزیز کننده دوستان خدا و ذلیل کننده دشمنان خدا؟	أین صدر الخلائق ذوالبرّ و التقوی = کجاست آن که پیشوای آفریدگان و اهل نیکوکاری و تقوا است؟
یحل = بخشیدن	أین مولف شمل الصلاح و الرضا = کجاست آن که پریشانیهای خلق را اصلاح و دلها را خوشنود میسازد؟
بشری لکم = بشارت باد بر شما	بزرگ = سرور
بگسسته: جدا شده	بصر = چشم
بوتراب = کنیه امام علی <small>علیه السلام</small>	بهین = بهترین
التجاء = پناه بردن	پرده نشین = پوشانده شده
تذل من تشاء = هرکسی را بخواهی خوار میکنی.	تخت شهریاری = تخت پادشاهی
توتیا = شرمه	تعز من تشاء = هرکسی را بخواهی عزت میدهی.
حامی: حمایت کننده	چاووش = پیشرو و قافله
حبل = ریسمان	حایل = فاصله، مانع

حُسن: زیبایی	حسنین = امام حسن <small>ؑ</small> و امام حسین <small>ؑ</small>
خسرو = پادشاہ	خصم: دشمن
خُلد برین = بہشت	خیر المرسلین = کنایہ از پیامبر اکرم <small>ؐ</small>
دادار = دادگر عادل	دادپار = یاری کننده عدل
دافع المحن: دور کننده رنج و سختی	دنی = پست، حقیر
رہیدیم = آزاد شدیم	زمام نفس = مہار نفس
سبط = نوحہ	سجیہ = خلق و خو - شخصیت
سریر = تخت	سفینہ ناجی = سفینہ نجات
سواى = غیر از	سوتہ دلان = دل سوختگان
شوکت = بزرگی	صبا = باد بہار
طرفہ العین = یک لحظہ	عجل = عجلہ کن
عصیان = گناہ	عطا = احسان
عندلیب = بلبل	غمگسار = غمخوار
الغوث = پناہ می برم	ماء عذب = آب گوارا
فِتْن = فتنہ ہا	فرج = گشایش در کار
فعل بد = کار بد	قرین = ہمنشین
کُحل بصر = سرمہ چشم	کین = دشمنی
کُلخن = مزبلہ	گل عذار = گل رخسار
گیتی = جہان	لقاء = دیدار کردن
لیل و نہار = شب و روز	الم = درد
لوا = پرچم	ماء معین = آب روان

متاع = جنس، کالا	هجری: دوری
متقاطر = قطره قطره چکنده	متظاهر = تظاهر کننده
محب = دوستدار	محلی از اعراب = ارزش و مقام
محن = رنج‌ها و سختی‌ها	مذل الاشقیاء = خوارکننده تیره روزان
مسا = شبانگاه	مشحون = لبریز، پُر
مصباح = چراغ	مهتر: بزرگ، رئیس
مصفا = پاک و صاف	مصلح = اصلاح کننده
مضطر = پریشان	ذالت: گمراهی
معز الاولیاء = عزیزکننده دوستان	معمور = آباد کردن
جفا: آزدن	مغیث = فریاد رس
مغیلان = درخت خاردار	مقصود = آرزو
ملجاء = پناهگاه	ممزوج = آمیخته
منسوب = نسبت داشتن	منفک = جدا
منیب = بازگشت کننده به سوی خدا	مهابت = شکوه و عظمت
مهجور = جدا افتاده	میر = امیر و پیشوا
ناجی = نجات دهنده	نکبت = عطر، بو
نوا = ناله	والا تبار = عالی نسب
واله و شیدا = شیفته و عاشق	واله = حیران، سرگردان
وصل = پیوند	ولا = دوستی
هُموم = اندوه و غمها	



بخش هفتم

مسابقه رابطه احادیث مهدوی با اشعار مهدوی



در این مسابقه ابتدا مربی، حدیثی را که مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد برای شرکت کنندگان بیان می کند، مثل این روایت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم:
 «قائم، از فرزندان من است؛ نام او، نام من و شمائل او، همان شمائل من است».

سپس مربی برای شرکت کنندگان ابیاتی را می خواند که تنها یکی از آن ابیات مربوط به حدیث ذکر شده می باشد؛ هر شرکت کننده ای که بتواند سریعتر بیت مربوطه را تشخیص دهد، امتیاز آن بخش از مسابقه را (مثلاً ۱۰ امتیاز) کسب می نماید و در پایان مسابقه هر شخصی که امتیاز بالاتری داشته باشد، برنده مسابقه خواهد بود.

شیوه اجرای مسابقه

این مسابقه را به سه روش می توان اجرا نمود:

۱. مربی ابتدا روایت را می خواند و سپس ابیات مورد نظر را به صورت شفاهی برای شرکت کنندگان بیان می نماید تا آنان با گوش دادن به آن ابیات، بیت مورد نظر را حدس بزنند.
۲. مربی ابتدا روایت را می خواند و سپس با در اختیار گذاشتن برگه ای که در آن ابیات مورد نظر نوشته شده است از آنان می خواهد که با مطالعه آن برگه، بیت مورد نظر که مربوط به حدیث می شود را حدس بزنند.
 نکته: مربی می تواند کتاب مسابقه اشعار مهدوی را در اختیار هر کدام از شرکت کنندگان بگذارد تا با نگاه کردن به ابیات جواب مسابقه را بدهند.
۳. یا اینکه می توان ابیات را به وسیله ویدئو پروژکتور، بر روی پرده نمایش داد تا شرکت کنندگان با مطالعه ابیات، از روی پرده، جواب مسابقه را بگویند.

حدیث شماره ۱

پیامبر ﷺ:

«قائم از فرزندان من است، نام او نام من و شمائل او همان شمائل من است.»

۱. به پاس مقدم او شد مزین عالم پائین
- ز نور طلعت او شد منور عالم بالا^۱
۲. گل خوش منظر عصمت تویی
- حجت بن الحسن یا صاحب الزمان^۲
۳. شادی کنیدای شیعیان، چون ماه شعبان آمده
- براین زمین و آسمان، مهر درخشان آمده^۳
۴. مهدی است آن که حُسن دل آرای احمدی
- از چهره مبارک خود رو نما کند^۴
۵. منتظر یک جهان، تا نمایی قیام
- قدسیان، خاکیان، انبیاء عظام

.....
۱. قاسم رسا.
۲. علی اصغر یونسیان.
۳. جواد محدثی.
۴. حبیب چایچیان.

حدیث شماره ۲:

امام مهدی علیه السلام:

«بهره‌مند شدن از من در زمان غیبتم، مانند بهره‌مندی از خورشید پشت ابر است.»

کمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۷

۱. تاکی برای دیدن رویت دعاکنم
- تاکی دو دست خویش به سوی خداکنم^۱
۲. تنها دعای دیده من، دیدنت بود
- یک بار مستجاب نما، این دعای چشم^۲
۳. روی مهدی را بینم گر دمی
- می رود از سینه من هر غمی
۴. خواهد آمد یار نیکو منظری
- منجی ما حجة ابن العسکری
۵. ای اهل عالم من اهل صبرم
- مانند خورشید در پشت ابرم^۳

.....
۱. سید حسین هاشمی نژاد.

۲. همو.

۳. مهدی وحیدی صدر.

حدیث شماره ۳:

امام صادق علیه السلام:

«مهدی محبوب دلهای مردم عالم است».

عصر ظهور، کورانی، ص ۳۴۸ (به نقل از بشارت الاسلام، ص ۱۸۵)

۱. چون سرآید غیبت مولایمان
همچو جنت می شود دنیایمان
۲. ای که از دیده نهانی مهدی
وی که محبوب جهانی مهدی
۳. از درد فراق و هجرت جان سوزش
ای وای، چه لیلی و نهاری دارم^۱
۴. دل داده مهدی به کسی دل ندهد
در سینه به غیر دوست منزل ندهد^۲
۵. ای امید بی کسان، ای یاد مظلومان بیا
ای نجات هستی، ای گم گشته انسان بیا^۳

.....
۱. محمد کاظم نیک نام.

۲. همان.

۳. غلامرضا سازگار.



حديث شماره ۴:

امام صادق عليه السلام:

«آگاه باشید که مهدی وارث تمام علوم است و بر تمام دانش ها احاطه دارد».

معجم احاديث الامام المهدي، ج ۷، ح ۱۵۵۱

۱. عمری است که با یاد تو خو کرده دلم
- و ز مهر تو کسب آبرو کرده دلم^۱
۲. بهر نابودی بیداد و سستم
- مهدی آل علی می آید^۲
۳. روزی که جمال یار مکشوف شود
- قلب همه زین واقعه مشعوف شود^۳
۴. تو اعلم علمایی، تو افضل فضایی
- تو اعقل عقلایی، خدا کند که بیایی^۴
۵. گوئیم هماره خوبی است، مهدی جان
- خون شد دل ما ز دوری ات مهدی جان^۵

.....
۱. محمد کاظم نیک نام.

۲. همان.

۳. همان.

۴. عباس «حداد» کاشانی.

۵. محمد کاظم نیک نام.

حدیث شماره ۵:

امام صادق علیه السلام:

«در صاحب این امر، سنت‌هایی از انبیاء وجود دارد... اما سنت او از یوسف علیه السلام پنهان بودن است؛ خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد (به گونه‌ای که) مردم او را نمی‌بینند، ولی نمی‌شناسند».

کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳، ح ۴۶

۱. در دلِ ظلمتِ بیداد و جفا مهدی جان
جلوه‌ای کن که همه طالب مهتاب شدیم
۲. سیمای پاکِ مهدی قرآنم آرزوست
آن چهره یگانه دورانم آرزوست
۳. منتظر اما به تو دل بسته‌ایم
و ز غم هجران تو دل خسته‌ایم
۴. روزی که بدون تو سرگرد
آن روز ز عمر و زندگی شمارم^۱
۵. من نمی‌بینم جمالت را ولی
حاضری در هر کجا یابن الحسن^۲

.....
۱. آیات ۱ تا ۴ محمد کاظم نیک‌نام.

۲. یونسیان.

حديث شماره ٤٠٠:

امام سجاد عليه السلام:

«هرگاه مهدي قيام کند، خداوند از تمامی مؤمنان، آفت و مرض را می برد و نیروی (از دست رفته) را به او برمی گرداند».

نجم الثاقب، ج ١، ص ١٨٦

١. ای کاش سرآید شب پر محنت غیبت
- تا جمله بگردیم به دور سر مهدي^١
٢. مهدي است آن که از نظری بر جمال او
- هر دردمند غمزده، کسب شفا کند^٢
٣. گرچه عمری به تمنای وصال تو گذشت
- باز هم آمدنت را همه ایمان داریم^٣
٤. یوسف فاطمه، عالم همه مشتاق تواند
- خ بر افروز، دمی بر سر بازار بیا^٤
٥. ای سوی تو عالم نگران ادرکنا
- شد دوری توبه ماگران ادرکنا

١. محمد کاظم نیکنام.

٢. حسان.

٣. محمد کاظم نیکنام.

٤. غلامرضا سازگار.

حدیث شماره ۷:

پیامبر اکرم ﷺ:

«در هنگام ظهور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، حضرت عیسی فرود می آید و پشت سر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه)، نماز می گذارد».

دانشنامه امام مهدی، ج ۲، ص ۱۴۱

۱. یوسف فاطمه، عالم همه مشتاق تواند
- خ بر افروز دمی بر سر بازار بیا^۱
۲. با این همه قوای جهانگیر ظالمان
- تنها تویی امید بشر، یابن فاطمه^۲
۳. پایان شب‌های بلند انتظاری
- آیا برای آمدن میلی نداری^۳
۴. کعبه‌ای یا کربلا یا در نجف یا کاظمینی
- یا کنار قبر زهرایی نمی دانم کجایی^۴
۵. مهدی است آن که وقت نماز جماعتش
- عیسی به صد نیاز به او اقتدا کند^۵

.....
۱. غلامرضا سازگار.

۲. حسان.

۳. علی اکبر لطفیان.

۴. غلامرضا سازگار.

۵. حسان.

حدیث شماره ۸۵:

ازدی می گوید:

«... امام مھدی در هنگام ظهور به خانه خدا تکیه می کند و می گوید:

(انا المھدی) ...».

الملاحم و الفتن، ص ۱۴۸

۱. ای تو بر کل خلقت رهبری
- مھدی موعود یابن العسکری^۱
۲. کی، تکیه گاه خویش کنی بیت کعبه را
- اعلام سلطنت به تمام جهان کنی^۲
۳. روی نادیده ات از بس که به چشمم زیباست
- زشت آید به نظر، جنت و حورالعینم
۴. بر من آنقدر توان بخش که در بستر مرگ
- خیزم از جا و به پیش قدمت بنشینم^۳
۵. من کیم تا تو بیایی به سر بالینم
- چه کنم راه نجاتی نبود جز اینم^۴

۱. غلامرضا سازگار.

۲. حسان.

۳. غلامرضا سازگار.

۴. همو.

حدیث شماره ۹:

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف:

«ما شما را رها نکرده ایم و هرگز شما را از یاد نبرده ایم و اگر این گونه نبود، حتماً سختی ها و بلاهای فراوانی به شما می رسید.»

احتجاج، ج ۲، ش ۲۵۹، ص ۵۹۸

۱. پرده ز چهره برگشا، رخ بنما و دل ربا
عالم را ندا بده، یاران را صدا بزن^۱
۲. آقای جمعه های غریبی ظهور کن
دل را پر از طراوت عطر حضور کن
۳. صاحب الامر، زهجرتو دو صد آه و فغان
الفراق است همه عمر مرا ورد زبان
۴. در فراق نه همین سوختم از اول عمر
تا دم مرگ همین است مرا کار، بیا^۲
۵. ایشان شنیده است، دائم صدایتان
هرگز نکرده است، آقا رهایتان^۳

.....
۱. غلامرضا سازگار.

۲. همو.

۳. وحیدی صدر.



حدیث شماره ۱۰:

پیامبر ﷺ:

«همه اهل آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات درنده و ماهیان دریا از ظهور حضرت مهدی شاد و خرسند می شوند».

البیان، ص ۱۱۸؛ حکومت مهدی، طبسی، ص ۶۶

۱. مده تو راه به دل، غیر یوسف زهرا
 ۲. لحظه ظهور دوست، لحظه پروبال است
 ۳. بیمار بود هر که مریض تو نگردد
 ۴. شادم که غم هجر تو گردیده نصیبم
 ۵. چه شود جلوه دهی، خانه تاریک مرا
- روز من شب شده، اینک به شب تار بیا^۵

۱. سید حسین هاشمی نژاد.
۲. وحیدی صدر.
۳. سید حسین هاشمی نژاد.
۴. همان.
۵. غلامرضا سازگار.

حدیث شماره ۱۱:

امام مهدی علیه السلام:

«من موجب ایمنی (از بلاها) برای ساکنان زمین هستم.»

کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹

۱. نام تو بود همیشه جاوید
در دفتر خاطرات مهدی^۱
۲. با وجود آن حضرت می شود بلاها دور
آفریدگارم نیز می دهد به دنیا نور^۲
۳. آمد بخرد غم تو را عقل
گفت عشق: برو، خریدنی نیست^۳
۴. یوسف فاطمه به تو سوگند
از خدا جز تو را نمی خواهم^۴
۵. تو را ای ولی خدا دوست دارم
به حق خدا من تو را دوست دارم^۵

۱. هاشمی نژاد.

۲. مهدی وحیدی صدر.

۳. هاشمی نژاد.

۴. همان.

۵. همان.

حدیث شماره ۱۲:

امام جواد علیه السلام:

«با فضیلت ترین اعمال شیعه ما، انتظار فرج است.»

بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۲، ح ۴

۱. جلوهای کن که دمی روی نکویت نگرم
- گرچه لایق نبود دیده تارم، چه کنم؟^۱
۲. ما را به عالمین، همین افتخار بس
- تحت لَوای مهدی آل محمدیم
۳. کی توانم کنم سپاس خدا
- که به من داد، او ولای تو را
۴. حضرت مهدی ما، بین این جامعه هست
- بهترین کار بشر، انتظار فرج است^۲
۵. ز عصیان و گناهان توبه کردم
- پذیری گرچه من توبه شکستم^۳

۱. هاشمی نژاد.

۲. مهدی وحیدی صدر.

۳. هاشمی نژاد.

حدیث شماره ۱۳:

پیغمبر ﷺ:

«چون مہدی قیام کند... ہر حق بہ صاحب حق برمی گردد».

زندگی در دولت مہدی ﷺ، ص ۸۷، بہ نقل از ارشاد، ج ۲، ص ۲۸۴

۱. ہمہ عمر ادعا کردم، غلام کوی تو ہستم
- چہ گردد ادعایم را کنی مولا تو امضایی؟
۲. اگر بہ دیدہ ظاہر تو را نمی بینم
- ولی تو را ز دل و جان، جدا نمی بینم^۱
۳. تو از جرایم اعمال خلق محزونی
- مرا ببخش گر آزرده ام تو را مہدی
۴. بہر احقاق حق مظلومان
- دولت پایدار می آید^۲
۵. می رسد روزی کہ پور مصطفی
- بر نظام ظلم و کین پایان دہد^۳

.....
۱. سید رضا موید.

۲. امین کاظمی.

۳. محمد کاظم نیک نام.



حدیث شماره ۱۴:

امام مهدی علیه السلام:

«ما به تمام خبرها و حالات شما آگاہیم».

احتجاج، ج ۲، ص ۱۴۹۷

۱. ای جمالت بهشت جهان مهدی
 ۲. آماده شوید چون که ان شاء الله
 ۳. هر منتظری ز جان و دل می گوید
 ۴. ای سوی تو عالم نگران ادرکنی
 ۵. صاحب الزمان فرمود، ما صراط و ما راهیم
۱. ای آبروی شیعه، کجایی مهدی؟^۲
۲. ای سوسی تو عالم نگران ادرکنی
۳. شد دوری توبه ماگران ادرکنی^۴
۴. صاحب الزمان فرمود، ما صراط و ما راهیم
۵. ما به حال این مردم، لحظه لحظه آگاہیم^۵

.....
۱. به نقل از کتاب اصول مداحی، ص ۶۴۴.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. مهدی وحیدی صدر.

حدیث شماره ۱۵:

امام موسی کاظم علیه السلام:

«مهدی دو نشانه آشکار دارد که با آنها شناخته می شود؛ یکی دانش بیکران و دومی استجاب دعا».

عیون اخبار الرضا، ص ۱۱۸۰

۱. صاحب العصر، ای که هستی این جهان را همچو جان نام تو باشد برای شیعیان روح و روان
۲. گشت اسلام از جدایی ها ضعیف آن که دل ها را کند با هم کجاست؟^۱
۳. کاش صدمبار به هر لحظه بمیرم هر روز تا گل روی تو را در دم مردن بینم^۲
۴. اگر آرامشی هست، در این دنیا حساب است دعا گوید فراوان، دعایش مستجاب است^۳
۵. آفتاب عالم آرایی، نمی دانم کجایی دور از مایی و با مایی، نمی دانم کجایی^۴

.....
۱. حسان.
۲. غلامرضا سازگار.
۳. وحیدی صدر.
۴. غلامرضا سازگار.

حدیث شماره ۱۶:

امام باقر علیه السلام:

«هنگامی که مهدی قیام کند، اموال را بین مسلمانان و نیازمندان به عدالت
و مساوات تقسیم می کند.»

بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۲۹

۱. گفتم بیار بر من ای رحمت الهی
- گفتا خَس وجودت باران نمی پذیرد^۱
۲. با قیام آن حضرت گردد این جهان تنظیم
- پول و ثروت و اموال می شود همه تقسیم^۲
۳. او چون گل پر نکهت و من در بر او خار
- آری به جهان من گل بی خار ندیدم^۳
۴. جنت بدون جنت رویش جهنم است
- بی جلوه اش بهشت، مصفا نمی شود^۴
۵. امید زندگانی من، مهدی عزیز
- من آمدم به درگه تو التجا کنم^۵

۱. هاشمی نژاد.

۲. وحیدی صدر.

۳. محمد کاظم نیکنام.

۴. هاشمی نژاد.

۵. همان.

حدیث شماره ۱۷:

امام رضا علیه السلام:

«امام علیه السلام بخشنده‌ترین مردمان است.»

احتجاج، ج ۲، ص ۱۴۲۷

۱. مهر تو کرده در دلم خانه
کردم از دل برون سوای تو را^۱
۲. ز هجران جمال تو، همیشه ماتمی دارم
درون سینه تنگم ز داغ تو غمی دارم^۲
۳. مهدی فاطمه ای مونس تنهایی من
اشک ریزم همه شب از غم تنهایی تو^۳
۴. جانم به فدایش که دارد همه را دوست
در بین همه مردم، بخشنده‌ترین ها اوست^۴
۵. تنها نه من به داغ غمت مبتلا شدم
عالم به داغ هجر رخت مبتلا بُود^۵

۱. هاشمی نژاد.

۲. همان.

۳. همان.

۴. وحیدی صدر.

۵. هاشمی نژاد.

حدیث شماره ۱۸:

پیامبر ﷺ:

«حضرت مهدی (پس از ظهور)، شهرهای شرک و کفر را فتح می کند».

کفایة الأثر، ص ۱۶۴

۱. این جمعه هم گذشت، تو اما نیامدی
- پایان سبز قصه دنیا، نیامدی^۱
۲. غروب جمعه در این رهگذر، چه می خواهم
- به غیر آمدنت از سفر، چه می خواهم^۲
۳. مهدی است آن که پرچم اسلام را یقین
- بر قلعه های محکم دشمن به پا کند^۳
۴. دوره عدل و مساوات چو آغاز شود
- روزگار ستم و جهل به پایان برسد^۴
۵. در زمان آن حضرت می رسد به ما باران
- می رسد به دشت و خاک، قطره های بی پایان^۵

-
۱. حسن یعقوبی.
 ۲. مهدی مردانی.
 ۳. حسان.
 ۴. ناصر چیان اراکی.
 ۵. مهدی وحیدی صدر.

حدیث شماره ۱۹۵:

امام باقر علیه السلام:

«مهدی از مکه ظهور می نماید».

غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ دانشنامه امام مهدی، ج ۸، ص ۱۹۳

۱. منتظران ما به تو دل بسته‌ایم
- وز غم هجران تو دل خسته‌ایم^۱
۲. خواهیم ز خدا که تو بیایی
- تا غم ز قلوب ما زدایی^۲
۳. هر کجا می‌نگرم، خواسته‌ام دیدن توست
- شوق دیدار رُخت، بی سرو سامانم کرد^۳
۴. گرچه عمری به سر آمد به تمنای وصال
- لیک از لطف خدا منتظرانیم هنوز^۴
۵. ای خوش آن روزی که آن خورشید نور
- از کنار کعبه فرماید ظهور^۵

.....
۱. محمد کاظم نیک‌نام.

۲. همو.

۳. همو.

۴. همو.

۵. غلامرضا سازگار.

حديث شماره ۲۰۵:

امام على عليه السلام:

«سوگند به خدای علی، حجت خدا در میان مردم هست و در راهها (کوچه و بازار) گام برمی دارد، به خانه های آن ها سر می زند، در شرق و غرب زمین رفت و آمد می کند، گفتار مردم را می شنود و بر ایشان سلام می کند، می بیند و دیده نمی شود تا وقت (معین) و وعده (الهی)».

غیبت نعمانی، باب ۱۰، ح ۳، ص ۱۱۴۶

۱. گویند که بر شکسته حالان، یاری
مانیز دلی شکسته داریم ای دوست
۲. ای منتظران مژده که از لطف خدای
فریادرس ما ز سفر می آید
۳. گر حق بدهد مرا همه ملک وجود
گویم که گل روی تو را کم دارم
۴. ای که خواهان ظهور قائمی
هیچ دانی در حضورش دائمی
۵. ای خوش آن لحظه که پا بگذارد
یار نادیده بر این دیده ما^۱

.....
۱. محمد کاظم نیکنام.



حديث شماره ۲۱۵:

امام مهدي عليه السلام:

«برای تعجيل فرج بسيار دعا كنيد كه همان فرج شماست.»

كمال الدين و تمام النعمة، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۹

۱. از عهدِ شباب در رهش استادم
افسوس نيامد او، ما پير شديم
۲. باشد نوای روز و شب جمع عاشقان
عجل علی ظهورک يا صاحب الزمان
۳. هرچه گويم ز کمال تو کم است
فوق هر نطق و بياني؛ مهدي
۴. اگر مهدي بيايد روزگاري
سراید نوبت اندوه و زاری
۵. ای کاش در اين زمانه با شور و شعف
محبوب دل ما ز سفر می آمد

حدیث شماره ۲۲:

امام مهدی علیه السلام:

«هیچ چیز ما را از شیعیان جدا نکرده است مگر آنچه از کارهای ایشان که به ما می‌رسد؛ اعمالی که خوشایند ما نیست و از شیعیان انتظار نداریم.»

احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۹

۱. کیست مهدی، زخم دل را التیام
کیست مهدی، آخرین مرد قیام
۲. ای خدا کی می‌شود درمان، دل بیمار ما
کی رسد یا رب ضیاء دیده خون بار ما
۳. کی کند روشن به نورش روزگار ما
گر نگردد ظاهر او، از دست رفته کار ما
۴. قیود نفس و هوا، عامل فراق شده
ز شر نفس و هوا کن مرا رها مهدی
۵. همه گویند این جمعه بیا، اما درنگی کن
از اینکه باز عاشورا شود تکرار می‌ترسم^۱

۱. غلامرضا سازگار.

حدیث شماره ۲۳:

پیامبر اکرم ﷺ:

«زمین از ستم و ظلم پر می شود، مردی از عترت من قیام می کند و بر زمین حاکم می شود... پس زمین را از عدل و داد پر می کند».

المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۱۵۵۸

۱. مخور غم دوره هجران سرآید
ز پشت ابر، شمس جان برآید
۲. من جز تو دلم را به کسی نسپارم
جز دست تو را به رهبری نفشارم
۳. منجی ما به خدا آمدنی است
دوره ظلم به سرآمدنی است
۴. روزی که بدون یاد تو سرگردد
آن روز ز عمر و زندگی نشمارم
۵. خوشا به حال هر آن کس که زمان تو باشد
ز عدل و داد تو گردد جهان تیره منوراً

.....
۱. محمد کاظم نیک نام.



حدیث شماره ۲۴:

پیامبر ﷺ:

«مردی از اهل بیت من ظهور می کند که نامش، نام من و اخلاقش شبیه
اخلاق من است».

البرهان، ص ۹۲

۱. قسم به عصمت زهرا بیا ز غیبت کبری
دگر بس است جدایی، خدا کند که بیایی
۲. همه صبح روز جمعه، دل من بهانه گیرد
ز جمال پرفروغت همه جا نشانه گیرد
۳. نگار دلربای ما کریم است
چو جدش، صاحب خلق عظیم است
۴. ای جواب ناله مظلومی قرآن بیا
ای همه جانها به خاک مقدمت قربان بیا
۵. خطا هر کس کند قلب تو را آزرده می سازد
مرا عفو کن اگر دادم تو را آزار مهدی جان^۱

.....
۱. علی اصغر یونسیان.

حدیث شماره ۲۵:

امام حسین علیه السلام:

«اگر از دنیا یک روز باقی نمانده باشد خداوند آن روز را طولانی نماید تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر نماید، پس از آن که از ستم و بیداد آکنده باشد.»

بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۲۲

۱. خ نماید چون به عالم یار ما
می گشاید عقده ها از کار ما
۲. زلال وصل مهدی گر بنوشی
ز غیر از روی ماهش دیده پوشی
۳. روزی اگر ببینم آن چهره خدایی
جان می دهم به شوقِ پایان این جدایی
۴. باقی از عمر جهان یک روز اگر ماند بر آن
مهدی زهرا جمالش، جلوه گر خواهد شد
۵. دوره هجران به آخر می رسد
مژده ای یاران که یاور می رسد

حدیث شماره ۲۶:

امام صادق علیه السلام در جواب شخصی که در مورد علت غیبت امام

مهدی علیه السلام سؤال کرد، فرمودند:

«غیبت، سری از اسرار الهی است، ولی چون می دانیم که خداوند بزرگ، حکیم است؛ می پذیریم که همه کارهای او (بر اساس) حکمت است، هر چند علت آن کارها برای ما معلوم نباشد».

کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، باب ۳۲، ح ۱۶

۱. الا که راز خدایی، خدا کند که بیایی
۲. هر شبی گویم که فردا یارم آید از سفر
۳. چونکه فردا می شود گویم که فردای دگر
۴. بهر دیدار تو مولای عزیز
۵. به خدا دل چه تپیدن دارد
۶. اهل ولا، چو روی به سوی خدا کنند
۷. اول به جان گمشده خود دعا کنند
۸. نه فقط زبون و دل هام، ذکر نامتومی خونه
۹. ضربان قلب زارم، مهدی صاحب زمونه

حدیث شماره ۲۷:

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

«ما به تمام خبرها و حالات شما آگاهیم.»

احتجاج، ج ۲، ش ۳۵۹، ص ۵۹۸

۱. گفتم شبی به مهدی از تو نگاه خواهم
- گفتا که من هم از تو ترک گناه خواهم
۲. مهدی تا کی بنالم در غمت
- تا به کی درانتظار مَقدمت^۱
۳. گرچه پنهان است از ما لیک، می باشد عیان
- حاضر و ناظر به هر محضر امام غائب است^۲
۴. گوش دل را وا کنید آید ندا
- بانگ هل من ناصرش از هر کجا
۵. دروغ گفتم که از دوریت شکست دلم
- که در نبود تو حتی ترک نبست دلم

.....
۱. علی افشاری.

۲. محمد علی (عارفچه) اصفهانی.

حدیث شماره ۲۸:

پیامبر ﷺ:

«زمین ذخایر خود را برای مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیرون می ریزد».

دانشنامه امام مهدی، ج ۹، ص ۲۵۷

۱. از شقایق و لاله، می شود جهان گلگون
- این زمین ذخایر را، ریزد از خودش بیرون^۱
۲. خدایا عیدی ما را ظهور او عنایت کن
- که ما را جز ظهور او نباشد حاجتی دیگر
۳. همه گویند به امید ظهورش صلوات
- کاش این جمعه بگویند به تبریک حضورش صلوات
۴. نوش دارویی که درد ما کند درمان کجاست؟
- بی سرو سامانی این قوم را سامان کجاست؟^۲
۵. باز هم بیا و با حضور خود
- شهر را پر از نشاط و شور کن^۳

.....
۱. مهدی و حیدی صدر.

۲. حسین کلاهی.

۳. عبدالرحیم سعیدی راد.

حدیث شماره ۲۹۵:

امیر المؤمنین علیہ السلام:

«زمین به وسیله مہدی آباد، خرم و سرسبز می شود و به وسیله او چشمه سارها روان گردد و خیرات و برکات زیاد می شود».

کمال الدین، ج ۱، ص ۴۸۹

۱. کیست مہدی، یا اور مظلوم ہا
۲. ای خوش آنروزی کہ آن خورشید نور از کنار کعبہ فرماید ظہور^۲
۳. با این زبان الکن و این طبع نارسا
۴. ہر جا روم برای ظہورت دعاکنم^۳
۵. از تو بشود روی زمین همچو گلستان
- سرتا سر عالم بشود یکسرہ گلزار^۴

.....
۱. غلامرضا سازگار.

۲. همان.

۳. همان.

۴. غلامرضا توسلی.

حدیث شماره ۳۰:

امام علی علیه السلام:

«هنگامی که قائم ما قیام کند... کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از
دل هایشان از بین می‌رود».

خصال، باب الأربعمأه، ح ۱۰، ص ۶۸۵

۱. تویک دل داری و داری چه بس یار
شمار عاشقانت هست بسیار
۲. جمکران! عشقت درون سینه دارم
چون تو بانام گل زهرا قرینی^۱
۳. مهدی است آن که کینه و جنگ و جدال را
تبدیل بر محبت و صلح و صفا کند^۲
۴. دل ما را تولایش مقرر است
به ما لطف و عطایش مستمر است^۳
۵. قائم آل نبی، مهدی موعود تویی تو
ای جگر گوشه زهرا، بآبی انت و امی

.....
۱. حبیب‌الله ابن احمد.

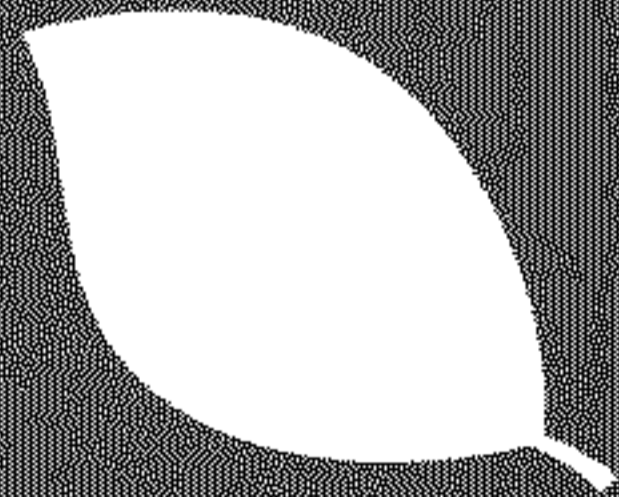
۲. حسان.

۳. علی اصغر یونسیان.



بخش هشتم

مسابقه تشخیص کلمه اشتباه



در این مسابقه ابتدا مربی یک بیت را می‌خواند و شرکت‌کنندگان باید با دقت به آن شعر گوش کنند. (می‌توان ۲ تا ۳ بار آن شعر را برای شرکت‌کنندگان تکرار نمود) سپس به شرکت‌کنندگان گفته می‌شود که این شعر را مجدداً می‌خوانیم، ولی با این فرق که یک کلمه از این شعر تغییر کرده است و هر شخص که سریع‌تر متوجه این اشتباه شود برنده مسابقه خواهد بود.

مثلاً مربی در ابتدا این شعر را می‌خواند:

«کعبه‌ای یا کربلا یا در نجف یا کاظمین

یا کنار قبر زهرایی نمی‌دانم کجایی»

سپس بیت زیر که یک کلمه آن تغییر کرده را می‌خواند:

«کعبه‌ای یا کربلا یا کاظمین یا در نجف

یا کنار قبر زهرایی نمی‌دانم کجایی»

نکته: این مسابقه در دو بخش «تشخیص کلمه اشتباه در تک

بیتی و دو بیتی» آماده شده است.



مسابقه تشخیص کلمه اشتباه در یک بیت

«بیت اول»

هر صبح و مسا، به یاد ماه رویت می سوزم و از دو دیده گریانم من^۱



هر صبح و مسا، به یاد ماه رویت می سازم و از دو دیده گریانم من

«بیت دوم»

دارم امید دیدن روی تو لحظه‌ای ای که ز دیده رفته و از دل نرفته‌ای^۲



دارم امید دیدن روی تو لحظه‌ای ای که ز دیده نرفته و از دل نرفته‌ای

«بیت سوم»

در عمل هر که خریدار تو نیست دیده‌اش لایق دیدار تو نیست^۳



در عمل هر که خریدار تو نیست دیده‌اش لایق وصل تو نیست

۱. شائق قمی.

۲. محمد کاظم نیک‌نام.

۳. همان.



«بیت چهارم»

پایان شب‌های بلند انتظاری آیا برای آمدن میلی نداری؟^۱



پایان شب‌های بلند انتظار آیا برای آمدن میلی نداری؟

«بیت پنجم»

چه تلخ می‌شود این لحظه‌ها بدون شما چه تلخ‌تر، همه عمر ما بدون شما^۲



چه تلخ می‌شود این روزها بدون شما چه تلخ‌تر، همه عمر ما بدون شما

«بیت ششم»

یک جمعه از شروع سحر با نبود تو یک ریز تا نماز عشاء گریه می‌کنم^۳



یک جمعه از شروع سحر در نبود تو یک ریز تا نماز عشاء گریه می‌کنم

.....
۱. علی اکبر لطفیان.
۲. حسن لطفی.
۳. علیرضا لک.



«بیت هفتم»

دارد غروب می شود اما نیامدی یامی کنی طلوع و یا گریه می کنم^۱



دارد غروب می شود اما نیامدی یامی کنی ظهور و یا گریه می کنم

«بیت هشتم»

صالحان، متقیان را تو امامی، پدری من آلوده که باشم، که بگویی پسر



صالحان، متقیان را تو امامی، پدری من آلوده که باشم، که نگویی پسر

«بیت نهم»

می کشم بردوش عمری کوله بار انتظار کی به پایان خواهد آمد، روزگار انتظار



می کشم بردوش عمری کوله بار انتظار کی به پایان خواهد آمد، روزهای انتظار



«بیت دهم»

من به امید وصالش زنده ماندم تاکنون به چه خوش آن دم که بازآید نگارم از سفر



من به امید وصالش زنده ماندم تاکنون به چه خوش آن دم که بازآید یارم از سفر

مسابقه تشخیص کلمه اشتباه در دو بیت

«دوبیتی شماره ۱»

دل را پراز طراوت عطر حضور کن	آقای جمعه‌های غریبی ظهور کن
یک دم فقط بیا و از اینجا عبور کن	یک گوشه از جمال تو، یعنی تمام عشق



دل را پراز طراوت عطر حضور کن	آقای جمعه‌های غریبی ظهور کن
یک دم فقط بیا و از اینجا عبور کن	یک گوشه از نگاه تو، یعنی تمام عشق

«دوبیتی شماره ۲»

اما گله بی شمار داریم از تو	نه شرم و حیا، نه عار داریم از تو
تنها همه انتظار داریم از تو	ما منتظر تو نیستیم آقا جان



اما گله بی شمار داریم از تو	نه شرم و حیا، نه عار داریم از تو
تنها همه انتظار داریم از تو	ما منتظر تو هستیم آقا جان

«دوبیتی شماره ۳»

هرچند خسته‌ایم از این حال، نیا
ما خط تمام نامه‌ها مان کوفی‌ست
شرمنده اگر ندارد اشکال، نیا
آقای گلم زبان من لال، نیا



هرچند خسته‌ایم از این حال نیا
ما خط تمام نامه‌ها مان کوفی‌ست
شرمنده اگر ندارد اشکال، نیا
آقای گلم زبان من لال، بیا

«دوبیتی شماره ۴»

گرچه پیمان را شکستم، بر سر پیمان‌ام
گر به ظاهر دورم از درگاه تو، ای نازنین
با همه بد عهدی‌ام، آن عاشق دیوانه‌ام
باز هم مشتاق روی دلکش جانانه‌ام



گرچه پیمان را شکستم، بر سر پیمان‌ام
گر به ظاهر دورم از درگاه تو، ای نازنین
با همه خوش عهدی‌ام، آن عاشق دیوانه‌ام
باز هم مشتاق روی دلکش جانانه‌ام

«دوبیتی شماره ۵»

تقصیر من است اینکه، کم می آیی هرگاه شدم اسیر غم می آیی
این جمعه و جمعه های دیگر حرف است آدم بشوم، سه شنبه هم می آیی



تقصیر من است، اینکه کم می آیی هرگاه شدم اسیر غم می آیی
این جمعه و جمعه های دیگر حرف است آدم نشوم، سه شنبه هم می آیی

«دوبیتی شماره ۶»

تا نگردد دوره غیبت تمام قلب آل الله نگیرد التیام
بارالها جان ما آمد به لب کی کند مولای ما، مهدی قیام؟



تا نگردد دوره غیبت تمام قلب آل الله نگیرد التیام
بارالها قلب ما آمد به لب کی کند مولای ما، مهدی قیام؟

«دوبیتی شماره ۷»

دل در طلب شما هوایی است
ما صبح و غروب جمعه هاییم
این غربت ما از آشنایی است
عمری است میان ما جدایی است^۱



دل در طلب شما هوایی است
ما صبح و غروب جمعه هاییم
این غربت ما از آشنایی است
دیری است میان ما جدایی است

«دوبیتی شماره ۸»

دوست دارم که یک شب جمعه
ناگهان بشنوم ز سمت حجاز
صبح گردد به رسم خوش عهدی
نغمه دل خوش انا المهدی



دوست دارم که یک شب جمعه
ناگهان بشنوم ز سوی حجاز
صبح گردد به رسم خوش عهدی
نغمه دل خوش انا المهدی

۱. یحیی علوی فرد.

«دوبیتی شماره ۹»

ما ساکن عصر جمعه‌هاییم تو منتظری که ما بیاییم
غربت چه حکایت غریبی است آقا تو کجا و ما کجاییم



ما ساکن عصر جمعه‌هاییم تو منتظری که ما بیاییم
غربت چه حکایت عجیبی است آقا تو کجا و ما کجاییم

«دوبیتی شماره ۱۰»

ویرانه نه آن است که جمشید بنا کرد ویرانه نه آن است که فرهاد فرو ریخت
ویرانه دل ماست که هر جمعه به یادت صد بار بناگشت و دگر بار فرو ریخت



ویرانه نه آن است که جمشید بنا کرد ویرانه نه آن است که فرهاد فرو ریخت
ویرانه دل ماست که هر جمعه به یادت یکبار بناگشت و دگر بار فرو ریخت

بخش نهم

مسابقه تشخیص مصراع مناسب

در این روش مربی بیتی را می‌خواند که یکی از مصراع‌های آن (مصراع اول یا دوم) حذف گردیده است و به جای مصراع محذوف، گزینه ۳ (مصراع دیگر) مطرح می‌شود که تنها یکی از آن‌ها مناسب جای خالی است. هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند سریع‌تر مصراع مناسب را تشخیص دهد، امتیاز آن بخش را کسب می‌نماید و مسابقه به همین ترتیب با مصراع‌های دیگر ادامه پیدا می‌کند.

این مسابقه در دو بخش تشخیص مصراع اول و تشخیص مصراع دوم تنظیم گردیده است که در بخش تشخیص مصراع اول، بیتی مطرح می‌شود که مصراع اول آن حذف گردیده است و سپس ۳ مصراع خوانده می‌شود که تنها یکی از آن مصراع‌ها، گزینه صحیح و مناسب می‌باشد، هر شرکت‌کننده‌ای که بتواند سریع‌تر با مطالعه آن مصراع‌ها، مصراع مناسب را به درستی تشخیص دهد، امتیاز آن بخش را به دست خواهد آورد.

در بخش تشخیص مصراع دوم (برعکس قسمت قبلی است) مصراع اول یک بیت مهدوی خوانده می‌شود و از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود که با مطالعه ۳ مصراع مطرح شده، گزینه صحیح را سریع تشخیص دهند.

نکته: ممکن است این سوال پیش آید که چطور ممکن است از بین ۳ مصراع بتوان گزینه صحیح را حدس زد جواب این است که اگر شرکت‌کنندگان به معنای اشعار دقت کنند، به راحتی متوجه این مسئله می‌شوند.



مسابقه تشخیص مصراع دوم

«در بین ۳ مصراع»

در این مرحله ابتدا مصراع اول یک شعری را می خوانیم و سپس ۳ مصراع دیگر را مطرح می نماییم و از شرکت کنندگان می خواهیم که گزینه صحیح را تشخیص دهند؛ هر شخص که گزینه صحیح را تشخیص دهد، امتیاز آن بخش از مسابقه را به دست می آورد.

«بیت شماره ۱»

آرزوی سرکوی توبه جنت ندهم

۱. تا به گیتی اثر از نام و نشان است مرا
 ۲. همچنان مهر تو در سینه نهان است مرا
 ۳. که سرکوی تو بهتر از جنان است مرا
- (سید محمد خسرو نژاد)

«بیت شماره ۲»

پرتو نورخ زیبای ماه چرخ گردون

۱. این گل روی تو می باشد به پا خاری ندارد
 ۲. پیش خورشید جمالت، نور، رخساری ندارد
 ۳. کین ز پا افتاده آخر، جز تو دلداری ندارد
- (عباس عنقا)

«بیت شماره ۳»

بیایک شب، فقط یک شب تماشاکن مراوقتی

-
۱. کہ می‌گیریم به نامت دم به دم آهسته آهسته
 ۲. شبی بگذار بر چشمم قدم آهسته آهسته
 ۳. زمان افتاده‌گویی از قدم آهسته آهسته
- (سید محمدعلی رضازاده)

«بیت شماره ۴»

گفتی که پاک کن دلت از هرچه غیر ماست

-
۱. این دل درانتظار فرج پیر شد، بیا
 ۲. نرگس هم از فراق تو دلگیر شد، بیا
 ۳. قلبم به احترام تو تپهیر شد، بیا
- (سمیه صفایی مزید)

«بیت شماره ۵»

یک جهانند گرفتار فراقش یارب

-
۱. و آن طبیب دل بی طاقت بیمار کجاست؟
 ۲. آن رهاننده این جمع گرفتار کجاست؟
 ۳. چشم آلوده کجا، آن گل رخسار کجاست؟
- (محمد رضا یاسری)

«بیت شماره ۶»

یک غزل بس نیست هجران تورا

.....
۱. کاشکی من هم داغ هجران داشتم

۲. کاشکی جان فراوان داشتم

۳. کاش صدها شعرو دیوان داشتم

«بیت شماره ۷»

دراوج بلا و ستم و فتنه این دهر

.....
۱. از بهر تماشای تو غوغاست، کجایی

۲. ذکر لب ما یوسف زهر است، کجایی

۳. این عاشق چشمان تو تنهاست، کجایی

(سید جواد میری)

«بیت شماره ۸»

یک لحظه اگر بینم، آن قامت سبز تو

.....
۱. دیگر نکنم شکوه از بی سرو سامانی

۲. دلها همه از کف شد، زین غیبت طولانی

۳. در کوچه یاد تو، ای نرگس بستانی

(صبا فیروزکوهی)

«بیت شماره ۹»

تاکه شد کشتی ما غرقه دریای فراق

۱. نورگیرد ز طفیل رخ تو، منزل ما
 ۲. عمر بگذشت و نشد حل به جهان مشکل ما
 ۳. بر سر کوی وصال تو، بود ساحل ما
- (محمد رضا حکیمی)

«بیت شماره ۱۰»

صحبت بدون یاد تولدت نمی دهد

۱. زین روی، پا ز مجلس اغیار می کشم
 ۲. فریاد شوق از دل، صد بار می کشم
 ۳. عمری بود خجالت این کار می کشم
- (حبیب چایچیان)

«بیت شماره ۱۱»

بر مردم محروم و ستم دیده و رنجور

۱. هستیم همه طالب دیدار کجایی؟
 ۲. ای آن که تویی مونس و غمخوار کجایی؟
 ۳. چون منتظران تو دل افکار کجایی؟
- (محسن حافظی)

«بیت شماره ۱۲»

مردیم از بس تسلیت دادیم دل را

۱. تو مهربانی، جان مولا خواهی آمد
۲. پس کی تسلای دل ما خواهی آمد
۳. هر شب به امیدی که فردا خواهی آمد
(عباس چشمامی)

«بیت شماره ۱۳»

به جزولای تو، بر لوح دل نگاری نیست

۱. به جز وصال تو در دیده انتظاری نیست
۲. که تا ابد به جهان چون تو داغداری نیست
۳. به پیش اهل نظر، غیر شرمساری نیست
(سید عباس صدرالدین)

«بیت شماره ۱۴»

زنده ام کن بعد مرگم، چون که بنمودی ظهور

۱. جان به قربان تو و عشاق سرگردان تو
۲. دوست دارم تا که باشم شاهد دوران تو
۳. آب شد از شعله سوزنده هجران تو
(یونسیان)

«بیت شماره ۱۵»

تسلیم آنچه امر تو باشد منم به جان

-
۱. راضی منم به آنچه که باشد رضای تو
 ۲. هرگز معاوضه نکنم با ولای تو
 ۳. مال و منال و هستی و دینم فدای تو
- (یونسیان)

«بیت شماره ۱۶»

چشمی به من بده که ببینم جمال تو

-
۱. کی رد کند، خدای تو جانا، دعای تو
 ۲. بنهاده سرزروی ارادت به پای تو
 ۳. گوشی بده که بشنوم آخر صدای تو
- (یونسیان)

«بیت شماره ۱۷»

یقیناً دست بیعت داده باشیطان و شیطان‌ها

-
۱. که پا مأمور می باشد که آید در سرای تو
 ۲. خدالب را عطا کرده که تا گوید ثنای تو
 ۳. اگر دستی نگیرد دامن لطف و عطای تو
- (یونسیان)

«بیت شماره ۱۸»

..... ما چشم شفاعت به تو داریم همه

۱. مسکین تو آورده به باب تو پناه
 ۲. ای آن که شفیع ما تویی عندالله
 ۳. دستی تو بکش به روی ما هم گه گاه
- (یونسیان)

«بیت شماره ۱۹»

..... سخت بر منتظرانت گذرد، گرشنوند

۱. که خدا امر تو موکول به فردا کرده
 ۲. همه بر قلب تو ای مونس جان، جا کرده
 ۳. دیده را اشک فراق، همه دریا کرده
- (یونسیان)

«بیت شماره ۲۰»

..... تو هستی شاهد بر خلق و هر جا حاضری اما

۱. تو تنها چاره ساز این بینوا هستی
 ۲. ز فرط اشتیاق است اینکه می گویم، کجا هستی
 ۳. منم بیمار تو، تنها تو بردردم دوا هستی
- (یونسیان)

«پاسخنامہ مسابقہ تشخیص مصراع ۳ بیٹی»

بیت شماره ۱: گزینه ۳

بیت شماره ۲: گزینه ۲

بیت شماره ۳: گزینه ۱

بیت شماره ۴: گزینه ۳

بیت شماره ۵: گزینه ۲

بیت شماره ۶: گزینه ۳

بیت شماره ۷: گزینه ۲

بیت شماره ۸: گزینه ۱

بیت شماره ۹: گزینه ۳

بیت شماره ۱۰: گزینه ۱

بیت شماره ۱۱: گزینه ۲

بیت شماره ۱۲: گزینه ۲

بیت شماره ۱۳: گزینه ۱

بیت شماره ۱۴: گزینه ۲

بیت شماره ۱۵: گزینه ۱

بیت شماره ۱۶: گزینه ۳

بیت شماره ۱۷: گزینه ۳

بیت شماره ۱۸: گزینه ۲

بیت شماره ۱۹: گزینه ۱

بیت شماره ۲۰: گزینه ۲

مسابقه تشخیص مصراع دوم

«در اشعار ۵ بیتی»

در این قسمت مسابقه مشکل ترمی شود و شرکت کنندگان باید از بین ۵ مصراع مطرح شده توسط مربی، مصراع مناسب جای خالی را تشخیص دهند که باز هم شرکت کننده‌ای که بتواند گزینه صحیح را حدس بزند، امتیاز آن بخش از مسابقه را به دست می‌آورد.

«بیت شماره ۱»

اگر هنگام ناداری به قدر وسعت عالم

۱. سراپا مرهم بخشند، بی مهدی نمی خواهم

۲. مسیحایی دم بخشند، بی مهدی نمی خواهم

۳. کمال آدمم بخشند، بی مهدی نمی خواهم

۴. طلا و درهمم بخشند، بی مهدی نمی خواهم

۵. به خلق عالمم بخشند، بی مهدی نمی خواهم

(غلامرضا سازگار)

«بیت شماره ۲»

مهدی است آن که پرچم اسلام راستین

۱. تبدیل بر محبت و صلح و صفا کند

۲. بر قلعه‌های محکم دشمن به پا کند

۳. بر تشنگان دانش و عرفان عطا کند

۴. حق عظیم عترت و قرآن ادا کند

۵. هر دردمند غمزده کسب شفا کند

(حبیب چایچیان)



«بیت شماره ۳»

گرچه روز ما بود تاریک چون شام فراق

-
۱. تاج شاهان است جای پای دربان شما
 ۲. گردن گردنکشان در حکم فرمان شما
 ۳. ما هدف کردیم دل را، پیش پیکان شما
 ۴. ریزه خواری آمده از خوان احسان شما
 ۵. شام روشن می شود از روی رخشان شما
(مظفر شیرازی)

«بیت شماره ۴»

بودم پی گناه و تو چون سایه بر سرم

-
۱. فریاد شوق از دل، صد بار می کشم
 ۲. عمری بود که حسرت دیدار می کشم
 ۳. نوش است اگر منت صد خار می کشم
 ۴. عمری بود، خجالت این کار می کشم
 ۵. گردن به حسرت، از پس دیوار می کشم
(حبیب چایچیان)



«بیت شماره ۵»

زفراق رخت ای یوسف کنعانی من

۱. بگشا پنجره چشم من ای یاربیا
 ۲. نظری کن به من خسته و بیماربیا
 ۳. همچو یعقوب شدم طالب دیداربیا
 ۴. بنماخ به من ای جلوه دیداربیا
 ۵. تا بگویم سخن عشق تو بسیاربیا
- (صبا فیروزکوهی)

«بیت شماره ۶»

تا که شد کشتی ما غرقه دریای فراق

۱. بر سرکوی وصال تو بود ساحل ما
 ۲. ساریان تند مران بهر خدا محمل ما
 ۳. بشود خیل سلاطین جهان سائل ما
 ۴. دارم امید شود لطف خدا شامل ما
 ۵. نورگیرد ز طفیل رخ تو منزل ما
- (محمد رضا حکیمی)

«بیت شماره ۷»

..... بیاز پرده غیبت برون که دشمن دین

گزینه ۱. یگانه مرد عدالت شعار مهدی جان

گزینه ۲. کند ز صولت تیغت فرار، مهدی جان

گزینه ۳. بیا که شیعه ندارد قرار مهدی جان

گزینه ۴. که نیست جز تو شریعتمدار مهدی جان

گزینه ۵. که جان به راه تو سازم نثار مهدی جان

(ماشالله عابدی)

« بیت شماره ۸ »

..... موج بحر کفر، پهلو می زند بر ساحل دین

گزینه ۱. تکیه زن بر مسند عدل الهی داوری کن

گزینه ۲. تا کنی هر دلبری را عاشق خود، دلبری کن

گزینه ۳. نوح شو، طوفان به پا کن، فلک دین را ننگری کن

گزینه ۴. پای برزن بر رکاب و حمله های حیدری کن

گزینه ۵. چرخ دین را مهر شو، در آسمان روشنگری کن

(محمدعلی مجاهدی)

«بیت شماره ۹»

گر قسمتتم شود که تماشا کنم تورا

گزینه ۱. کاندرا کجا برآیم و پیدا کنم تورا

گزینه ۲. از کردگار خویش تمنا کنم تورا

گزینه ۳. ای آفتاب گمشده، پیدا کنم تورا

گزینه ۴. ای نور دیده، جان و دل اهدا کنم تورا

گزینه ۵. در عالم خیال، هویدا کنم تورا

(سید رضا مؤید)

«بیت شماره ۱۰»

بیا که دیده به راه تو شد سپید مرا

گزینه ۱. کشیده آه و دلش سوخت هر که دید مرا

گزینه ۲. شکسته بسته خویشم، رها کنید مرا

گزینه ۳. ز لطف خود مکن اینبار نا امید مرا

گزینه ۴. اگر که کار به دیوانگی کشید مرا

گزینه ۵. بیا که جان ز فراق به لب رسید، مرا

(علی مرادی غیاث آبادی)

«بیت شماره ۱۱»

..... به جان، بلای تورامی خرم به عشق قسم

گزینه ۱. کسی به پای محبت به پای ما نرسد

گزینه ۲. چرا به مرزا جابت دعای ما نرسد

گزینه ۳. به گوش مردم دنیا صدای ما نرسد

گزینه ۴. خدای من ز چه رو، ناخدای ما نرسد

گزینه ۵. به گوش او مگر این ناله های ما نرسد

(سید محمد خسرو نژاد)

..... «بیت شماره ۱۲»

..... هر دلی مهر تو را دارد به دل

گزینه ۱. نور دل، آرامش جانم تویی

گزینه ۲. غیر مهر تو کند بیرون ز دل

گزینه ۳. جان ما بادا بلا گردان تو

گزینه ۴. ای فدای جود و بخشش های تو

گزینه ۵. لحظه ای گر نور تو تابان شود

جواب صحیح مرحله دوم مسابقه تشخیص مصراع مناسب

(در بین ۵ مصراع)

بیت شماره ۱: گزینه ۴

بیت شماره ۲: گزینه ۲

بیت شماره ۳: گزینه ۵

بیت شماره ۴: گزینه ۴

بیت شماره ۵: گزینه ۳

بیت شماره ۶: گزینه ۱

بیت شماره ۷: گزینه ۲

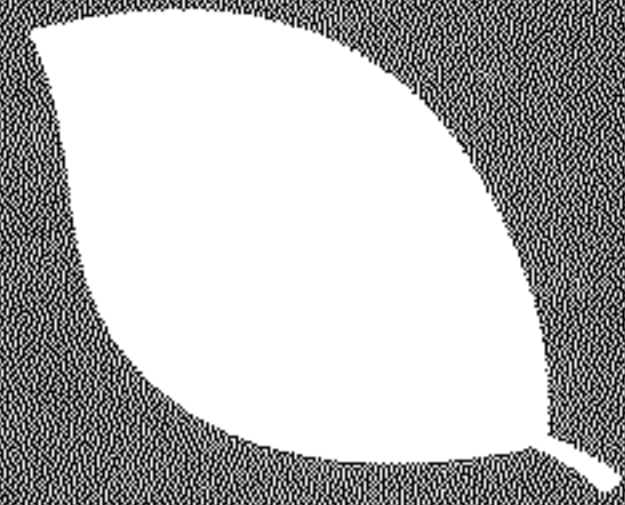
بیت شماره ۸: گزینه ۳

بیت شماره ۹: گزینه ۴

بیت شماره ۱۰: گزینه ۵

بیت شماره ۱۱: گزینه ۱

بیت شماره ۱۲: گزینه ۲



بخش دهم

مسابقه تشخیص مصراع اول
در بین سه مصراع



این مسابقه، همانند مسابقه قبلی است با این تفاوت که به جای مصراع دوم، مصراع اول حذف شده است و شرکت‌کنندگان باید مصراع اول را از بین مصراع‌های بیان شده توسط مربی، به درستی حدس بزنند.

«بیت شماره ۱»

یقینم گر شود راضی تو از دست منی، خوبم

۱. کسی نبود در این غربت سراغی از تو محبوبم
۲. اگر جویای حال این حقیر بی سرو پایی
۳. چو با شیطان و با نفس و هوا درگیر می‌گردم

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۲»

یعقوب سان همیشه به هر جا گریستم

۱. آنی امان نداد به من سیل اشک شوق
۲. هر گه به روی دلکش مه دیده دوختم
۳. از درد افتراق تو ای یوسف وجود

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۳»

..... که با مهر تو، مشمول عنایات خداوندم

۱. اگر از آرزوی قلبی ام پرسی، عیان گویم

۲. اگر مشمول الطافت شوم، این را یقین دارم

۳. اگر هر کس برید از من، غمی نبود ولی از او

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۴»

..... آرزویی غیر از این از قادر یکتا ندارم

۱. دوست دارم زنده باشم روز وصلت را ببینم

۲. مونس و آرام جانم در همه عالم تویی تو

۳. هر کسی بر مقتدایی اقتدا بنموده اما

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۵»

..... به یقین پیش خداوند بهایی دارم

۱. تا که در مجمع عشاق تو جایی دارم

۲. از قیودی که بود مانع وصل تو مرا

۳. گرچه از بار معاصی، کمرم خم شده است

(علی اصغر یونسیان)



«بیت شماره ۶»

از تو زین اعمال زشتم، شرمگینم، شرمسارم

۱. مرغ جانم می زند پر، هرکجا در بحر و در بر
۲. هرکسی در این جهان، فخرش به چیزی هست و من هم
۳. گرچه عبد سرکشی هستم، تو جانا مهربانی

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۷»

اعتناکی بر قصور و حورو بر غلمان کنم

۱. وا اسف در محبس هجران تو زندانی ام
۲. روز محشر فکر و ذکر من تویی یابن الحسن
۳. وصل تو باشد مرادم، گر میسر گردد

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۸»

صدر هر حرف و سخن، نام تو را عنوان کنم

۱. سر عشقت را بگو تا عقده دل وا شود
۲. گر خطا کارم، مطیع آن چه خواهی نیستم
۳. از عنایات تو یابن العسکری بی اختیار

(علی اصغر یونسیان)



«بیت شماره ۹»

..... یابن الحسن، ظهور تو را آرزو کنم

۱. در حسرت وصال تو سرگشته‌ام هنوز

۲. خشک است کام جان و دل از التهاب هجر

۳. هر لحظه ای که سوی خداوند رو کنم

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۰»

..... گره‌ای سخت فتاده است به کارم چه کنم؟

۱. تو مگر شافع من، روز قیامت باشی

۲. ای که با یک نظری، صد گره را بگشایی

۳. گفته‌ای صبر کن آخر که فرج نزدیک است

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۱»

..... مرا عفو کن اگر دادم تو را آزار، مهدی جان

۱. خطا هر کس کند، قلب تو را آزوده می‌سازد

۲. طبیباً، درد جانسوز فراقیت کرده بیمارم

۳. غم هجران زدوش جان ما بردار، مهدی جان

(علی اصغر یونسیان)



«بیت شماره ۱۲»

اگر کردم من دل خون، زیاران تو مهدی جان

۱. دل ما گشت کانون غم و اندوه ز آن روزی
۲. مگر کم می شود ای معدن جود و کرم از تو
۳. دل تو از برای شیعیانت سخت می سوزد

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۳»

باز آ و مرهمی به دل شیعیان رسان

۱. یارب سلام ما به ولی زمان رسان
۲. باد صبا، اگر گذری از دیار عشق
۳. برگو که قلب شیعه تو، سخت خسته است

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۴»

دلجویی از شکسته دلان غریب کن

۱. یارب طبیب من که علاجم کند، کجاست؟
۲. ما دل شکسته ایم به آن دنواز گو
۳. ما را که عمرمان سپری گشت با فراق

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۵»

..... این مرغک محبوس را از آن قفس آزاد کن

۱. امید دلجویی ندارم از کسی جز لطف تو

۲. مرغ دلم محبوس شد، در محبس هجران تو

۳. ما عاشقان خسته را یابن الحسن منت بنه

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۶»

..... تو هم برای رضای خدا، دعایم کن

۱. اسیر محبس هجر تو تا به کی باید

۲. منم چو آب گل آلوده تیره از عصیان

۳. برای امر تو از سوز دل دعا کردم

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۷»

..... مراقابل کن و آنکه به بزم خویش ماذون کن

۱. نمی خواهم نشاط و شادی دنیای فانی را

۲. یقیناً نیستم لایق که ره یابم به بزم تو

۳. بیا و ظرف دل را از ولای غیر، خالی کن

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۸»

دیگر فراق بس بود ای غمگسار من

۱. از نور توست، روشنی آسمان دل
۲. از لحظه‌ای که ملتجی درگهت شدم
۳. دست مرا بگیر و مرا با خودت ببر

(علی اصغر یونسیان)

«بیت شماره ۱۹»

این قلب بی لیاقت و بی اعتبار من

۱. آیا شود به یک نگهی زبر و رو کنی
۲. من عاجزانه از تو تقاضا کنم، مکن
۳. تنها به لطف بی حد و جود و عطای تو

«بیت شماره ۲۰»

حبس در سینه نشد، آه یتیمانه من

۱. سعی کردم نکشم آه یتیمانه ولی
۲. شود ای مه که بتابی تو به کاشانه من
۳. سرکوی تو گدایی سمت شاهان است

(علی اصغر یونسیان)

جواب‌های صحیح مسابقه تشخیص مصراع اول (در بین ۳ مصراع)

گزینه ۱: مصراع شماره ۲

گزینه ۲: مصراع شماره ۳

گزینه ۳: مصراع شماره ۲

گزینه ۴: مصراع شماره ۱

گزینه ۵: مصراع شماره ۱

گزینه ۶: مصراع شماره ۳

گزینه ۷: مصراع شماره ۲

گزینه ۸: مصراع شماره ۳

گزینه ۹: مصراع شماره ۳

گزینه ۱۰: مصراع شماره ۲

گزینه ۱۱: مصراع شماره ۱

گزینه ۱۲: مصراع شماره ۲

گزینه ۱۳: مصراع شماره ۳

گزینه ۱۴: مصراع شماره ۲

گزینه ۱۵: مصراع شماره ۲

گزینه ۱۶: مصراع شماره ۳

گزینه ۱۷: مصراع شماره ۲

گزینه ۱۸: مصراع شماره ۳

گزینه ۱۹: مصراع شماره ۱

گزینه ۲۰: مصراع شماره ۱

منابع:

۱. یار غایب از نظر، گردآورنده: محمد حجتی.
۲. چقدر فاصله مانده میان من تا تو، گردآورنده: مهدی خلیلیان و زهرا صفری.
۳. گردی از رهگذر دوست، علی اصغر یونسیان.
۴. خلوتگاه راز، حبیب چایچیان (حسان).
۵. گلزار ولایت، محمد شائق (قمی).
۶. کوی یار، گردآورنده: علی گرجی.
۷. هُرم حضور، گردآورنده: سید مهدی موسوی.
۸. گلچین دل سوختگان آل یاسین، گردآورنده: عیسیٰ رضانی پور.
۹. گلشن اهل بیت علیہ السلام، گردآورنده: عیسیٰ رضانی پور.
۱۰. مناقب و مرثیہ اهل بیت عصمت و طہارت، غلامرضا توسلی.
۱۱. گلچین احمدی (مجموعہ ۴ جلدی)، گردآورنده: ذبیح اللہ احمدی گورجی.
۱۲. مدایح و مرثیہ آل محمد، سید ضیاء الدین تنکابنی.
۱۳. بر مدار عشق، محمد رضا آقاسی.
۱۴. سروش عشق، گردآورنده: ہیئت محبان المہدی.
۱۵. جلوہ طہ، گردآورنده: علیرضا زکی زادہ.
۱۶. چلچراغ (۵ جلدی)، مهدی وحیدی صدر.
۱۷. فاطمہ شمع شبستان علی، حبیب... ابن احمد.
۱۸. داغ شقایق، علی مہدوی فاضل.
۱۹. مہر جهانگیر، محمد کاظم نیکنام.
۲۰. شوق مہدی عجل اللہ تعالیٰ فرجہ العزیز، ملا محسن فیض کاشانی.

۲۱. نوای مهر، کربلایی مصطفی مهرآوران.
۲۲. آتش فراق، گردآورنده: محسن حافظی.
۲۳. تا جمعه موعود، گردآورنده: هیئت فاطمیون.
۲۴. ناله‌های فراق، سید محمد حسین هاشمی نژاد.
۲۵. رابطه با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، گردآورنده: علی خورشیدی.
۲۶. گلچین المهدی، گردآورنده: محمد جواد بستانی.